

عندليب





عندليب

نشریه مجله دهخانی می بہایان کا نادا
بربان فارسی

شماره سی و ششم «مُسلسل»
No. 38

سال دهم
Volume 10

۱۴۰۸
بدیع

بهار ۱۳۷۰ شمسی
Spring 1991

'ANDALÍB
7200 Leslie Street, Thornhill, ON, Canada, L3T 6L8

«حق چاپ محفوظ است»

فهرست مسند رجات

۴-۳ ۵ . ۱۳-۱۱ ۱۴ ۲۲-۱۵ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۳۲-۲۶ ۳۲ ۳۹-۳۳ ۴۰ ۴۶-۴۱ ۴۸-۴۷ ۵۳-۴۹ ۵۳ ۶۲-۵۴ ۶۶-۶۳ ۷۴-۶۷ ۷۷-۷۵ ۸۰-۷۸	۱ - آثار قلم اعلیٰ ۲ - لوح مبارک حضرت عبدالبهاء ۳ - ترجمه پیام منیع بیت العدل اعظم الہی ۴ - ترجمه متّحد المآل دارالانشاء معهد اعلیٰ ۵ - تبلیغ ۶ - رساله استدللیّه جناب آقامیرزا محمود کاشانی ۷ - پیام معهد اعلیٰ در مورد صعود ایادی امرالله جناب جان ربارتز علیه بھاء اللہ ۸ - شعر از جناب میرزا محمود زرقانی اعلیٰ اللہ مقامه ۹ - بهار (شعر) ۱۰ - پاسخ ۱۱ - آگھی ها ۱۲ - تاریخ زرین شهادت: شهیده مجیده دوشیزه مهشید نیرومند ۱۳ - عید اعظم رضوان (شعر) ۱۴ - بحثی پیرامون مجازات اعدام ۱۵ - یادی از گذشتگان (متتصاعد الی اللہ روح اللہ بہشتی) ۱۶ - جریان تشکیل سه انجمن شور روحانی ملی (رومانی، روسیه و چکسلواکی) ۱۷ - خنده گل (شعر) ۱۸ - یاران مهد نظم اداری حضرت بھاء اللہ ۱۹ - قسمت جوانان : انصاف صفت ممتازه انسان ۲۰ - اخبار و بشارات امیریه ۲۱ - اخبار مصور ۲۲ - نامهایی از دوستان
---	---

عکس ها :

روی جلد: عکس محافل ملی روحانیه رومانی (بالا) و چکسلواکی (پایین)
 در حضور ایادیان امرالله امامة البهاء روحیة خانم وجناب دکتر
 علیمحمد ورقا علیهمما بھاء اللہ الابی

داخل روی جلد: اعضای محفل روحانی ملی روسیه

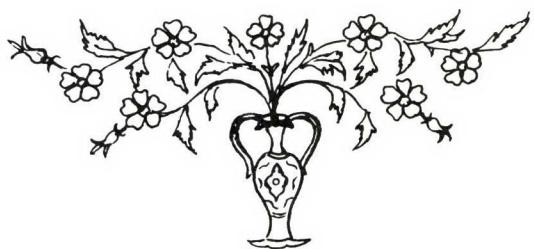
پشت جلد: عکس محفل روحانی ملی روسیه با حضور ایادی امرالله جناب
 فروتن و سه مشاور قارئه و نمایندگان محافل ملیه

داخل پشت جلد: احبابی کاشان در سال ۱۳۲۰-۱۳۱۹ (فرستنده دکتر ناصر برجیس)

سرک جناب عبد الله

بنام گویای دانا

یاعبَه مظلوم عالم پیغمِر ام را در کل اون و حیان بخ دعوت نماید و مقصود
از این ظهور آنکه سحاب طلم مرتفع شود و آفتاب عدل از خلف جواب اشراق نماید تا جمیع
اهل عالم در مهد امن و امان سکون و مستریح شوند ای ووستان نہرله سراح باشید
از برای عالم ظلمانی و مبتلای نور باشید از برای تاریکی جای پیغمِر اهل عالم بحال محبت
رفتار کنید اجتناب و جدال و فساد کل در این ظهور عطش منع شده نظریت باغل
طیبه و اخلاق مرضیه بوده خواهد بود تسلکوا بالاستقامه الکبری فی امر ربکم
مالک اوری ثم علوا بها امر تم به فی کتاب بکم لعسیم الحکیم .



بسمِ لذتی به دارت افلاک لهیان فی الامکان

یا متنی یاد قتی که بست لدمی لمظنو م حاضر و عبد خضر عرض نمود و شرف صفا مقصود لیان
فارگشت از قبل باز قتل علی فائز شدی این مقام بسیار عظیمت عزیز شد برگلوبای اوراق
خود را از حفیف سدر محروم نماید امروز روز فضل و غنایت از حق میطلبیم آما خود را بطرافت
کبیری مژین فرماید و بنور معرفت منور است قادر و تواندا است حاضر و بینا آماران ارض را
تکبیر میرسانیم و بباشی بعی لایام الله و صیت نهائیم طوبی از برای نفیکه با صفا فائز کشت و پسح
قلم اعلی عمل نمود آنچه شاهده میشود کل فانی و معدوم خواهد شد مگر آنچه نسبت بحق محل حلابه است
کیم کلمه او بهتر است از ثروت عالم و رات امم نیکوست حال نفیکه هآن فائز کشت.

البھ آ علیک و علی کل امة اقبلت و آمنت و سمعت و اجابت ربها

الغفور الکریم .

عُوْمَ اجْبَانِي ارض صاد وَجْهَ آباد عَلِيم بَحْرَ الْأَبْحَانِ

بِهِوَالْأَبْحَانِ

یَا اجْبَانِی، تَسْهِیْلَة وَمِنْجَدِی نَفْحَاتَه اگْرِقْدَرِی تَغْرِیْبَه وَدِرْقِیْتَ امْوَالَمَعْنَوَه وَمَدْرِکَیْنَه
مُلاَحَظَه مِنْهَا يَسِیدَ کَه در چه دریایی بی پایان لطف و احسانی عوْنَه درید و در چه جَنْتَه رضوانی مُحَمَّدَه، مَا

مرصع بَحْرَه مَلْكُوت ابْنِی بَرْ سَرْدَرِید کَه از فرق فَرْقَه اَنْ گَبَرْدَه وَخَلْقَتِی در بر دارِید کَه از خَلْل وَثَابَه
سَطْنَت فَرْقَه دَارَد زَرَادَه تَاجَه بَسَارَاجَه روَد وَلَی این تَاجَه چُون سَرَاجَه در زَجاجَه ابْدَیَت
وَسَرْمَدَیَتْ مَدْرَخَشَد وَهَرَدِیَّانِی زَیَّانِی وَسَنَدَسْ وَاسْتَرْقَمِی عَاقِبَتْ کَمَنَه وَعَسْتَقَه پَارَه پَهْ
گَرَدَه وَلَی این وَاعْغَارَه رُوزَه بَرَدَه وَلَطْفَتْ اَفْرَادِید وَقَامَتْ لَابَسَه باعْدَالَه نَهَالَه بَهَالَه
بَسَارَادِید، پَسْ بَشَکَرَه این اکْلِيلَه حَسِيلَه کَه بَرَسَرَدَرِید وَپَادَشَ این وَاعْطِیَمَ کَه در بر دارِید دَعْوَه
آَسَمَانِ مَقْدَسِه اَبْعَدَه بَحْبَسَه آَشْرَکَیَه وَسَیِّمَه گَرَدَرِید زَرَادَه او وَسَیِّمَه پَشَاهِی آَسَانِ مَعَدَه
وَفَسَرْجَه بَانِی عَبُودَیَتْ "گَاهَ جَهَلَ قَدَمَ وَاَنَّ عَبُودَیَتْ نَشَرَنَفَتَه" فَاتَّمَه بَیَّانَتَه وَ
شَاهِدَه آَیَاتَ وَاضْحَىَتْ وَتَفسِيرَه کَلْمَاتَه وَتَرْوِيَجَه بَشَارَاتَه وَكَشْفَه بَحَاجَاتَه خَرَقَه
جَهَابَاتَه اَهْلَه جَهَابَتَه وَتَسْلِيْعَه اَمْرَالَكَه اَسَاءَه وَصَفَاتَه . عَرَعَ

ترجمه سایم میع بیت العدل عطشم آئی

خطاب به پرورد اسم عطشم سر بر عالم رضوان ۱۹۹۱

یاران عزیز الهی

قوائی که موجب توحید اقدامات چاره جویانه تعداد کثیری از ملل در مقابله با بحران ناگهانی در این منطقه گردید بدون ادنی شک و تردید لزوم اصل امنیت دسته جمعی را که حضرت بهاءالله متجاوز از یک قرن قبل بعنوان وسیله حل مناقشات توصیه فرموده بودند واضح و نمایان ساخت. گرچه هنوز بسیاری از ترتیبات بین المللی که حضرت بهاءالله برای اجرای کامل این اصل پیش بینی نموده اند مورد قبول و اجرای فرمانروایان عالم واقع نگردیده ولیکن قدیمی بلند بسوی روشی برداشته شده که مالک قدر برای بشر تعیین فرموده است. چه هدایت بخش است این کلمات حضرت بهاءالله که نحوه تجدید حیات ملل عالم را پیش بینی نموده و میفرمایند: "ان اتحدوا يا معاشر الملوك به تسکن ارباح الاختلاف بينکم و تستريح الرعية و من حولكم ان اذتم من العارفين ان قام احد منکم على الآخر قوموا عليه إن هذا الأعدل مبين..."

فی الحقيقة بر هر سو که بنگریم مشاهده میکنیم که ید قدرت جمال قدم در عالم فعال و در کار است. در دعوت برای ایجاد نظم جدید جهانی، که تکیه کلام پیشوایان سیاسی و متفکران صاحب نفوذ شده، حتی در مواردی که خود قادر به تعریف معنای آنچه میگویند نیستند، میتوان تشخیص داد که چگونه به تدریج عالم انسانی از خواب غلت بیدار و به مقصد اصلی ظهور امر الهی متوجه میگردد. این نکته که

در قبال الطاف لانهایه ای که جمال اقدس ابهی به جامعه عالمگیر بهائی و مرکز جهانی امر عظیمش در سال گذشته ارزانی داشته کدام لسان عنصری قادر به اظهار شکرانه و سپاس است؟ ما را جز این نمی رسد که در برابر شواهد و آثار شفقت انگیز فیوضات مداوم و اقتدار میر جمال قدم جل اسمه الاعظم با کمال خصوع و خشوع سر تعظیم فرود آریم.

مخاطرات عظیمه ای که در نیمه اخیر سال گذشته در اثر آشوب خاورمیانه ارض اقدس را در برگرفت بدون آنکه سبب توقف و یا حتی ایجاد موانع جدی در ادامه امور جاری امر شود به تخفیف و تحلیل گرائید. این حوادث تذکاری تلخ از تضادی بود که بین نظام حضرت بهاءالله که پیوسته و بلامانع در تقدّم و پیشرفت و مایهٔ وحدت و یگانگی است با آشفتگی و تلاطم عصر انتقال وجود دارد. عصری که به فرمودهٔ صریح حضرت ولی امرالله "alam و اغتشاشات علامت و پیش درآمد آن دوره پربرکت و سعادتی قلمداد میگردد که در آن مقصد غائی الهی برای ابناء بشری تجسم و تحقق خواهد یافت". (ترجمه) حوادث اخیر نمونه دیگری از "سکرات موت تمدنی را اعلام می تمايد که در شرف تلاشی و اضمحلال است و در عین حال بر تولد نظم جهان آرائی دلالت مینماید که سفینهٔ فجات بشری است و ناگزیر بر خرابه‌های عالم مستقر خواهد شد". (ترجمه)

بکمال خوشوقتی اعلام میداریم که سه تن از حضرات ایادی امرالله به نمایندگی بیت العدل اعظم در این رویدادهای تاریخی شرکت خواهند نمود. حضرت امّه‌البّهاء روحیّه خانم در رومانی، جناب علی اکبر فروتن در اتحاد جماهیر شوروی و جناب دکتر علی محمد ورقا در چکسلواکی. ضمناً امّة‌الله روث پرین گل عضو هیئت مشاورین قارمای در امریکا نیز به نمایندگی معهد اعلی در جزائر لی وارد غربی شرکت خواهند نمود.

مورد دیگری از ظهر و بروز اقتدار امر حضرت بهاءالله در انتظار و اذهان عمومی در کشور آلمان جلوه نموده است. بدین ترتیب که محکمه فدرال که متصدی رسیدگی به مسائل مربوط به قانون اساسی میباشد و عالیترین مرجع قضائی در آن کشور است قراری صادر نمود که حائز اهمیّتی شایان در شناسائی امر حضرت رحمن است. به این دلیل که در نظامنامه محافل محلی اختیاراتی خاص به محفل روحانی ملی تفویض گردیده و این امر مباین اصل حقوقی خود مختاری انجمنهای است که رسماً ثبت میشوند، محکم مقدماتی از صدور اجازه ثبت نظامنامه یکی از محافل روحانی محلی امتناع ورزیده بودند. مباحثی که در این جریان مطرح بود بسیار پیچیده و شرح و بسط آنها خارج از حوصله این مقال است. فقط کافی است متذکر شویم که محکمه فدرال مزبور استیناف محفل روحانی را تأیید کرد و در رأی مفصل و کاملاً مستدلی که صادر نمود از جمله حق جامعه بهائی را برای احراز شخصیّت حقوقی بهمان نحوی که در نصوص مبارکه بهائی مقرر گردیده ثبت نمود و تصریح کرد که خصوصیات ذاتی و شهرت اجتماعی امر بهائی و شهادت دانشمندان و محققان رشته ادیان تطبیقی هویت امر بهائی را بطور قطع و بدون تردید بعنوان دیانتی رسمی ثابت و مدلل میسازد. این رأی در نظر محکمه فدرال چنان حائز اهمیّت بود که محکمه مزبور

دعوت به نظم جهانی را رئیس دولت کشوری مصراًنه تکرار میکند که طبق بیان مبارک حضرت عبدالبهاء مقدّر است "اولین ملت و جمعیّتی باشد که اساس اتفاق و آشتی بین الملل را بنیان خواهد نهاد" و "جمیع ملل را از لحاظ روحانی رهبری خواهد کرد" (ترجمه) حاکی از تأثیر و تسريع دو تحول همزمانی است که یکی در داخل امر و دیگری در خارج آن تحقق خواهد یافت و مقدّر است که به فرموده حضرت ولی امرالله به سرانجام واحد درخشانی" (ترجمه) منتهی شود.

در داخل جامعه بهائی نشانه‌ها و مظاهر موقفیّت های اعجاب انگیز در جریان نقشه شش ساله فراوان است. انتصاراتی که حتی بعضی از آنها در ابتدای نقشه پیش بینی نشده بود. نمونه های بارزی از این موقفیّت‌ها را میتوان در دنباله تغییرات شگرفی مشاهده نمود که در اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای مجاوره روی میهدد. فقط یک سال پس از تشکیل مجدد محفل روحانی محلی مسکو، اکنون محفل روحانی ملی اتحاد جماهیر شوروی تشکیل می گردد. همچنین اندکی متجاوز از یکسال پس از تغییراتی که در اثر انقلابات سیاسی در رومانی روی داد دولت رومانی امر بهائی را به عنوان جامعه‌ای دینی که مُجاز است تعالیم حضرت بهاءالله را منتشر و تبلیغ کند به رسمیّت شناخته است. در رومانی نیز قرار است در این رضوان محفل روحانی ملی تأسیس گردد. توسعه سریع امر در چکسلواکی نیز سبب شد که در همین هفته‌های اخیر برای تأسیس محفل روحانی ملی در این کشور اتخاذ تصمیم گردد. مقارن این اوقات همچنین در منطقه کارائیب در اثر تقسیم مجمع الجزائر لی وارد به دو واحد اداری منطقه ای محفل روحانی ملی جدیدی در جزائر لی وارد غربی تشکیل خواهد شد. با تشکیل خجسته این چهار محفل روحانی ملی جدید عدد محافل روحانیه ملیه به ۱۵۵ محفل بالغ میگردد.

میدارد. این قبیل نشانه‌ها که حاکی از شناسائی عمومی خصوصیات واقعی قوای مکنونه وسیع جامعه بهائی است از مشخصات بارز پیشرفت امر در چهارمین عهد عصر تکوین است. ملاحظه تحقق این همه آثار و توفیقات شگفت انگیز ناچار ما را وادار می‌سازد که مراتب محبت و تحسین عمیق خود را به مشاورین قاره‌ای و اعضای هیئت‌های معاونت ابراز داریم، چه آنان همواره مشوق و پشتیبان مساعی و مجهداتی بوده اند که سبب حصول موفقیت‌های عظیمه ای که از پیش بدانها اشاره شد گشته است. خدمات این نفوذ مخصوصاً محرك اقدامات مجده‌انه و مؤثر تبلیغی یاران که فی الحقیقته اس اساساً جمیع موفقیت‌های جامعه محسوب است می‌باشد. شور و شوقي که هیئت‌های مشاورین در آغاز دوره جدید خدمات خود در عالم بهائی بوجود آورده اند سبب سرور موفور و دلگرمی زائد الوصف است. اقدامات جدید و ابتكاراتی که هیئت‌های مشاورین با تشویق صمیمانه و پشتیبانی شایان عصبه جلیله دارالتبلیغ بین المللی، قوای خود را حصر در اجرای آن ساخته اند نشانه خوش آیندی است که نقشه شش ساله به نحوی رضایت‌بخش به انجام خواهد رسید. امید چنانست که مجهدات هیئت‌های مشاورین که با افزایش ۹۰ عضو بر اعضاء هیئت‌های معاونت تعدادشان از یوم میثاق سال جاری به ۸۴۶ نفر خواهد رسید پیش از پیش تقویت و توسعه یابد. یقین است جامعه جهانی بهائی از این اقدام که سبب تقویت کیفیت و توسعه نطاق وظائف روحانی اعضای هیئت‌های معاونت و مساعدینشان می‌گردد استقبال خواهند کرد زیرا اقدامات اعضای هیئت‌های معاونت و مساعدین آنان در جوامع محلی ضامن توسعه و تحکیم مستمر امر جلیل الهی است.

پیشرفت شکوهمند نقشه شش ساله مایه مسرت خاطر و سبب مزید امیدواری است. از این

خود بنحوی استثنائی بیانیه‌ای در شرح این تصمیم صادر و آنرا در اختیار جراید و وسائل خبری قرار داد. فایده و اثر این رأی بسیار مهم برای جامعه بهائی از حدود و شغور کشور آلمان که اخیراً متعدد شده است بمراتب فراتر می‌رود. شاهد دیگری که تقدیر روز افزون عامه مردم را از چشم انداز وسیع امرالله نمایان می‌سازد واقعه‌ای است که در جمهوری افریقای جنوبی روی داده است. محفل روحانی ملی در کشور مزبور با اغتنام فرصت از ابتكار دولت برای حل مسئله تبعیض نژادی (آپارتاید) که چندین دهه ادامه داشته، تصمیم گرفت نظرات پیشنهادی خود را در زمینه تهیه پیش نویس قانون اساسی جدید تسلیم اولیاء امور نماید. رئیس کمیسیون قوانین کشور آفریقای جنوبی. یعنی یکفر از قضات که قائم‌مقام دولت در کمیسیون مزبور است بیانیه پیشنهادی محفل روحانی ملی را از هیئت نمایندگی محفل مزبور دریافت داشته اظهار نمود که تا کنون بهائیان تنها گروهی هستند که اساس و مبنای روحانی و اخلاقی برای قانون اساسی کشور پیشنهاد نموده اند.

دعوت از نماینده جامعه بین المللی بهائی به عنوان تنها ناطق غیر بودائی برای ایراد سخنرانی در جلسه عمومی که همراه با کنفرانس صلح بودائیان آسیا در مغولستان تشکیل شده بود، ذکر نام بهائیان بنحو اخُص توسط پاپ ژان پل دوم در مهمانی رسمی در ضمن دیدار مشاَرالیه از کشور برونڈی، ثبت رسمی امر بهائی به عنوان یکی از ادیان عمومی در توالو و بالآخره ترتیب دادن نمایشگاه بین المللی تعلیم و تربیت برای صلح توسط محفل روحانی ملی برزیل با مشارکت ۲۳ سفارتخانه و مؤسسه آموزشی این نکته را مبرهن می‌سازد که این وقایع صرف نظر از نتایج اختصاصی مضمون تأثیراتی عمومی در اطراف و اکناف جهان است که من حیث المجموع خروج امر الهی را از مرحله مجهولیت ثابت و مدلل

اول: اجتماع نمایندگان عالم بهائی با تقاضا فارسان امر حضرت بهاءالله در بهجی در جوار قصر یعنی محل صعود روح حضرت بهاءالله از عالم ادفی و استقرارش به سریر سلطنت ملکوتی، و در حول روضه مبارکه که در مدخل آن لوحه افتخار شامل اسامی فارسان امر حضرت بهاءالله قرار داده خواهد شد تا نشانه ای از اجابت عشاق جمالش به دعوت آن حضرت برای انتشار تعالیمیش در سراسر کره ارض باشد. اجتماع مذبور در بهجی به تلاوت ادعیه و مناجات خواهند پرداخت. مجموعه آیات و ادعیه‌ای که در مراسم مذبور زیارت خواهد شد عنقریب جهت عموم جوامع بهائی ارسال میگردد تا در مراسم تکریم و تجلیلی که ترتیب خواهند داد تلاوت شود و سبب حصول وحدت در احساسات روحانیّه دوستان در مراسم تعظیم و تکریم یکصدمین سال صعود حضرت بهاءالله در سراسر عالم گردد.

ثانی: کنگره جهانی است که قرار است از ۲۲ تا ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲ در شهر نیویورک برگزار شود، شهری که در آن حضرت عبدالبهاء مقام خود را بعنوان مرکز منصوص عهد و میثاق حضرت بهاءالله آشکار و تبیین فرمودند و شهر نیویورک را مدینه میثاق لقب دادند. در سراسر عالم نیز جوامع بهائی مراسم شایسته ای ترتیب خواهند داد تا مقصد کنگره جهانی را که تکریم قرن افتتاح دوران عهد و میثاق حضرت بهاءالله و اعلان مقصد و نیروی وحدت بخش امر مبارک است به جهانیان عرضه دارند. همزمان با این اقدامات بیانیه ای درباره حضرت بهاءالله که بنا بر تصمیم بیت العدل اعظم توسط اداره اطلاعات عمومی در مرکز جهانی تهیه شده است به میزانی وسیع منتشر و توزیع خواهد شد. این بیانیه هم منبعی برای مطالعه و اخذ الهام برای احباب خواهد بود و هم منشوری است که به عموم مردم ارائه خواهد گردید. به کمک

نقشه بیش از یک سال باقی نمانده و تا بحال اقدامات بسیار مهمی در سبیل حصول اهداف هفتگانه اصلی آن انجام گرفته است. جامعه بهائی در مقایسه با ابتدای نقشه در سال ۱۹۸۶ بنحوی بسیار موثر تغییر و تحول یافته و توسعه و پیشرفتی عظیم حاصل نموده است. بطوری که اکنون تنوع و تحرک و تشخّص بیشتری را حائز است و حال که سال نهائی نقشه شش ساله آغاز میگردد چشم اندازی شوق انگیز در افق انتظار نمایان است.

تهیه ترجمه و حواشی و تعلیقات کتاب مستطاب اقدس که کتاب احکام و املکات امر حضرت بهاءالله محسوب است پایان میباشد، اقدام خطیری که به تنهائی دوره جدیدی را در سیر بلوغ و تکامل عالم بهائی آغاز میکند، و موقیت های نقشه شش ساله را به اکلیلی جلیل متوجه میسازد.

تسطیحات زمین های طبقات تحتانی مقام حضرت نقطه اولی و خاک برداری ساختمان مرکز مطالعه نصوص و الواح و بنای ضمیمه دارالاثار شروع میشود و بدین ترتیب مرحله جدیدی از ارتفاع این مشروعات فخیمه مقتنده بر جبل رب آغاز میگردد.

خاتمه نقشه شش ساله مقارن با آغاز سال مقدس ۱۹۹۳ - ۱۹۹۲ است که به مدت یک سال به پیروان اسم اعظم فرست میهد تا بنحوی شایسته به تکریم و تخلید صدمین سال صعود حضرت بهاءالله و افتتاح دوران عهد و میثاقش که کافل وحدت عالم بشر است پردازند. چنانچه قبل اعلان شده است برای این منظور مراسم مهم و شایسته ای ترتیب داده شده تا صفات ممیزه و اهمیت خطیر این دو واقعه مهم را منعکس سازند.

ربانیه‌اش بعنوان راهنمای اقدامات مل بزرگ و کوچک مورد تصدیق و ثبت قرار گرفته و می‌گیرد. یقیناً این عنایت لانهایه به آن یاران عزیز جرأت و شہامتی شکست ناپذیر میدهد و اطمینان میبخشد تا برای مواجهه با آینده ای درخشنان اما پرقلash آماده شوند و فی الحقیقه این سال فرخنده را با احساس آمادگی برای پیروزی نهائی نقشه شش ساله آغاز نمایند. باشد که شما عزیزان با اقدامات خالصانه خود به آستان مقدس الهی همچنان به مراحم و الطاف لانهایه‌اش برکت بی اندازه یابید.

بیت العدل اعظم

ترجمه سامیت العدل اعظم خطاب به بیان عالم موضع ۲۰ جون ۱۹۹۱

با کمال خوشوقتی اعلام میداریم که پس از وصول جواز برای شروع دو میان مرحله بنای طبقات مقام اعلی و خاک برداری برای اولین ساختمان از دو بنای مورد نظر و پس از اتمام تشریفات مناقصه، قرارداد مربوطه در ۱۲ جون ۱۹۹۱ با مضاوه رسید و مرحله دوم اجرای طرح های ساختمانی جبل کرمل رسمآغاز گردید.

این مرحله که انتظار می‌رود قریب شانزده ماه بطول انجامد مشتمل است بر خاک برداری و پی ریزی جهت دو ساختمان مرکز مطالعه نصوص و بنای منضم به دارالاثار و نیز تسطیح زمین های پنج طبقه اول از طبقات تحتانی و توسعه طبقه اصلی مقام مقدس اعلی. جمیع مصارف این مرحله پنج میلیون دلار برآورد شده است.

تقاضا می‌شود یاران با ادامه بذل تبرعات پیشرفت بلا انقطاع این مشروعات را تضمین نمایند.

در اعتاب مقدسه تائیدات الهی را برای تحقق این مشروع تاریخی مسئلت داریم.

بیت العدل اعظم

این اقدامات و مجهودات دیگر جامعه ستایندگان اسم اعظم خواهند کوشید تا نام مبارک حضرت بهاءالله را در سراسر عالم مشهور سازند و صیحت عظمت جمال قدم را به سمع جهانیان رسانند.

همزمان بودن استثنائی اقدامات پرجسته ای چون انتشار کتاب مستطاب اقدس و پیشرفت ساختمان اینیه جبل کرمل و اختتام نقشه شش ساله و آغاز سال مقدس روحي تازه به آمال اهل پها می بخشد، زمینه را برای مجهوداتی به مراتب عظیمتر از آنچه تا بحال معمول گردیده آماده می‌سازد و ما را به آغاز دوره ای جدید در تاریخ امر مبارک متذکر میدارد. حکم مقدسی که اجرای آن از نظر خصوصی و وجودانی هر نفسی را به موهبت فداکاری در ساحت رب مجید قادر می‌سازد و از نظر عمومی مصالح جامعه را ترویج میدهد و تبعیت از آن هر فرد بهائی را با مؤسسه مرکزی امرالله مرتبط می‌نماید و بالاتر از همه حکم مبرمی که اطاعت از آن شمول برکات لانهایه و الطاف لاتحصای الهی را برای افراد مؤمن و عامل به احکام الهیه تضمین می‌کند شایسته آن است که در چنین موقع مناسبی مورد استقبال عموم دوستانی که ایمان خود را به مظہر ظهور الهی ابراز میدارند قرار گیرد. اینست که با اظهار خضوع و خشوع به ساحت قدس الهی اعلام میداریم که از رضوان ۱۹۹۲ یعنی آغاز سال مقدس حکم حقوق الله بطور عمومی و بین المللی قابل اجراست و همه یاران الهی را با کمال محبت به اجرای این حکم دعوت مینماییم.

خواهان و برادران بسیار عزیز: ملاحظه نمایید چگونه حضرت محبوب رجای این عباد را اجابت فرموده و چگونه با دخول خواهان و برداران جدید و تأسیس مشروعات بدیع در سرزمین هائی که تا کنون بر روی کلام شفا بخش الهی مسدود بود حیات روحانی ما را غنی و پربرکت ساخته و با چه قدرت و اقتداری تعالیم

ترجمه متحفی الممال دارالشیخ محمد اعلی خطاب بعوم محافل روحانی ملی

مئی ۳ ۱۹۹۱ در باره سال مقدس ۱۹۹۲-۱۹۹۳

یاران عزیز الهی

چنانچه در پیام رضوان ۱۹۹۰ خاطرنشان گردید تشکیل این دو اجتماع مهم که حال مقدمات آن فراهم میگردد نباید تنها اقداماتی باشد که به منظور تکریم و تجلیل سال مقدس معمول خواهد شد، بلکه شایسته چنان است که تمام جوامع عالم بهائی چه محلی و چه ملی برای فعالیتهای متناسب با اهداف و مقاصد سال مقدس اقدام نمایند. آنچه حائز اهمیت است آنست که در طی سال مقدس نحوه تلقی و توجه یاران در تمام جوامع بهائی مبین معنا و مفہوم متعالی دو موقعیتی باشد که مورد تکریم و تقدیس قرار میگیرد. بمنظور رعایت شان تذکار قرن صعود جمال اقدس ابهی باید اطمینان حاصل گردد که در هر جامعه محلی در زمان مناسب یعنی در ۲۹ ماه می برنامه شایسته ای جهت دعا و مناجات ترتیب داده خواهد شد و حد اکثر کوشش بکار خواهد رفت که اهمیت، منزلت، وقار و روحانیت موقعیت مذبور ملحوظ گردد. چنانچه محافل روحانی صلاح بدانند افراد غیر بهائی نیز ممکن است برای شرکت در این برنامها دعوت شوند. برای کمک به تهییه مقدمات این احتفالات و تحکیم روابط قلبیه و احساسات روحانیه یاران در سراسر جهان، بیت العدل اعظم بزوی منتخباتی از آثار مبارکه را که برای تلاوت در روضه مبارکه در یوم مذبور تهییه شده به محافل روحانی ملی ارسال خواهد داشت. علاوه بر احتفالات دعا و مناجات، یاران الهی ممکن است اقدامات مخصوص دیگری را بنحو ملی، منطقه ای و یا محلی برای استفاده خود و نیز افراد غیر بهائی ترتیب دهند تا مراسم تکریم این سال مقدس تعمیم بیشتری یابد و مطالب و حقائقی متنضم کیفیت روحانی و

در تعقیب پیام رضوان ۱۹۹۱ که قبلًا برای محافل روحانی ملی ارسال شده بیت العدل اعظم مقرر فرمودند اطلاعات و راهنماییهای ذیل را در باره سال مقدسی که در پیش است باستحضارتان برسانیم.

همانطور که اطلاع دارید دو واقعه مهم در سال مقدس عبارتند از : نخست احتفال تکریم و تقدیس یکصدمین سال صعود حضرت بپا الله در ارض اقدس که در ماه می ۱۹۹۲ برگزار خواهد شد و دیگر کنگره جهانی بهائی در نیویورک که به منظور تجلیل و تخلید قرن آغاز عهد و میثاق جمال قدم جل ذکرہ الاعظم در نوامبر همان سال تشکیل خواهد گردید. با تزدیک شدن زمان انعقاد این دو اجتماع متدرج اطلاعات بیشتری از مراکز و ادارات مختلفی که با مرکز اعلی عهد دار ترتیب این دو رویداد تاریخی هستند به محافل ملی خواهد رسید. برای جلوگیری از بروز اختلال و اشتباه و بمنظور آنکه بتوان بنحو مؤثر و مطلوب در هر مورد اقدام کرد، بیت العدل اعظم توصیه فرموده اند که اگر تا کنون در این زمینه اقدام مخصوصی معمول نشده مقتضی چنان است که فردی فعال و لایق یا لجنه ای متشکل از چند نفر مأمور گردد تا بعنوان قائم مقام محفل روحانی مکاتبات و مخابرات مذبور را بررسی نماید و کاملاً از محتویات و منویات آنها محفل را مطلع ساخته و در هم آهنگ ساختن پاسخ هائی که باید به این قبیل مخابرات و مراجعات داده شود و اقداماتی که باید بموقع در جامعه تحت اشراف محفل روحانی باید بمعقول گردد مساعدت نماید.

حضرت بہاءالله باید مورد توجّه قرار گیرد. هدف غائی و قصد نهائی از تشکیل کنگره جهانی و جمیع اقدامات دیگری که در ارتباط با مراسم قرن ترتیب داده میشود توجّه و هشیاری نسبت به مرحله استثنائی و پر شکوه و جلال تکامل روحانی پسر است که در اثر این عهد و میثاق آغاز شده و احترام و اعجابی است که این توجّه و هشیاری بوجود میآورد و سوره توأم با شکرانهای که در قلوب بر می انگیزد. یکی از اهداف عمدۀ این اقدامات آنست که آگاهی و تذکاری مقرون به توقیر و تکریم بوجود آید و سرچشمۀ شادی و سوری ممتاز و بی نظیر گردد. با چنین روحیّه ای اقدامات مربوط به تجلیل و تکریم سال مقدس در سراسر جهان باید وسیله‌ ابلاغ و معرفی عهد و پیمان بعنوان مرکز و مدار وحدت عالم انسانی و اعلان تأثیر و فوّز قوّه محركه عهد و میثاق بر مجاهدات و انتشار و اقدامات جامعه از حین صعود جمال اقدس ابهی گردد.

بدون شک آن عزیزان توجّه خواهند داشت که تبلیغات از طریق وسائل ارتباط جمعی باید در نقشه هائی که برای اقدامات مربوط به سال مقدس طرح میشود منظور گردد و از جمیع منابع مناسب و عناصر خلاقه موجود در جامعه از جمله نویسندها، هنرمندان، آهنگسازان، موسیقی دانان، شاعرا و کارشناسان اطلاعات و روابط عمومی دعوت شود که به کمک بشتابند تا بتوان نقشه اقدامات مورد نظر را بنحوی مؤثر و متنوع و جالب توجه بمرحله اجرا گذاشت. مرکز جهانی امرالله علامنده است از نقشه هائی که باین منظور تهیه میشود مطلع گردد و بشارت آنها را به اطلاع سایر دوستان برساند.

یکی از وجوده مهم اقدامات سال مقدس اشتخار نام مبارک حضرت بہاءالله به وسیعترین حد ممکن خواهد بود. باید دقت شود که در تمام

اطلاعات عمومی در باره حیات و تعالیم حضرت بہاءالله نیز ارائه شود و جلسات بحث و مطالعه برای این منظور تشکیل گردد.

برای مراسم ثانی، جوامع بهائی در سراسر عالم بنحو ملی، منطقه ای و یا محلی باید اقداماتی در ارتباط با کنگره جهانی معمول دارند. بعضی از این اقدامات ممکن است همزمان با کنگره جهانی و برخی دیگر در موقع دیگر سال ترتیب داده شود. هر اقدامی که مخالف روحانی در این مورد معمول میدارند باید متوجه به اهداف و مقاصد کنگره جهانی باشد که عبارت از تجلیل و تخلیل قرن آغاز عهد و میثاق حضرت بہاءالله و اعلن اهداف و قوای وحدت بخش آن است. دورنمای این وقایع و اقدامات باید مشوق و محرك یاران به مطالعه تاریخ و معنی و مفهوم عهد و میثاق باشد و در چنین مطالعاتی مشاورین قاره ای و اعضای هیئت‌های معاونت و مساعدین ایشان بدون تردید سبب تشویق و ترغیب یاران و ارائه کمک و راهنمائی به آنان خواهند بود.

تعظیم و تکریم قرن اعلن عهد و میثاق صرفاً به منظور جشن و سوره نیست، بلکه این مراسم اصولاً تجلیل و تکریمی روحانی است که هدفش ایجاد فرصتی برای تأمل و تدقیق در اهمیت تاریخی، بدعیت، تعالی مفهوم و ثمر بخشی عهد و میثاقی است که حضرت بہاءالله تأسیس فرموده و تذکر نسبت به نتائج و آثار برجسته و ممتاز قوّه نافذ عهد و پیمان است که با ایجاد جامعه‌ای جهانی مشکل از عناصر و اعضاء متعدد موفق گشته و حاکی از توفیق و نجاح خصیصه وحدت بخش این میثاق وثیق است. محور تأمل و تعقّق، تفکر در باره آداب بی نظیر و مثیل و شخصیت پر جاذبه و جلال و کیفیّت نورانی و رفتار آموزنده حضرت عبدالبهاء است که شخصیت حضرتش بعنوان مثل اعلی عهد و پیمان

روحانی ملی و محلی و مؤسّسات تابعه آنها با تشویق و کمک مشاورین قاره ای و معنوین آنان این مقاصد را بنحو احسن و با موفقیت کامل جامه عمل خواهند پوشاند.

بیت العدل اعظم مقرر فرموده اند به محافل روحانیه اطمینان داده شود که در اعتاب مقدسه علیاً صمیمانه دعا خواهند فرمود تا آن دوستان عزیز بتوانند علم امر حضرت بهاءالله را در سال مقدسی که در پیش است بیش از پیش برافرازند و به کسب رضایش موفق شوند و جاذب الطاف و تأییدات مستمره اش گردند.

با تحيّات ابدع ابهی
اداره دالائمه مرکز جهانی بهائی



موقع احترام نام مبارک حضرت بهاءالله ملحوظ و محفوظ گردد. برای کمک به اقدامات مورد نظر اداره اطلاعات عمومی در مرکز جهانی بهائی بنابر اراده معهد اعلیٰ بیانیه ای در باره حضرت بهاءالله تهیه نموده است که با کمال خوشوقتی نسخه ای از آن به ضمیمه ارسال میگردد.

عنوان این بیانیه "حضرت بهاءالله" است و برای این که بین عموم بنحوی وسیع منتشر شود تهیه شده است اما چنانچه ملاحظه میشود بیانیه مزبور برای مطالعه و به عنوان منبعی الهام بخش برای یاران نیز حائز ارزش فراوان است. محافل روحانی ملی مجازند این بیانیه را ترجمه و بصورتی متین اما با قیمتی متعادل چاپ کنند تا تهیه نسخ آن برای عموم یاران مقدور باشد. ممکن است تعدادی از محافل روحانی ملی و یا مؤسّسات مطبوعات امری در تهیه و چاپ این بیانیه همکاری نمایند و هریک از جوامع شرکت کننده در این همکاری تعداد مورد لزوم خود را تأمین نماید. همچنین ممکن است چاپ مخصوصی از این بیانیه را برای ارائه به اولیای امور و شخصیت های برجسته در کشور خود تهیه نمایند. اداره اطلاعات عمومی در مرکز جهانی بهائی نیز چاپ مخصوصی از این بیانیه را به زبان انگلیسی برای مواردی محدود تهیه خواهد کرد. محافل ملیه ممکن است چاپ مزبور را برای مقاصدی که در برنامه خود دارند مناسب تشخیص دهنند. بعلاوه در طول سال مقدس ممکن است قسمتها و مطالبی از این بیانیه را برای معرفی امر اقتباس و اتخاذ نمایند. تشخیص بهترین نحوه استفاده از متن و مفاد این بیانیه کلّاً به محافل روحانی ملی تفویض میگردد. صرفنظر از برنامه ای که محافل ملی طرح نمینمایند بیت العدل اعظم انتظار دارند که این بیانیه چنان چاپ و منتشر شود که بکیفیتی بی سابقه توزیع و مورد استفاده یاران در همه نقاط جهان قرار گیرد. یقین است که محافل

تبیلخ

(از جناب ح تایید)

سبت است و باید بشاعر مذهبی روز قیام نماید.

حال چنانچه پسر انسان میتوانست نفسی بظاهر ساده و ناتوان را بمنثات روح القدس چنان تائید نمایدو قدرت و توانائی بخشند که از لسان قدم به بیان (جریعن فمه اسرار الحکمة والبيان) مفتخر گردد معلوم است پدر آسمانی یعنی وجود مقدس حضرت بهاء الله مقندر است که اضعف ناس را در بین بندهان خود برای تنقیذ مقصد متعالی خویش مبعوث و بامر عظیمه ای موفق فرماید که اجل و اشرف توفیقات سابقین حتی خدمات اول و اقدم حواری حضرت روح در مقابل آن کوچک و حقیر شمرده شود.

حضرت اعلی روحی له الفدا میفرماید: "لو ارادت فملة ان تفسر القرآن من ذكر باطنها و باطن باطنها لتقدر لأن السر الصمدانيه قد تجلج في حقيقة الكائنات..."

حضرت ولی عزیز امرالله میفرمایند.

فی الحیقه میدان خدمت چنان وسیع و ایام بدرجه ای خطیر و امرالله پشانی عظیم و خدام آستان به پایه ای قلیل و فرصت بحدی کوتاه و قصیر و افتخارات به میزانی جلیل و پر بها است که احدی از پیروان حضرت بهاء الله که خود را قابل انتساب باستان مقدس الهی شمارد لحظه ای تأمل و تردید بخود راه نهد و دقیقه‌ای در انجام وظائف روحانیه خویش توقف ننماید... (صفحه ۹۵ الی ۹۸ ظهور عدل الهی)

يا ملاء الـهـاء بـلـغـوا اـمـرـالـهـ لـأـنـ اللهـ كـتـبـ بـكـلـ نفسـ تـبـلـيـغـ اـمـرـهـ وـ جـعـلـهـ اـفـضـلـ الـاعـمـالـ

چنانچه در صف مؤمنین و پیروان امرالله فردی واجد درجات و مراتب مخصوصه و یا حائز شئون و مقامات مشخصه باشد نفس این مقام و موقعیت بلا تردید مسئولیتی متوجه خود مذکور میسازد که نمی تواند حقاً نسبت بانجام فریضه روحانیه خویش یعنی قیام با مریم تبلیغ و نشر نفحات ربانیه کوتاهی نماید...

چه بسا مشاهده شده و شواهد بسیار جلی و نمایان در صفحات تاریخ این شرع اعظم موجود که در صدر امر در سرزمینی که مُنبت سدره مبارکه و مصدر و مطلع این نور اتم اکرم بوده نفوسي از اصحاب اوليه که بظاهر در نهايٰت فقر و مسکنت مشهود، مدرسه نديده تجربه نيا موقته و صاحب هيج گونه امتياز و مقام مخصوص نبوده بلکه در بعضى موارد فاقد هوش و استعداد سرشار و عاري از نبوغ و فطانت ممتاز شمرده ميشدند در ميدان خدمت بفتحات عظيمه اى نائل گردیده که موفقیتهاي اعقل و افضل عناصر جامعه در مقابل جلوه و ضياء آن بي نور و فروغ مشاهده ميشد است

حضرت عبدالبهاء روح الوجود لرمسه الاطهر فدا میفرماید: پطرس طبق تاریخ کلیسا از علوم و فضائل ظاهره بی بهره و نصیب بود بدرجه ای که حساب ایام هفتة را نمی توانست نکاه داشت و چون اوقات را بصید ماهی میکذرانید خوراک هفتگی خویش را در هفت بسته تهیه مینمود و هر روز یکی از آنها را تناول میکرد تا به بسته هفتم میرسید آنکاه متوجه میشد آن یوم یوم

THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE
BAHÁ'Í WORLD CENTRE

۱۴۷ شهر العدَّا

Department of the Secretariat

۱۹۹۱ مارچ

میئت مجله تحریریه مجله عنديب

دامت تائیداتها

در ضمن اوراق و مدارک موجود در دائرهٔ محفظهٔ آثار امری در این شطر رسالهٔ استدلاییه‌ای وجود دارد که پوسیلهٔ چناب آقا میرزا محمود کاشانی تهیهٔ و نگارش یافته است. چون اطلاع احبابی الهی از مندرجات این استدلاییه مفید است حسب‌الامر معهد اعلیٰ شرحی در معرفی اجمالی آن مرقوم گشته که به شمیمه ارسال می‌گردد. آن هیئت مجله در صورتی که مقتضی پداشتند شرح مذبور را در یکی از شماره‌های مجلهٔ عنديب طبع خواهند فرمود.

با تقدیم تحيّات
از طرف دارالافتاء بیت‌العدل اعظم

ترکیب

رساله استدلایه آقا میرزا محمود کاشانی

آقا میرزا محمود کاشانی از احبابی مهاجرین است که در بغداد به حضور جمال قدم رسید و از آن به بعد همواره در التزام حضور بود و بالآخره در سال ۱۳۳۰ هـ در ارض اقدس صعود نمود. حضرت عبدالبهاء فصلی از کتاب تذكرة‌الوفا را بذکر ایشان و آقا محمد رضا شیرازی مشترکاً مخصوص فرموده و در آن خلوص، وفا، فدکاری و خدمتگزاری مشار اليه را مورد عنایت فراوان قرار داده‌اند. از آنجا که به بیان صريح هیکل اطهر مشار اليه مدت ۵۵ سال بخدمت مألف بوده و از بدایت بلوغ باین فیض نائل شده‌لهذا به ظن بسیار قوی در اواسط دوره بغداد (۱۲۷۵ قمری) بجمع خادمان آستان پیوسته و محتملاً در آن اوقات در ابتدای نوجوانی بوده است.

از جناب آقا میرزا محمود کاشانی رساله استدلایمای بجا مانده که شاید تنها اثر ایشان باشد زیرا در متون تاریخ امر ذکری از خدمات و فعالیتهای ادبی و فرهنگی مشار الیه تا کنون به نظر نرسیده است. متن آن نیز که دارای پاره‌ای اشتباهات املائی و نارسانیهای انشائی است نشان میدهد که تحصیلات و مطالعات مرتبی نداشته اما الفاظ و کلمات حاکی از آنست که مشار الیه با الواح و آیات الهی مأнос و در ظل رب الآیات البینات همنشین دوستان صاحب کمال بوده و نظر باستعداد ذاتی و شوق معنوی از آن خرمن معرفت سهمی شایسته برداشته است.

این رساله در سال ۱۳۱۴ هـ ق. نوشته شده چه در اواسط آن مذکور است که "از سن سنتین الی حین پنجاه و چهار سنه میگذرد". محتملأ در ایام تحریر استدلایه سن جناب میرزا محمود از پنجاه متجاوز بوده و با گذشت عمر و احساس تالم و تأثیری که از صعود نیز آفاق جمال قدم عموماً احبابی اسم اعظم را دلشکسته و آزرده میساخت باجرای امر مبارک در مورد تنظیم وصیت مذکور شده است چه که این رساله را چنین معرفی مینماید:

"جَمِيعُ مَنْ فِي الْأَدِيَانِ مُقْرَّبٌ إِلَى كَلْمَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ تَوْحِيدُ ذَاتِ مَقْدَسٍ غَيْبٍ بُودَهُ وَ هُسْنَتِهِ وَ دَرِ اثْبَاتٍ أَنَّ هُرْ نَفْسِي رَا بَقْدَرَ كَأْسَ مُوَدَّعَةِ خُودَ كَهُ از ابْحَرَ بِيَانِ حَضْرَتِ رَحْمَنِ اَخْذَ نَمُودَهُ الْبَتَّهُ بَيْنَهُ وَ دَلِيلِي اَسْتَ. اَيْنَ فَانِي نِيزَ لَازِمَةِ شَهَادَتِ وَ اَسْتَدَلَلَيَهُ اَيْنَ كِتَابَ وَصِيَّتَ خُودَ دَانَسَتَهُ كَهُ عَلَى قَدْرِ وَسْعٍ وَ مَسْكِنَتَ خُودَ بِرَهَانِ لَاتِحَى اِتِيَانَ نَمَاءِيَدَ... نَسْئَلَهُ الْابْهَى اَنْ يَلْهَمَنِي مَا اَرَادَهُ اَرَادَتَهُ وَ مَا يَكُونُ سَرْجَ مَرْضَاتَهُ وَ اَنَّهُ لَهُ الْمَوْيِدُ الْمَلِهَمُ الْقَدِيرُ".

سراسر این رساله در اثبات و اقرار بعظمت ظهور جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاست و چون آن ایام مصادف با شروع مخالفت و نقض میثاق است اشارات و نکات متعددی راجع به عنایات مخصوصه حضرت بهاءالله به حضرت عبدالبهاء را نیز متضمن است. نخست با عرفان ذات الهی آغاز میکند و در این باب تبیانی دلکش دارد که "...آنچه این فانی لا یذکر عقیده و ایقان نموده آنکه ایقانی و دلیلی اوضح و اصرح از ظهور مظاهر امر بر اثبات توحید الوهیت ذات منع غیب نبوده و نخواهد بود که هرگز که بشرف فیض یوم ظهور فائز و درک فضل جمال یکی از نیز سما و وصال نموده و بانوار شمس لقا فائز گشت که وجوده اثباته بوده شهادت میدهد بالذی دل علی ذاته بذاته و از ظهور یکانگی و فردانیت او بر وحدانیت هویه محضه سره... و هر نفسی که در اوقات غیب و خفای هریک از مشارق وحی و مطالع امر بوده از آثار آن شمس حقیقت اگر ببصر دقیق و قلب طاهر فارغ رقیق و عین منوره و دیده ناظره منصفه ملاحظه نماید که دلیله آیاته بوده بتمام وجود شهادت میدهد از آن بر یکتائی و وحدانیت کینونیة غیب بحثه و انتیه المجردیة السرّه... چنانچه در ظهور اعظم عبادی که فائز شدند به بصر شهود در یوم ظهور در نفس مبارک او دیدند آنچه خارج از حیز امکان و قوه من فی الاکوان بود که حق جل ابهی یک نفس واحد مقابل من علی الارض قیام فرمود و بشخص واحد چنان بر امر الله استقامت نمود که فوق طاقت من فی الوجود بود چه مخالف آراء و افکار و اوهام کل الموجود و منافی و ضد تصورات مخیله من فی عوالم الشهود آن طلعت مقصود و معهود ظهور فرمود و بقوه قاهره و قدرت غالبه قادره نافذه کور بدیع جدیدی ایجاد نمود و اغلال رفت

در آن مرتفع فرمود و ... مدار این دوره بظهور شمس وحدانیت او دائز گشت و تشبات و تمسکات مفیده و مدارک و مفاهیم و استنباطات علمیه و حکمیه و صنایع و فنون اعمالیه و مسلک و منهج و قوانین شرائع خیریه و تبری و اجتنابات از ارتکابات اعمال مضره فاسدہ دنیه بقیام آن طلعة احدیه سلطان ابهیه ظهور و بروز یافت و بتعلیمات و تربیات و مواعظ و نصیحت که از کلمات و اقوال و سجايا و اعمال و اخلاق و افعال آن یکتا جمال قدیمه ابهی ظاهر گشت عالمی بدیع و تازه و خلقی جدید بیاندازه پدیدار و مبعوث گردید که اطوارشان مادون غیرشان و اخلاقشان خلاف دونشان و نوایا و آمالشان جز مرام و امانی امثالشان و اعمالشان خارج از حیز قوه و طاقت سوایشان و اقرانشان و افعالشان بالتبه باشیاه و اسلافشان چون نجوم درخشان و کردارشان مثل کواكب رخشان که بظهور کلمات ناطقه کتاب احدیه آن مطلع غبییه که از یعنین قدرت بقلم امریه آفتاب جمال واحدیه مشیة نافذه او اشراق و طلوع نمود ایقان و اقرار و اذعان بهانیت و هویت غیب واحدیت بحث و فردانیت ذات کینونت بات در افتد و کینونات تحقق و ثبوت یافت و باین برهان که اول بینه و اعظم دلیل است شهدت و اشهد بلسانی و ذاتی و کینونتی و کلما بی و فی و علی و ملکوتی و جبروتی و مافوقها بانه لا اله الا هو الواحد الاحد الصمد الفرد المقتدر المقدس المتعن البهی الابهی..."

سپس در تلو صفحات متعدده از بشارات و اشارات بیان و دیگر کتب قبل مذکور داشته و در موردی چنین مرقوم نموده: "...جمعیع این طلعتات مقدسه بشارت یوم لقاء حضرت موعد را در جمیع آیات و آثار مذکور و مسطور داشتند و چه بسا تنبیهات فرمودند... و کل ظهور مبارک را ظهور اعظم ذکر نموده بودند تلویحاً و تصریحاً چنانچه من جمله حضرت کلیم حق را مکلم و حضرت روح اب و حضرت رسول رب و نقطه اولی روح ما سواه فداء بهاء الله و من يظهره الله مناجی بوده و یاد میفرمودند و در اغلب مواقع چنانچه ذکر شد اسم اعظم را رأس اسماء و مقدم على الكل ستایش فرمودند... اگرچه هر یک از مشارق امر در مقامی بجهت قواعد ظاهره باید مبشر یوم بعد خود باشد و اخذ عهد ظهور بعد را از آن کور نماید ولکن چون منظر و مقصد کل و سدره منتهی و غایة قصوای جميع یوم اعظم بوده اینست که سفراء الله طراً از قبل و قبل قبل بنصوص مصرحه واضحه در جمیع کتب و صحف عهد عتیق و جدید بشارت ظهور اعظم را در یوم الله و اب و رب و لقاء الله را در ایام الله حتی باسم مبارک بها جل ذکره تصریحاً ذکر و ثبت نموده‌اند..."

این رساله از تحقیقات بدیعه‌ای که در عرف فضای امر معمول و متداول بوده و عموماً از آثار مبارکه مایه گرفته خالی نیست، از جمله در متن زیر با توجه بمراتب خلق انسان مینویسد: "... بدیع اول مقام نطفه وجود بوده و نوع علقة و حضرت کلیم مضغه و روح عظام و حضرت رسالت مقام لحم و تکمیل هیکل محمود بود که مخاطب بآیه فتبارک الله احسن الخالقین گردید. و روح همان خلعت موهبت و کرامت الهی در نفس خطاب همین آیه مبارکه بود در شان آن طلعت مسعود چه که روح مقدس است از نزول و صعود و قرار و سکون و دخول و خروج و این شئون شان محسوساتست و مرئیات پس و اخرجناه طفلاً در رتبه ظهور حضرت اعلی است که اکوار رسالت و نبوت بقبل او منتهی گشته و دوره ریوبیت ظهور و بروز فرمود چنانچه در لوح لیله

مولود آنجمال مشهود بقلم الله الابهی نازل شده است لوحی که در اول آن میفرمایند قوله الالذ
الاعلى الابهی هذه ليلة فيها ولد حقيقة الرحمن، پس ظهور اعظم ارواح الام و من في العالم له
الفدا بلوغ و كمال و رشد و جمال و شکوه و سلطنت و اجلال و ذوق و شوق و انجذاب هوية
و محبوبيت حضرت رب متعال است في جماله الابهی چنانچه براهین و آثار و آياتش ملئت شرق
الارض و غربها و دليله آياته و وجوده اثباته..."

مورد دیگری که از دقت و نکته سنجی مشار اليه حکایت می‌کند شرح زیر است:
"...در ارض سر جناب آقا شیخ سلمان علیه بهاء الله در اوقات کسر صنم بزرگ از جانب احیاء
ایران از ساحت اقدس سوال از معنی این شعر ملای رومی نموده قوله
چونکه بیرنگی اسیر رنگ شد *** موسئی با موسئی در جنگ شد

و لوحی مبین(۱) بلسان پارسی از سماء فضل و انعام قدس مفصل در جواب نازل شده بالجمله تا
اینکه از ساحت عز ابھی این کلمات علیا در آن لوح مقدس صدور یافته عز بیانه و نص عباراته
الامنع القدس در ذهن نیست ولی مضمون بیان اینست و اگر لوح مبارک را ملاحظه نمایند
صدق می‌یابند بمضمونه الاحلى و اینکه مظاهر نفی همیشه بر مطالع امر سبقت داشته‌اند نظر
با آن بوده است که در کلمه لا الله الا الله حرف نفی مقدم بر حرف اثبات بوده ولکن در این
کور اعظم حرف نفی را از اول اثبات برداشتیم و حکمش از بعد نازل خواهد گشت و این عبد
فانی محمود مهاجر فی سبیل الله از آن یوم ببعد لم یزل مترصد ظهور این حکم بودم لان
لایخلف الله المیعاد تا اینکه صعود واقع گشت و یقین داشتم این حکم در الواح مسطور است و
مستور تا یوم التسع که یوم اصفاء کتاب عهد بود و روز فیروز اخذ میثاق در اول چند نفس را
بخدمت احضار فرمودند و فرمایش نمودند اگرچه حالت نیست و از آنجا که جمال مبارک
تعجیل در تلاوت این کتاب عهد فرموده‌اند و تأکیداً امر فرمودند لذا امروز نه روز است که از
صعود مبارک گذشته نظر با آنکه مبادا تأخیر سبب فتور شود لهذا تلاوت میشود در آنها بحضور
استماع گشت و بعد عصر که جمیع در روضه مبارکه حاضر شدیم لدی الباب تلقائے تربیته
القدس الابهی تلاوت شد و جمیع از اعلی و ادنی اصفاء نمودند این عهد محکم را این عبد
در نفس خود در آنوقت شهادت دادم که این همان وعد و حکمی است که در کتاب سلمان
بیان فرموده بودند که حرف نفی را از اول اثبات برداشتیم و حکمش از بعد نازل خواهد
گشت الحمد لله امر ظاهر و حکم محکم در کتاب عهد نازل شد و ثابت گشت..."

اگرچه بیانات و کلمات صادره از لسان حق که به طائفین حول خطاب میفرموده‌اند از جمله
آثار شفاهیه محسوب است ولی موارد متعددی از آن در این رساله موجود که عموماً حاوی
مطلوب آموزنده است از جمله در موردی حضرت بهاء الله فرمودند: "تصور نکنید که شیطان وهم
است هر کس اغوا نماید نفسی را و از امر و نهی حق و ادارد او را او نفس شیطان است و
رانده درگاه حضرت سبحان".

نکات و ظرائف وقایع تاریخی و اشارات و بیانات صادره از قلم جمال اقدس ابھی که در این
رساله نقل شده متضمن مطالب دقیق و عمیق است مخصوصاً اشاراتی که راجع به مقام حضرت

عبدالبهاء غصن اعظم مذکور شده و جا دارد که مستقلأً تدوین شود.

ذیلاً یکی از موارد مهمه از مسائل تاریخی نقل میگردد:

"...تا آنکه بعلیه اسلامبول وارد شدند و چهار شهر در آن مدینه کبیره جلوس جمال اسم اعظم واقع شد که ابداً اعتنا به کبکبه و بدبدۀ دولتی نفرمودند و بازچه لوازم رسمی بود عمل نفرمودند که با دیدن مقام سلطنت و مستند مشیخت اسلام که در رتبه دیانت است تشریف نبردند مگر هر گروه از علماء و فضلاء و ارکان که بشرف حضور فائز میشدند ملاقات میفرمودند چنانچه در دیوان اول کل بخدمت حضرت غصن اعظم مشرف میشدند و مصاحبین مینمودند و بمذاکره از معارف و علوم و حکمت میپرداختند پس از آن در حرم اخبار و معروض میداشتند، با شوکت ریانی و سلطنت مهیمنه حضرت رحمانی از حرم بیرون تشریف فرما میگشتند و ساعتی او ازید پذیرایی و یا با جوبه مسائل مهمه دینی میپرداختند. بالآخره بعد از چهار ماه از وسوسه سفیر ایرانی و سعی و کوشش دولتی و دلخوری از بی اعتنائی، حکم سلطانی بنفی و صرگونی به ادرنه صدور یافت. جمال قدم روحی لامرہ الاعظم فدا معاينه حکم را رفض فرمودند و صریحاً فرمودند نمی رویم و با این فته قلیله با کل میزینیم و بمقصد اصلی که شهادتست فائز میشویم و اینکه در بغداد حیناً اجابت فرمودند یکی آنکه با آداب معقولیت اظهار داشتند و بنام مسافرت دولت ذکر نمودند و دیگر آنکه حکمت آنرا مکرر جمال قدم بیان فرمودند و ذکر داشتند که اگر در دارالسلام قیام به مقاومت مینمودیم وهن امرالله بود چه که در اذهان چنان تحقق یافته و ذهنی شده بود که البته هشتاد هزار بابی موجود است و چون وقت میدان میشد قلیلی مشهود میکشت ولکن در اینجا جمیع میدانند که با چند انفس قلیلی بمهمانی آمده نیم و بناحق بر ما قیام نموده اند و بمعظومیت شهید میشویم در بغداد که مقدّر نشده بود چنانچه دون ذلك آنچه خلق کوشیدند و علماء بالاجماع باسم جهاد از نجف و کربلا بقصد ما خروج نمودند با قیام دولت و ملت و تحريك حکومت و نویدها و بخشش بافراد و نوازشهای ایلچی و وعدهای او به اشخاص مخصوصه که شاید یک دفعه بر حزب الله بتازند و بکلی این امر را مض محل نمایند حکمت الهی چه بود که موفق نشديم و حال اين موقع از برای شهادت بهترین مواقعست و قطب عالمست و آوازه مظلومیت و نداء شهادت فی سبيل سلطان احديه عنقریب باطراف و اکناف عالم منتشر میگردد و در قیام بر شهادت که اراده مبارک بود حضرت من اراده الله و کل احباء الله مترصد شهادت بودیم و جمیع مستعد مگر آنکه یحیی تمرد نمود و سید محمد و حاجی میرزا احمد را کمال اضطراب و پریشانی روی نمود و بتام العاج و رجاء حتی خود یحیی بگریه و زاری درآمد مع آنکه باو فرمودند اگر از نساء و اطفال خائفی آنها را بخانه یکی از سفراء میفرستیم بالآخره راضی نشدن و دست برنداشتند و تمرد نمودند و این فیض را مانع شدند و جمال مبارک ملاحظه فرمودند اختلاف ظاهر میشود و در بین این نفوس قلیله هم مغایرت مشهود میگردد نپسندیدند لذا این امر فیض کریم و فوز عظیم بدا شد دیگر در هنگام حرکت از ارض سر مقام منفا را نمیگفتند و در افواه مذکور بود که جمیع را بدريا میریزند تا ورود اسکله گلی بلی (کالیبولی) و مدت توقف در آنجا بالمره معلوم نبود که مقصود چیست و چه جا چنان یقین بودند به دریا خواهند ریخت که منجمله در آنجا اهل و عیال ما البسه را شست و شوی نمودند و الى الان هم میگویند که بجهت آن شستیم که چون به بحر میاندازند لباس کفن شماها است پاک بوده باشد..."

تدوین این رساله چنانچه اشاره شد مصادف با القاتات سوء ناقضین بوده است و جناب میرزا محمود که بعنوان وصیت اقرار و شهادت بر ایمان این رساله را آغاز کرده خود را موظف میدانسته که باطاعت به عهد و پیمان نیز اعتراف کند و لذا در مقابل اظهارات اهل نقض در باره کلمه "توجّهوا الى من اراده الله" (۲) استدلال زیبائی کرده که قسمتی از آن در زیر آمده است:

"...قوله الشَّاهِدُ الدَّلِيلُ بِقَلْمَنَ اللَّهِ رَبِّنَا الْبَهَاءِ جَلَّ ذِكْرَهُ الْجَمِيلُ وَلَوْ يَخْرُجُ مِنْ فَمِ ارَادْتُكَ مُخَاطِبًا إِيَّاهُمْ يَا قَوْمًا صَوْمُوا حَبًّا لِجَمَالِي وَ لَا تَعْلَمُهُ بِالْمِيقَاتِ وَ الْحَدُودُ فَوْ عَزْتُكَ هُمْ يَصْوُمُونَ وَ لَا يَأْكُلُونَ إِلَى أَنْ يَمْوتُوا لَا نَهُمْ ذَاقُوا حَلاوةَ نَدَائِكَ (۳)، حال اگر فی حين انا اليه راجعون در ساحت عزّ حضور و ملکوت ابهی منظور نظر اقدس شدیم و موانّد و مستول آمدیم که چرا در امر توجّه تجاوز از حدش نمودید جز این عرض نخواهد شد که حدّی تعیین نفرموده و شرطی بیان نشده و توجّه بدون حقّ را منع بودیم و امر مبارک را بروح و روان و اطمینان بکمال قوه و سعی مطیع و منقاد بودیم بقسمی که جذب و حلاوة امر و نداء چنان پرواز و عروج داد که جبریل و برّاق عقول و خیال باز ماند و سماوات علی بمقاييس استدلال بر وجه گشود و ملکوت بر زمین استقبال نمود کشف سبحات جلال کشت و فوز بجمال دست داد اذا وجهنا بوجهك بامرک في لقاء الذي فطر السموات والارض حنيفا متوجها و مانحن من المشركين (۴) و آیه این مناجات که قسم ياد فرموده‌اند که اگر معلق و محدود نفرمائي صوم را هر آينه از لذت کلمه مبارکه انتهائی از برای صوم ایشان نمیشود تا آنکه هلاک شوند تلاوة و عرض مینمائیم و نوقن بان منادی العماء از غیب هوية البهی الابهی باین کلمات مبارکات ندا خواهد فرمود طوبی ثم طوبی لعین قرّت بجماله و لسمع تشرفت باصفاء ندانه و لقلب ذات حلاوة حبه و لصدر رحب بذکره (۵) تازیانه بر زدی اسیم بجست *** گنبدی کرد وز گردون بر گذشت آفرین بر دست و بربازوت باد *** محرم ناسوت تو لاهوت باد من ز سدره منتها بگذشتهم *** صد هزاران ساله زانسوگشتدم..." (۶)

بالآخره در موردی دیگر در توجیه بیان مبارک نازل در کتاب عهدکه میفرمایند: "انظروا ما انزلناه فی کتابی القدس اذا غیض بحر الوصال و قضی کتاب المبدء فی المآل توجّهوا الى من اراده الله الذي انشعب من هذا الاصل القديم مقصود از این آیه مبارکه غصن اعظم بوده كذلك اظهرنا الامر فضلاً من عندنا و انا الفضال الکریم" چنین مرقوم داشته است: "...پس اراده الهیه و عالم امره جز این مرکز منصوص نبوده و نیست و ظهور این امر مقرر نکشته مگر از فضل اعظم لاجل اتحاد و نظم عالم..."

این رساله از جهت مسائل تاریخی نیز حائز اهمیت است و ذکر بعضی شهدائی امر بعد از صعود جمال مبارک تا هنکام تحریر رساله در آن مذکور شده و تعداد آنها را تا آن موقع که تقریباً پنج سال بعد از صعود است ۱۶ نفر مذکور داشته‌اند.

این رساله حاوی ۱۴۲ صفحه و هر صفحه متضمن ۱۵ سطر و هر سطر تقریباً ۱۲ تا ۱۴ کلمه و بخط نستعلیق شکسته است.

۱. مجموعه مبارکه الواح چاپ مصر - لوح مبارک سلمان - ص ۱۳۰
۲. کتاب عهدی - ادعیه حضرت محبوب - ص ۴۱۷
۳. دعای افطار - تسبیح و تهلیل - چاپ طهران - ۱۲۹ بدیع - ص ۶۵
۴. مأخذ از آیه مبارکه قرآنی سوره الانعام، آیه ۷۹
۵. لوح ارض با - ادعیه حضرت محبوب - ص ۱۰۸
۶. سه بیت شعر از دفتر دوم مثنوی معنوی است.

اشارات حضوری جمال‌الدین امیر محمد کاشانی

درباره حضرت غصن عظیم

نقل از رساله استبدالیه آقا میرزا محمود کاشانی

۱. ... در چند موقع از افق فم مطهر و مشرق لسان مقدس منور طلوع فرمود که کل خلقند مگر آقا و این فرمایش را اکثری شنیده و گواهند من جمله ذاکرین سامعین یکی جناب استاد عبدالکریم مجاورست که مکرر در ایام مبارک ذکر نینمود که در باغ رضوان استماع و در بستان اصغاء نموده بود و همچنین یکی از سامعین آقا محمد رضای کاشی بوده که اگر حال نظر بغرض و مرض کتمان نماید مستمعین از لسان او موجودند که بشارت این کلمه مبارکه را که وقتی ذکر فرموده بودند کل خلقند مگر آقا به موصل برده بود و منجمله شهود روایت او یکی جناب آقا سید مهدی اسم الله علیه بهاء الله است دیگر آنکه اسم آقا علم بود از برای ایشان چنان که سرالله و غصن اعظم همیشه علم بود از برای این هیکل مکرم و این فانی محمود مهاجر وقتی در بغداد در موقعی که موسوم به وشاش بود و مقام تفرجگاه جمال مبارک که گاهی سراپرده عظمت و فسطاط رفت مرتفع میگشت و نزول اجلال میفرمودند استماع نمودم چون در ذکر اسم آقایان بدون نام شخصهم معروض افتاد بصلوته الله فرمودند آقا کیست آقای مطلق یکی است و آن آقاست و بس و در سجن اعظم مجدد نیز همین بیانرا بعینه در باغ فرموده بودند که یکی از اصحابکنده‌گان جناب حاجی علی یزدی بود ۶۶۹ که مکرر ذکر نینمودند که اسم اغصان و غصن اکبر در حضور بنام آقا مذکور آمده بود فرموده بودند آقای مطلق یکی است و آن غصن اعظمست و سایرین با اسمهم باید ذکر شوند مثلاً آقا میرزا محمد علی و دیگر آنها را یک یک نام فرموده بودند...

۲. ... بکرات تلقاء عرش حاضر و مکرر بشرف حضور فائز بودیم که این طلعت اظهر انور کما قال الله من قبل عبدی الذي سرت به نفسی چون حضور داشتند چنان از مشاهده لقایشان فرح و بهجهت و مسرت در وجنه مبارک ظاهر میگشت که لن اقدر ان اصفهان او اذکرها و مکرر در تمجید ذکر اسم مقدسشان بقسمی آثار ابتهاج و انبساط از طلعت اقدس امنع ابهی ظهور و بروز نینمود که قلم از وصفش عاجز و فاقر است و دون ذلك ملئت الواح الله من اشاراتها و منها

این عبارت اخر لوح بیروت در شان حب و اشتیاق بلقاء این طلعت محبوب کافیست قوله جل جبه الابهی " نسئل اللہ بان یشرفنا بلقانه قریباً انه هو السامع المجیب " و در تصدیق زحمات و خدمات این طلعت مظلوم بارها شفاها میفرمودند ما براحت در اینجا جالسیم و غصنه اعظم بزحمات و مشقات مشغولند ...

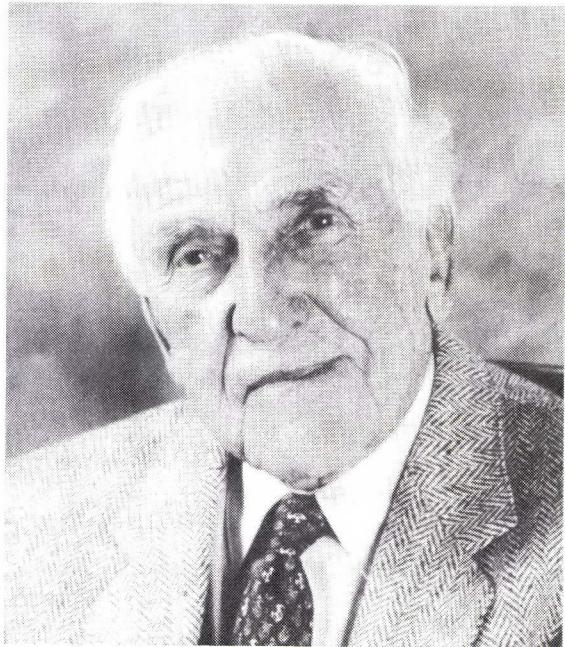
۲.... حق جل ابھی از ورود به دارالسلام الى اول سجن اعظم بنفسه حمل این ثقل اعظم معاشرت را میفرمودند که طلعت من اراده اللہ از آن یوم قیام در زورآء که اول شباب ایشان بود کما هو هو فی سجایاء اللہ تابعاً نعل بالتعل وحده حق را ناصر و معین بودند تا اینکه از اول ورود سجن فی مقام اللہ و ظهوره حامل اماتت معاشرت بامره الاعظم گردیدند که مخصوص نیز شفاها اغلبی از طائفین شنیده و اصغا نموده‌اند و من جمله سامعین یکی جناب استاد عبدالکریم مجاور است ۹۴ ۶۶ که مکرر قبل هم ذکر مینمود که روزی فرمودند روح ما دونه لبيانه العلیم فدا در ورود سجن وقتی ملاحظه نمودیم بقدر دویست سیصد نفر احبا در سجن اعظم و حولها در تحت سیوف اعدا واقعنده کفتیم این سیوف را سپری لازم است این بود که غصنه اعظم را امر بمعاشرت نمودیم لحن اللہ معلومست و گواه بر صدق و شهادت میدهد کلمه الحق باینکه این معاشرتها جز مورد سهوم و سیوف اعدا دیگر چیزی نبوده است ...

۴... در ایام اللہ بظاهر ظاهیر طائفین حول بسمهم شنیده‌اند آنچه نص صریح در این باب بوده من جمله از سامعین قوله الحق یکی جناب آقا میرزا عبدالله مجاور علیه بهاء اللہ است که یکروز ذکر نموده که روزی تلقاء عرش حاضر و فائز بودم در اوقاتی که پاشای کرد خبیث قیام بر عناد و بغضاء و ایذاء بر حضرت من اراده اللہ نموده و بر فساد و فتنه کمر بسته بود و بنهایت میکوشید و میجوشید و میخوشید و مضبوطه ها بر اسناد و اعتراض و افتراء بسرکار آقا ارواح الكل فداء بباب عالی میفرستاد و هیچ وسیله نی نبود مگر آنکه متثبت شد و هیچ دسیسه نی نماند مگر آنکه بکار برد حتی عموم اهالی را بر شورش تحریک و وسوسه نمود دولت و ملت را مضطرب کرد و متفق بر اذیت ساخت، جمال قدم ارواح من فی العالم له الفدا در ذکر افعال آن خبیث بیان میفرمودند من جمله فرمودند و قوله الحق اگر کسی چیزی بر من وارد بیاورد شاید خدا او را نگیرد و اخذ نماید ولکن هرکس بر غصنه اعظم قیام کند و او را اذیت نماید ممکن نیست که خدا او را واکذارد و اخذ نفرماید این بود که چیزی نگذشت که بعثتاً معزول و مخدول و منکوب گشت بقسمی که بکلی از خدمت دولتی منفک شد و متروک و خانه نشین گشت ...

۵... فرمایش جمال مبارک بود که هرکس بر طلعت حضرت غصنه اعظم قیام نماید البته خدا او را میگیرد و بسیار از این قبیل از داخل و خارج دیده شده است چه که مقام ایشان مقام امر مبارک است و حق امرش را بیش از هیکل عرش حفظ فرموده و میفرماید و این بیان را بانواع طرزها فرموده‌اند و بسیاری از طائفین حول عرش شنیده‌اند که هرگاه بر نفس من هرکس آنچه وارد آورد از او میگذرد ولکن اگر بر امر اللہ ضری برساند هرگز از او نخواهم گذشت و همچنین باز فرموده‌اند هرکس بر نفس من قیام نماید او را وایگذارم ولکن اگر بر امر اللہ قیام نماید البته خدا او را وانمی گذارد و لابد است که هوا و ارض و کل اشیاء بر اخذ او قیام مینمایند از این قبیل بیانات مُصرّحه متوجه مکرر فرموده‌اند که کل اصغا کرده و موقنند ...

ترجمہ پیام محمد اعلیٰ مولخ ۱۹ جون ۱۹۹۱ در مرد صعود ایادی عزیز امر لہ جان ریبارتس

یاران عزیز الہی



اعتاب مقدسه جہت ارتقاء درجات آن روح تابناک دعا میکنیم۔ توصیه میشود محافل تذکر شایسته ای در تجلیل ایشان در جمیع نقاط مخصوصاً در مشارق اذکار منعقد گردد.

بیت العدل اعظم

با قلوبی متاثر و محزون صعود ایادی بسیار محبوب امرالله جناب جان ریبارتس مردوج ثابت قدم و فارس امر حضرت بھاءالله را اعلام میداریم۔ مجہودات ممتازہ آن متصاعد الی الله در ایام حیات حضرت ولی عزیز امرالله و بعد از آن در میادین بینالمللی خدمات اداری امری و تبلیغ و مهاجرت در کانادا موطن اصلی و در آفریقا و اروپا طی اسفار بینالمللی مورث و موجب تشویق و ترغیب وافر بسیاری از یاران در اطراف واکناف جهان گردیده است۔ اعتماد، توجہ و تأکیدی که در جمیع اقدامات امری به توسل به دعا و مناجات میفرمود و خدمات مستمرش در سبیل عشق جمال اقدس ابھی که همواره توأم با روحیہ ایمان و ایقان و تواضع و شور و شوقی مخصوص بود شایسته مقام حفظ و صیانتی است که صفحات تاریخ امر را آراسته است۔ آن نفس نفیس بیقین به اجر جزیل در ملکوت ابھی متباهی و فائز است۔ در



عکس مراسم تشییع و تکریم متصاعد الی الله ایادی عزیز امر لہ جان ریبارتس علیہ رحمان رحمہ در مونترال

شعر انجیاب میرزا محمد نزفانی علی هنرخوار

مأخذ دارالافتخار، جدید محمد اعلی

هو الله

ای بسابر درت از ببر فااه آمده ایم
سوی بابت بوصد باله و آه آمده ایم
در پی عضو تو باحال تبااه آمده ایم
بابین در پی حکمت وجاه آمده ایم
از بدحادث اینجی به پشااه آمده ایم

کمتر از ذره بدم ارچه در آفاق قدم
رشک مهرم چو سوی تونهادم قدم
آری از فیض تو هر قظره شوغ طبیم
رها و نسل عشیم وزسرحت عدم

نمایاق لیم وجود اینهم راه آمده ایم
همه جاروی یوسفیم ز هر دیر کنیشت
دیده بردا شهه از غیر تو په خوب په زشت
دل ماجلی بخر مهر تو از دست بہشت

بطلبکاری این مهر گیاه آمده ایم
مقتبس کشت چو دل از فیض بین
شد آن مهر روان غبطه افلاک برین
بست دعا ش قدم گرچه بود روی نین
با پین گنج که شد خازن آن روح الای

بگدا نی بدرخانه شاه آمده ایم

خر خطا دخود و غیر ندیدم در و راست
که کمالات همه بر در تو عین خطاست
چشم جان باز سوی فضل تو ای مهر لقا
لذکر حلم تو ای کشی امید کجاست
که درین بحر کرم غرق گناه آمده ایم

رل عصمن شجر عهد تو هر لیل و خدار
سالم عاطفت و محبت این دربار
تابریم از طرف باغ عایت بر بار
آبر و میرود ای ابر خطا پوش بار
که بدیوان عمل نامه سیاه آمده ایم

بازآمد بھار و آمد گل

نیغم صہفانی

بها ر بود و بگلشن هزار دسته مان بود
بها ر بود و بگلشن شنیم در خشان بود
بها ر بود و زگلهای رگن رگن جهان
خرانه گهر و لعل و در و مر جهان بود

,

۱۷

A decorative black ink flourish consisting of two curved branches with leaves and a central flower-like shape.

سکه دیناری
کوئی کامپانی
نہیں
دوستی پر
کامپانی

گندمکش شده است پرخ زبوی بهار
غله سوندگشت با ذرا خسار مار عادی

ماده عشق بـ سما زاده نوشـ کنـم

پا سُجَّح

«قسمت نم»

«از جناب دکتر هوشگ طراز»

صحنه آن تصوّرات و توهّمات شخصی ما است و مدعی العلوم و قاضی و هیئت منصفه آن خود ما هستیم روال طبیعت را به محاکمه کشیده و آنرا محکوم میکنیم و رای میدهیم که چون بر اساس شواهد غیر قابل انکار دنیا هرج و مرج و معلول تصادف است و جز قانون جنگل چیزی بر آن حاکم نیست پس من در این جنگل پر از وحش بر اساس قانون تنافع بقا باید زندگی کنم و ایرادی به رفتار و کردارم نیست. این نتیجه گیری مایه تشویش و نگرانی است.

بنظر من در این مسائلی که اینگونه مطرح میکنیم و راهی که برای حل آنها انتخاب میکنیم یک چیزی یک جائی غلط و نارسا است. در معادله که مینویسیم یا یک عامل اشتباہی است یا یک عامل کم یا زیاد است. یادم میآید خیلی سالها پیش در باره وحشت از مرگ با بچه هایم بحث میکردیم. بچه های منهن مثل همه بچه ها در یک دوران خاصی از طفولیت از مرگ میترسیدند. واقعاً هم تعجب اینکه ما را در جعبه بگذارند و در آنرا بینند و بروی آن خاک بریزند و ما نتوانیم در حالیکه احتیاج به هوا داریم نفس بکشیم یا از آن جعبه خارج بشویم خیلی وحشتناک است و آنها با تصور اینکه ما را زنده بگور میکنند از ترس میلرزیدند. مبنای فکری آنها این بود که در آن حالت ما احساس داریم احتیاج به تنفس داریم. میخواهیم زنده باشیم. اما وقتی فهمیدند که با ترك روان بدن بی جان ما هیچکدام این احساسات را نخواهد داشت آنوقت احساس آرامش کردند. حتی وقتی

سرور گرامی و دوست عزیز نامه مورخه ۲۳ اوت ۱۹۸۸ شما رسید از سلامتی و صحت شما و بستگان خوشحال شدم. در جواب عرایض من در نامه قبلی ام مطالبی عنوان فرموده بودید که نکات بسیاری را برای من روشن کرد در ضمن سؤالاتی نیز مطرح فرموده بودید که مرا به کنجکاوی و تحقیق وادار کرد. از جمله مرقوم فرموده بودید که (چرا نظام طبیعت با مرگ و نایودی، درد و رنج توان است؟) سؤال خیلی جالبی است. منهن گاهی به مناسبتی از خودم میپرسم که (چرا بدون اینکه خواسته باشیم باین دنیا میآییم. باطراحیان و محیط دل می بندیم مهر میورزیم و محبت می بینیم بعد بدون اینکه ما بخواهیم یکباره این رشته ارتباطی پاره میشود. عزیزی از میان ما میرود و جز درد و رنج چیزی باقی نمی ماند. آیا حیات همه اش همین است؟ همین آمدن ها و رفتن ها؟ همین دردها و رنج ها؟ همین محرومیت ها و حسرتها؟). از دیگران هم زیاد میشنویم که (چرا نحوه اداره و نظام دنیائی که شاهد آن هستیم غیر قابل هضم و فهم و بسیاری از رویدادهای جهانی مغایر با عدالت مطلق است. چرا تاریخ پر از قحطی و گرسنگی و جنگ و خونریزی است؟ چرا یکعدد سوارند و یکعدد پیاده؟ کی مسئول است؟ از که باید پرسید؟ که را باید محکوم کرد؟) خوب، بشر کنجکاو است و سؤال زیاد میکند سؤال و چراها یش هم در این زمینه تمامی ندارد. این خیلی مهم نیست اما یک چیز دیگر در این میان تا حدی مایه تشویش است آنهم نتیجه گیری بدنبال این سؤالات است. همه ما در دنبال این قبیل سؤالات در دادگاهی که

قرار داده بودم. شکی نیست که اگر عقل ناقص من ، اگر عقل و شعور بشری معیار سنجش باشد و عدالت با آن مفهومی که ما آنرا قبول کرده ایم مطرح باشد دنیا هرج و مرج و سراسر ببعدالتن و سرگردانی است و خیام حق دارد بگویید که :

دارنده چو ترکیب طبایع آراست
از بهرچه او فکندش اندر کم و کاست؟

گرنیک آمد شکستن از بهر چه بود
ور نیک نیامد این صور عیب کراست؟
آنوقت شما هم حق دارید بگوئید که بسیاری از رویدادهای جهانی مغایر با عدالت مطلق است و نحوه اداره کردن و نظام دنیائی که شاهد آن هستیم غیر قابل هضم و فهم است اما در این میان قطعی است که معیار سنجش معیارهای بشری نیست و منطق جهان هستی با منطق بشر سه بعدی فرق دارد. از خیام بدین به حافظ واقع بین رو میآوریم روحش شاد باد، میگوید: مکن حافظ از جور دوران شکایت

چه دانی توای بنده کار خدائی
و اشاره میکند که :

در کارخانه که ره عقل و فضل نیست،
فهم ضعیف رأی فضولی چرا کند
و بعد میگوید :

برو ای زاهد خود بین که زچشم من و تو راز این پرده نهان است و نهان خواهد بود سرور من ، حقایق زندگی را انبیاء برای بشر تشریح کردند و روشن بین هائی چون حافظ و مولوی و عطار و امثالهم این حقایق را با نهاده مختلف بزبان ساده تر برای مردم تعریف نمودند و همه جوانب هر مطلبی را باز گو کردند. شما که با گفتار انبیاء آشنازی ندارید لابد با گفتار این روشن بین ها آشنا هستید. پس اجازه بدھید بازهم از حافظ بگویم. از او خوش میآید که آدم را حیران و سرگردان رها نمی کند و با آنکه بروفق مذاق دهی ها در موقعیت خاص میگوید که :

فهمیدند که لذات این جهان دفع احتیاجات مادی این بدن است و بالذات مفهومی ندارند وقتی فهمیدند که لذت خوردن و آشامیدن و سیر شدن منوط به رنج گرسنگی و تشنجی و خالی بودن معده است و اگر معده نداشتیم لذت خوردن و نوشیدن نیز مفهومی نداشت، وقتی فهمیدند که لذت تمکن منوط به وحشت از نداشتن لباس یا نداشتن مسکن و از رنج سرما لرزیدن است آنوقت بیشتر قانع شدند که مردن خلاصی از همه دردها و رسیدن به راحتی و آرامش مطلق است. آنوقت فهمیدند که چرا حضرت پباء اللہ میفرمایند: " یا ابن العماء - جعلت لک الموت بشارة کیف تحزن منه " و آنوقت بیشتر احساس آرامش خاطر کردند. البته این را هم یاد گرفتند که تا وقتی زنده هستیم باید برای حفظ حیات کوشما باشیم. در حفظ سلامتی بکوشیم و برای رفع احتیاجات مادی این بدن کار کنیم و از آن لذت ببریم. یادآوری این مطلب در مورد ترس از مرگ بخاطر آن بود که متوجه باشیم که اگر وقتی در معادله موضوعه فاکتوری که نباید باشد بعلت اشتباه ما هست آنوقت معادله را نمیشود حل کرد و از هرطرف که برویم به بن بست بر میخوریم. تصور اینکه بعد از مرگ ما هنوز احساس لامسه و باصره و احتیاج به تنفس کردن داریم آن عامل غلطی بود که بجهه های من در معادله مربوط به مرگ میگذاشتند و نتیجه اش وحشت از مرگ بود در حالیکه با کثار گذاشتن این عامل غلط دیگر از مرگ نترسیدند. در معادله هم که من میخواستم حل کنم و بفهم که چرا نظام طبیعت با مرگ و نابودی و درد و رنج توأم است عاملی بود که نباید باشد یا عامل غلطی بود که باید بجای آن عامل صحیح را میگذاشتمن و آن این بود که من عقل ناقص خودم را - قدرت فکر و اندیشه خودم را که بقول شما موهبت و عطیه الهی است و نقصان و قصور آن اظهر من الشمس است معیار سنجش

بدبختی یک اجتماع معلوم اختیار و آزادی عملی است که افراد آن اجتماع داشته اند و به صحیح یا به غلط آنرا اعمال کرده اند. میگوید: مکن زغضه شکایت که در طریق طلب براحتی نرسید آنکه زحمتی نشکید و در مقامی دیگر به طعنه میگوید: فلک به مردم نادان دهد زمام مراد تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس بعبارت دیگر همه اش تقدير و حکم از لی نیست ما هم در این میان سهم و مسئولیتی داریم.

دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر کای نور چشم من بجز از کشته ندروی و باز خطاب به مدعی میگوید: ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه تست عرض خود میبری و زحمت ما میداری تویه تقصیر خود افتادی از این در محروم از که مینالی و فریاد چرا میداری حافظ از پادشاه پایه بخدمت طلبند سعی نابرده چه امید عطا میداری

پس اختیار خوب و بد ما در دست ما است همه اش تقدير نیست. خالقی که از او هیچ چیز نمیدانیم جز اینکه هست اساسی در خلقت نهاده که ما چون ذره آهنه جذب مغناطیس قوانینش هستیم و با قضایش قدرت مقابله نداریم. بدون اختیار زاده شده ایم و بدون اختیار میمیریم. اصول حیاتی مندرج و مکنون در کرموزونهای پدر و مادر من بدون خواست من بدون اراده من این هیکل و قیافه و مشخصات را بمن داده و سلولهای مغز مرا آنچنان پرداخته که اینم که می بینید و با دیگران فرق دارم. اما با تمام این احوال این من هستم که با این سرمایه طبیعی و خداداد با این سرمایه که بقول شما موهبت و عطیه الهی است میتوانم زندگی خوبی برای خودم و اجتماعم بوجود آورم و یا بر عکس باعث بدبختی خودم و رنج

جهان و کار جهان جمله هیچ بر هیچ است، هزار بار من این نکته کرده ام تحقیق و یا در موقع دیگر :

عيان نشد که چرا آدم کجا رفتم دریغ و درد که غافل ز کار خویشتنم و یا :

و گر سرای جهان را سر خرابی نیست اساس او به ازین استوار بایستی اما معهذا باقها هم که گوش شنوا و چشم بینا دارند و طالب تحقیق و فهمیدن هستند یاد آوری میکند که :

هان مشو نومید چون واقف نه از سر غیب باشد اندر پرده بازیهای پنهان غم مخور و در جای دیگر میگوید :

گره زدل بگشا وز سپهر یاد مکن که فکر هیچ مهندس چنین گره نگشاد ز انقلاب زمانه عجب مدار که چرخ از این فسانه هزاران هزار دارد یاد و پند میدهد که :

نصیحتی کنمت یادگیر و در عمل آر که این حدیث زپیر طریقتم یاد است. رضا بداده بده و ز جبین گره بگشای که بیمن و تو در اختیار نگشادست و در جای دیگر میگوید :

چو قسمت از لی بی حضور ما کردند گراندکی نه بوقق رضاست خرده مگیر.

شما شاید در اینجا اعتراض کنید که حافظ میخواهد تمام مسئولیت نظام اجتماع بشری را به درگاه پروردگار متوجه کند و تمام تحولات و رویدادهای دنیوی را مشیت الهی بخواند یعنی قضا و قدر و نصیب و قسمت و اجبار و تقدير را اساس دنیا معرفی کند اما اینطور نیست و من از گفته های خود او شواهدی دارم که این مرد واقع بین دنیا را مخلوطی از جبر و اختیار میدیده و با قبول اینکه در خیلی از موارد حیات مثل تولد و مرگ، محکوم قوانین طبیعی و تقدير و جبر زمانه هستیم اما خوشبختی و

عقب افتاده را بدیخت. ممکن است بنظر شما آنها که ماشین دارند خانه های بزرگ دارند تلویزیون و کمپیوتر و ماهواره دارند خوشبخت باشند و آنها که از این چیزها ندارند بدیخت. اما سرور من ، اینطور نیست من اینطور فکر نمیکنم بمن ایراد نگیرید. من داشتن کمپیوتر و ماشین ژرف شوئی و اتومبیل رولز رویس و ولگردی ۲۴ ساعته و عبارت مردم پسند بالا رفتن سطح زندگی مردم را خوشبختی نمیدانم. فقدان این وسائل هم برای من معنی بدیختی ندارد. حضرت عبدالبهاء در سفرهای اروپا و آمریکا تاکید روز افزون در رفاه مادی را که هدف ملل پیشرفت است سلطان مادیت نامیدند و حضرت ولی امرالله تاکید شدید مستمری که در رفاه و آسایش مادی نفوس بکار میروند شر و علت انحراف اجتماعات بشری از اصول اخلاقی و دور شدن از جنبه روحانی حیات انسانی ذکر کردند. آسانی یا سختی زندگی و عبارت دیگر آسایش یا مشقت در حیات انسان ها معنی خوشبختی یا بدیختی ندارد.

در ایام قدیم که وسائل راحتی و آسایش بسیار نایاب بود خوشبختی نایاب نبود. آن داستان هندی پیراهن مرد خوشبخت برای معالجه پادشاه را بیاد دارید. مرد خوشبختی که پیدا کردند پیراهن نداشت. این وسائل روز افزون در تأمین راحتی جسمی خوشبختی نمیآورد. ترضیه خاطر و آرامش وجودان برای من معنی خوشبختی دارد که تأمین آنها صد درصد در ارتباط با مشخصات اخلاقی و روحی من و معلول تلاش و همت خود من است. نعمت حیات عطیه پروردگار است و چپ و راست رفتن در این حیات دست خود من است. اگر جز این بود و اگر تقدیر و جبر و قضا و قدر مطلقاً بر همه چیز حاکم بود دیگر چرا پیامیران میآمدند و چرا تعلیم و تربیت مطرح میکردند. هر چیز همانطور که مقدر شده بود انجام میشد و احتیاجی به

اطرافیانم گردد. در محدوده خاصی ما اختیار مطلق داریم و مسئول اعمالمان هستیم و البته در محدوده دیگری مجبور مطلق هستیم و اسیر قوانین طبیعت. همین حافظ واقع بین در جای دیگری میگوید:

به آب زمزم و کوثر سفید نتوان کرد
گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه
و در مقام دیگر میگوید:

گر جان بدهد سنگ سیه لعل نگردد
با طینت اصلی چکنده بدهر افتاد
این نصیب و قسمت و قضا و تقدير در
محدوده خاصی صادق است و آن اختیار و
آزادی عمل در محدوده خاص دیگری و این دو
محدوده متفاوت و متضاد حیات بشری را
تشکیل میدهد.

به حل مسئله رنج و درد در نظام طبیعت و حیات بشری برگردیم. با توجه به مطالب معروضه و تصحیح آن عامل غلط در مبحث مطروحه حالا خلجان فکری ام که معلوم قبول ببعدالتی در سیستم جهانی بود تسکین پیدا کرده است و مسائل را دیگر آنچنان بغرنج و مغایر با عدالت نمی بینم. با اینکه خوب و بد زندگی ها از جلوی چشمانت رژه میروند و با اینکه هنوز نحوه اداره کردن و نظام دنیائی را که شاهد آن هستیم نمی فهمم و یقین دارم که هیچوقت هم نخواهم فهمید اما دیگر باین نظام و مدیریت آن اعتراضی ندارم و آنرا بعنوان یک واقعیت قبول میکنم و سعی نمیکنم با معیار ناقص عقلم آنرا محکوم کنم. خوب و بد زندگی را نیز بمقدار خیلی زیاد در ارتباط با رفتار و کردار خودمان می بینم. مردم خوب و بد زندگیشان را خودشان میسازند و خوشبختی و بدیختی آنها بدست خود آنهاست. احتمالاً شما اینگونه قضاوت نمی کنید. شما ممکن است قسمتی از دنیا یعنی ممالک مترقبی را خوشبخت بشناسید و قسمتی دیگر از آنرا یعنی ممالک

علم و مریب نبود.

هیچکدام از پیامبران باستاناد گفته خود آنها هیچ مأموریتی جز این نداشتند و هیچ ادعائی جز این نکردند. حضرت بہاءالله در کتاب عهدی که وصیت نامه ایشان میباشد میفرمایند: "مقصود این مظلوم از حمل شداید و بلایا و افزال آیات و اظهار بیناتِ إخmad نار ضعینه و بغضاً بوده که شاید آفاق افتاده اهل عالم بنور اتفاق منور گردد و باسایش حقیقی فائز ... ای اهل عالم شما را وصیت مینمایم بآنچه سبب ارتقاء مقامات شماست. بِتَقْوَى اللَّهِ تَمَسَّكْ نَمَائِيدْ وَ بِذِيلْ مَعْرُوفْ تَشَبَّثْ کنید. " در لوح دیگری میفرمایند: "ای دوستان ارض معرفت رحمن خراب و ویران مشاهده شد لذا زارع بالغ و حکیم حاذق فرستادیم تا اعراق فاسده و کیاه های لاپسمنه را بتداپیر کامله قطع نمایدو بامطار اوامر الهیه آن ارض را تربیت نماید تا محل انبات نبات طیبه و اشجار مثمره شود. این است مقصود از ارسال رسول و افزال کتب. ای دوستان در صدد تربیت گمراهان و بیدانشان باشید که شاید نهالهای وجود انسانی بطراز ربعی رحمانی سرسیز و خرم شوقد. " در لوح دیگری میفرمایند: "جميع بلايا و رزايا نظر به آن حمل شده که جميع ناس بطراز اخلق رحمانیه و صفات ملکوتیه مزین شوند. " در هیچ یک از الواح و آثار ایشان اثری نیست که فرموده باشند من آمده ام خدا را برای شما روشن کنم یا روابط خالق و مخلوق را توضیح دهم. حتی اجرای قوانین و مقررات دیانتی را در راه تربیت مردم فقط وسیله شمرده اند نه مقصد و در یکی دیگر از الواح میفرمایند: این ظهور از برای اجرای حدودات ظاهره نیامده چنانچه در بیان از قلم رحمن جاری بلکه لاجل ظهورات کمالیه در افس انسانیه و ارتقاء ارواحهم الى المقامات الباقیه و مایضده عقولهم ظاهر و مشرق شده تا آنکه کل فوق ملک و

مرقوم فرموده بودید که: (با قبول این امر که پیامبران متنسب به منبع مافوق بشری هستند ما تمام مسئولیت نظام اجتماع بشری را به درگاه پروردگار متوجه میکنیم و تمام تحولات و رویدادهای دنیوی را مشیت الهی میخواهیم) بنظر من چنین قضاوتی صحیح نیست. پیامبر میآید و اظهار میکند که بطبق این تعالیم زندگی کنید بصلاح اجتماع شما و در نتیجه شخص شما است. منشاء این تعالیم هم من نیستم بلکه اوست. تأکید هم میکند که اگر اینکونه زندگی کردید اجتماع خوشبخت میشود و شما از خوشبختی اجتماع پهره مند خواهید شد و اگر غیر از این زندگی کردید اجتماع شما برای شما ایجاد رنج خواهد کرد. کجای این اظهارات مرتبط است با اینکه تمام مسئولیت نظام اجتماع بشری را به درگاه پروردگار متوجه کرده است.

سرور من، اشکال مطلب آنجاست که بعضی از متفکرین در عوالم تخیل و توهمند مشخصات و وظایف و روابطی به پیامبران نسبت میدهند که حقیقت ندارد و متأسفانه بر اساس آنها انتظاراتی پیدا میکنند که مجموعاً باعث سرگردانی و گمراهی آنها میگردد. خیال میکنند که پیامبر میآید تا خدا را برای ما تعریف کند یا راه رسیدن به خدا را توضیح دهد یکعده مردم دنیا را تنبیه و عده دیگر را تشویق نماید. میآید تا نظام جهان و آفرینش را طبق تمایل و دستور مردم زیر و رو کند. میآید که قاضی اجتماع باشد و طلب کاریهای ما را وصول کند. خیال میکنند دین برای این است که مسئله الهام را روشن کند خدا را توضیح دهد و خلقت را تشریح نماید آنهم طوری که حتماً آنها بفهمند. در حالیکه واقعیت جز این است. پیامبر فقط واسطه ابلاغ تعالیمی به منظور ایجاد جهشی در اجتماع و پیشرفتی به سمت ترقی و تعالی است.

سرچشمه مطالب استفاده بفرمائید.

مرقوم فرموده بودید که باعث تعجب است که با وجود آنکه موطن بنیانگذار دیانت بهائی سرزمین ایران بوده و دیانت بهائی از ایران به نقاط دیگر دنیا اشاعه یافته معهذا کتاب شریعت در اصل بعریق نوشته شده است). در مجلس ولیعهد در تبریز که به نیت محکمه و محکوم کردن و صدور فتاوی قتل حضرت اعلی در تبریز تشکیل داده بودند نظام العلماء در شروع مجلس از حضرت اعلی میخواهد که اگر شما بر حق هستید خوب است در وصف این مجلس مانند آیات قرآن آیاتی بفرمائید. حضرت اعلی مسئول اورا اجابت کرده و فرمودند) "بِسْمِ اللَّهِ رَحْمَنَ الرَّحِيمِ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ" باینجا که رسیدند ملا محمد مقانی فریاد برآورد که اعراب کلمه را خطأ گفتی تو که از قواعد نحو بیخبری چگونه قائم موعود هستی. بعد هم از گوشه دیگر مجلس شیخ کلباسی از حضرت اعلی پرسید که کلمه اشترتن چه صیغه است. اینها بزعم خودشان معلومات عربی کسی را که ادعای قائمیت و نسخ دیانت اسلام میکرد میخواستند امتحان کنند. بقول معروف تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجله.

اشارة نیز فرموده بودید که هنوز ترجمه کامل و رسمی کتاب اقدس در دسترس ایرانیان نیست. چهت اطلاع معروض میدارم که با آنکه تمام مطالب مندرجه در کتاب اقدس باشکال و فرم های مختلف در سایر کتب امری بتقصیل مطرح و در دسترس همه بوده و هست و بهمین علت شاید خیلی ها احساس احتیاج به مراجعه به اصل کتاب را نداشتند و ندارند معهذا فتوکیی چند جمله از این کتاب را به مردم ترجمه فارسی آن ضمیمه کردم که پدانید هر کس به دانستن هر قسمت آن علاقمند بوده به آن دسترسی داشته است. در

ملکوت مشی نمایند. حالا در این میان اگر کسی درباره خلقت سؤالی مطرح کرد در خور فهم او جوابی عنایت میفرمایند و اگر کسی از خدا پرسید مطابق درک او توضیحی میدهنند. برای من موضوع خیلی شبیه طرز عمل معلمی است که در کلاس درس مأمور تدریس ریاضی است و جمع و تفریق درس میدهد. حالا اگر شاگردی از او بپرسد که وزیر معارف بچه ترتیبی شما را باین کلاس فرستاده است قطعاً معلم در جواب آن شاگرد و بفراخور فهم و شور او توضیحی خواهد داد که چه ارتقاطی بین او و وزیر معارف هست اما یاد آوری و تأکید میکند که من آمده ام بتو جمع و تفریق یاد بدهم نه رابطه من و وزیر معارف را. انبیاء هم هدف از رسالت خودشان را پیشرفت اجتماع بشری ذکر کردند نه ادای توضیح درباره خلقت یا خدا یا الام . این تخيّل و توهّم ماست که آنها را مأمور آنگونه امور میدانیم. فتوکی صفحات ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ کتاب مفاوضات را به ضمیمه برای مطالعه مجدد حضورتان تقدیم میکنم. خانم کلیفورد بارنی از حضرت عبدالبهاء راجع به حد ادراک انسان نسبت به حق پرسش میکند و جواب میفرمایند. این جواب نباید باینصورت تعبیر شود که ایشان مأمور توضیح تفسیر و تعبیر اینگونه مسائل هستند. خیر این فقط محبت و علاقه به مسائل بوده که در خور فهم او اورابی نصیب نگذاشتند و توضیحی عنایت فرمودند. اگر کسی هم از این توضیح چیزی نفهمید باید قبول کند که عقلش باین امور قد نمیدهد نه اینکه این توضیحات صحیح نیست. اگر مرقوم نفرموده بودید که دوازده جلد کتاب امری از دوست روحانی و عزیز ما جناب حبیب هزاری برای مطالعه به امامت گرفتید این فتوکی ها را تمیفرستادم چون فکر میکردم که مطالعه آنها را اتلاف وقت تلقی خواهید فرمود اما حالا که مطالعه چنین مطالبی مورد توجه شماست چه بهتر که به جای قلم ناتوان و معلومات اندک من از

اگهی ها

از خوانندگان گرامی کتاب "آثار گهربار" خواهشمند است قبل از مطالعه اصلاحات ذیل را در صفحات مربوطه انجام دهنند.

صفحه ۱۲ سطر ۱۷ - هشت روز به ۱۲ روز

صفحه ۷۵ سطر ۱۴ - ۱۸ روز به ۱۲ روز

صفحه ۱۵۲ سطر ۱۱ - ۸ روز به ۱۲ روز

صفحه ۲۲۱ سطر ۵ - نقشه نهالله جهاد کبیر اکبر به نقشه دهالله تبدیل شود.

طبع ثانی کتاب
جمال ایهی، حضرت بهاءالله جل اسمه الاعلی

تألیف جناب دکتر ریاض قدیمی

با محتوای دو برابر چاپ اول با حروف ماشینی و جلد اعلا منتشر گردید. قیمت در کانادا ۱۵ دلار کامادائی و در خارج از کانادا ۱۵ دلار آمریکائی است که شامل هزینه ارسال نیز میباشد. طالبان خرید، سفارش و چک مربوطه را بنام جناب مهندس کامران نجاتی پادرس ذیل ارسال فرمایند.

Mr. k. Nejati
C/O 3303 Don Mills Road
APT. 3301, Willowdale
Ontario M2J 4T6, Canada

سایر کتب موجود از همین مؤلف عبارتند از: کتاب سلطان رسول حضرت رب اعلی. قیمت ۵ دلار

کتاب سید رسول حضرت محمد، اسلام و مذاهب آن. قیمت ۱۵ دلار

کتاب حضرت روح عیسی بن مریم، مسیحیت و مذاهب آن. قیمت ۲۵ دلار

کتاب گلزار تعالیم بهائی. قیمت ۱۵ دلار فرهنگ لغات منتخبه "چاپ دوم". قیمت ۴۰ دلار

جزوه تاریخ ادیان "چاپ دوم تکمیل یافته". قیمت ۵ دلار

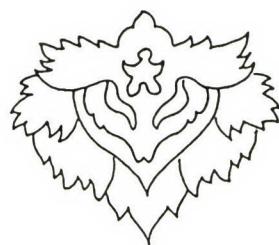
این قسمت و عده فرمان راندن توده مردم و استقرار جمهوری داده بودند و حصول اطمینان بعد از اضطراب.

یک نکته دیگر نیز مرقوم فرموده بودید که خواندن متون کتابهای بیان و ایقان که مخلوطی از عربی و فارسی میباشد بسیار مشکل و احتیاج به راهنمائی استاد و متخصص دارد. قربانت گردم، شما که در دوران تحصیل منشآت قائم مقام فراهانی خواندید و نوشته جات میرزا عبدالعظیم خان قریب را سرمشق انشاء نمودید و نثر گلستان و نظم بوستان و دیوان خواجه حافظ شیرازی را تموه زبان شیرین فارسی میشناسید حیف نیست که مطالب عالیه فلسفی را که در زمان مربوطه در چنین لباسی به احسن وجه انشاء گردیده بخواهید به زبان مسخ شده فارسی امروزی برگردان کنید. در ضمن بدانید که هرقدر بیشتر لقمه جویده به گلوی کسی بگذارید ملاً از پیشرفت و تعالی او کاسته اید. هرکه را طاؤس باید جور هندوستان کشد. هرکس طالب فهم متون این کتاب ها است رحمت خواهد کشید و آنها را درک خواهد کرد.

بقول حافظ شیراز

مکن زغّصه شکایت که در طریق طلب
پراحتی نرسید آنکه زحمتی نکشید
در خاتمه بازهم آرزوی سلامتی کامل برای شما
و همه بستان داریم و در انتظار ارشاد و
راهنمائی های شما هستیم.

بامید دیدار ارادتمند هوشنج طراز



تاریخ زرین شهادت

شیده محمد
دوشیزه هشتاد و نهم
علیهما صوان



سطح بالاترین دبیرستان کشور بود و شاگردانش را تنها از طریق کنکور می‌پذیرفت.

قا اینکه در پایان تحصیلات دبیرستانی در رشته فیزیک دانشگاه پهلوی شیراز که رشته مورد علاقه اش بود قبول شد. در دوران تحصیل در رشته فیزیک بعلت علاقه خاصی که به ژئوفیزیک داشت تصمیم به ادامه تحصیل در این رشته گرفت که در نتیجه تعدادی از واحدهای دروس زمین شناسی را نیز گذرانید و اگر شش ماه دیگر می‌توانست در دانشگاه به تحصیل پردازد همزمان با لیسانس فیزیک موفق به دریافت لیسانس زمین شناسی نیز میشد، اما چون درس‌های مربوط به رشته اصلی اش یعنی فیزیک را بپایان رسانیده بود، طبق ضوابط دانشگاه دیگر نمی‌توانست در دانشگاه باقی بماند. مهشید بغير از زبان انگلیسی به زبانهای فرانسه و آلمانی نیز آشنائی داشت بعد از اتمام تحصیلات دانشگاه با وجودیکه تمام تعهدات لازمه (یعنی تصفیه حساب و پرداخت کلیه وجوهی که بعنوان کمک هزینه تحصیلی دریافت کرده) را پرداخته بود متأسفانه مدرک تحصیلی اش را به جرم

خانم مهشید در تاریخ ۱۸ آذرماه ۱۳۴۴ در شهر شیراز متولد شد، نام پدرش حفظ الله نیرومند و مادرش خانم ملک است. مهشید یک برادر و دو خواهر دارد، پدرش یک کارگر فنی بود و وضع زندگیشان بسیار ساده، او از دوران کودکی ساكت و آرام، کم رو و خجالتی بود، بسیار مظلوم با هوش و نیز حساس و زودرنج که این حساسیت تا اواخر حیات در او کاملاً محسوس و نمایان بود ولی هرگز کینه از کسی بدل نمیگرفت. در سن پنج سالگی بدون ثبت نام بعنوان شاگرد مستمع آزاد بمدرسه رفت و در کلاس اول در امتحانات آخر سال با نمرات ۲۰ قبول شد اما چون طبق قوانین آموزش و پرورش کمتر از شش سال داشت او را برای کلاس دوم نپذیرفتند بنایار مجدداً کلاس اول را خواند و همزمان با مدرسه به کلاس‌های درس اخلاق رفت و زیر نظر معلمین عزیزی چون خانم طوبی زائر پور که ایشان نیز با مهشید هم زندانی و در تاریخ ۲۲ اسفند ماه ۱۳۶۱ با جنابان یدالله محمود نژاد و رحمت الله وفائی بمقام رفیع شهادت نائل گردید، کسب معارف امری مینمود.

مهشید در دوران تحصیل شاگردی از هر لحاظ ممتاز بود و با نمرات عالی کلاس‌های مدرسه را طی کرد و سه سال آخر دوران متوسطه را در دبیرستانی به تحصیل پرداخت که از نظر علمی در

زندانیش کنند این قدر خوشحال باشد. با سرعت لباسهایم را که قبلاً آماده کرده بودم برداشتم و هنگام خدا حافظی از پدر و مادرم و خواهراتم طلب بخشش کردم و به آنها گفتم مطمئن باشید که در این عالم از هیچ چیز نمی‌ترسم خیالتان راحت باشد که از لحاظ ایمان بسیار قوی هستم. وقتیکه پاسداران خواستند مرا با خودشان ببرند مشاهده نمودم یک اتومبیل دیگری بغیر از اتومبیل پاسداران در کوچه ایستاده و شخصی در آن نشسته بود یکی از پاسداران بطرف آن اتومبیل رفت و از او سؤال کرد آیا مهشید همین است؟ آن شخص نور چراغ اتومبیلش را روی صورتم انداخت و در جواب گفت بله همین است، مع الوصف ازاو بپرسید اگر لیسانس فیزیک دارد مهشید است و گرنه مواطن باشید اشتباهاً خواهر او را به زندان نیاورد. سپس پاسداران مرا سوار اتومبیلشان کردند و در بین راه بباد ناسزا گرفتند و به زندان سپاه آوردنند.

مراحل بازجوئی مهشید در زندان سپاه: چند روزی از زندانی شدن ما میگذشت که اولین مرحله بازجوئی مهشید صورت گرفت. مأمور مردی از پشت درب زندان صدا زد مهشید نیرومند، مهین اخلاقی، علیا روحی زادگان. مأمور داخل زندان که خانمی بود فوراً چشمان ما را با پارچه سیاهی محکم بست و به او تحويل داد. او هم روزنامه لوله شده ای را بdest من داد و سر دیگر را خود گرفت و گفت شما بهائی و کافر و نجس هستید. نباید دستتان بdest ما بخورد و به مهشید گفت تا پشت چادر مرا بگیرد و به خانم اخلاقی نیز گفت تا پشت چادر مهشید را بگیرد.

او ما را کشان کشان به پائین پله هائی میبرد که گوئی تمامی نداشت ناگهان متوجه شدیم ما را به محل شکنجه گاهی میبرد که روز قبل خانم فرشته انوری را برد بود و عده ای را جلو

بهائی بودن باو تحويل ندادند. مهشید فوق العاده فداکار بود بحدیکه طبق اظهارات خانواده‌اش بعد از اتمام تحصیلات هر کاریکه انجام میداد تمام در آمد و ما حصل خود را به صندوق خیریه محفل میداد و ذره ای از آن را بخود اختصاص نمیداد و کار و شغل را به این عنوان که یک نوع عبادت است انجام میداد و در آمدش را با دل و جان صرف امور خیریه میکرد... .

قبل از اینکه گرفتار شود گوئی به قلبش الهام شده بود زیرا کاملاً خود را آماده میکرد و الواح و آثاریکه از حفظ داشت مجدداً مرور مینمود و یا به یادگیری آثار جدید مشغول می‌شد و اظهار میداشت اگر زمانی زندانی شدم باید آمادگی داشته باشم و بتوانم با آثار و الواح حضرت پیاء الله مأمورین و مستولین زندان را از اعمال شنیع و غیر انسانی باز دارم.

تا اینکه اراده الهی بر این تعلق گرفت که او در یوم دو شنبه شب تاریخ ۱۳۶۱/۹/۸ با تفاق چهل نفر از احباب بدست پاسداران سپاه انقلاب گرفتار و زندانی شود، نویسنده این سطور نیز در همان شب ساعتی قبل از مهشید زندانی شده بودم. هرگز خاطره ورود او بداخل زندان عمومی از نظرم محو نمیشود ساعت ۲ بعد از نیمه شب با روحیه ای فوق العاده قوی وارد سجن تنگ و تاریک شد و با نهایت مظلومیت به جمع مسجونین بهائی پیوست و چگونگی دستگیری و زندانی شدن خود را این چنین بیان کرد " وقتیکه پاسداران بخانه ما ریختند من متوجه منظور آنها شدم که میخواهند مرا بجرم بهائی بودن و عضویت در تشکیلات امری به زندان ببرند خیلی شاد و مسرور شدم بدون اینکه کوچکترین واهمه و احتطرابی داشته باشم به خانواده ام گفتم شاید پاسداران از این حالت سرور من تعجب کنند که چطور ممکن است یک انسان در چنین لحظه ایکه میخواهند دستگیر و

یافته بود در آنوقت مصدق بیان مبارک را که در لوح احمد میفرمایند: "کن کشعله النار لاعدائی" بوضوح مشاهده کردیم. چهار روز بعد مجدداً مهشید و این کمینه را برای مرتبه ثانی بهمان زیر زمین مخوف و وحشتناک برداشت بازهمان صدای هولناک و ناهنجار توأم با فحش و ناسزا و تهدید به مرگ تکرار گردید.

چند روز بعد برای مرتبه ثالث مهشید و این کمینه را با تفاوت عده ای از مسجونین بهائی خانمها عزت اشراقی، دخترشان رویا اشراقی، شیرین دالوند میترا ایروان و آقایان عنایت الله اشراقی، فرهاد بهمردی، احمد خادم، خسرو معصومی اسماعیل روحانی، کوروس احراری، امیر افناei، داریوش ده موبدی که بجای برادرش ایرج ده موبدی زندانی کرده بودند و سرهنگ دبیریان که بجای خانمش گرفته بودند به اطاق دیگری جهت بازجوئی برداشت و شخص دیگری از ما بازجوئی کرد. که من فقط از لعن صدایش تشخیص دادم و گرفته صورت بازجوها با ماسک پوشیده بود سپس پرونده قطوری بما دادند و گفتند جواب سؤالها را بنویسید، در قسمت بالای هر برگ پرونده نوشته شده بود شما در دادگاه انقلاب جمهوری عدل اسلامی محاکمه میشوید چنانچه برخلاف گفته شما ثابت گردد طبق احکام قرآن و قانون عدل اسلامی با شما رفتار میگردد.

من متوجه و کنجهاو شدم چونکه هنوز محاکمه نشده بودیم، با احتیاط پرونده ام را ورق زدم. مشاهده نمودم چه پرونده سنگینی برایمان درست کردند. روز بعد مجدداً ما را به اطاق بازجوئی برداشت پس از ۱۴ ساعت بازجوئی وقتی بسلاول برگشتم مهشید گفت صفحه اول پرونده ام را خواندم پاسداران چند صفحه برایم گزارش نوشته بودند که مختصراً از آن چنین بود. ساعت حدود ۹ شب تاریخ ۶۱/۹/۸ بدستور برادر میر حسینی رئیس سپاه پاسداران شیراز بخانه متهم مهشید نیرومند که اتهام او عضویت

چشممش بشدت شلاق زده و خانم انوری از ترس و وحشت بیهود شده بود. بی اختیار وحشت و اضطراب شدیدی سرایای وجود ما را گرفت بطوریکه صدای ضربان قلبای خودمان را می شنیدیم لذا بی پناه و مستاصل به حضرت بهاء الله یگانه ملجاء خود متول شدیم و غرق در دعا و راز و نیاز بدرگاهش و طلب استقامت می نمودیم تا به انتهای پله ها رسیدیم ناگهان صدای هولناکی که بکلی قوای فکری را مختل و بشدت اعصاب را متبتل میکرد ما را تحت فشار قرار داد. آنگاه خانم اخلاقی را از من جدا کردند و بعد مهشید را و ندانستم بکجا برداشت. چند ساعتی در آن حالت وحشتناک که صدای نیز بلا انقطاع ادامه داشت با چشم بسته بطور ایستاده مرا نگهداشتند، با خود گفتم خدایا مهشید و خانم اخلاقی را کجا برداشت؟ با من چه میخواهند بکنند؟ اینجا کجاست؟ چرا با ما اینگونه رفتار میکنند. در آن حال مأمور با غرش و پرخاشگری مرا از عالم افکار خود بیرون آورد و گفت سؤالاتی میکنم که باید جواب بدھی پس از آنکه به سؤالهای او جواب دادم و اعتقادم را بدبیانت بهائی ابراز داشتم بعقیده ام توهین و مرا تهدید کرد و گفت بجرائم عقیده شما را به اینجا کشانده ایم حالا یک فرصت میدهم تا توبه کنی وقتی جواب رد شنید گفت آنقدر شکنجهات میدهم تا مجبور شوی تیری کنی و چون مکرر جواب رد شنید خشم و غصب او شدت گرفت و گفت عاقبت ترا به اسفل در کات خواهم فرستاد. سپس مهشید و بعد خانم اخلاقی را بمن ملحق کرده و بهرسه ما توهین کرد. برایم معلوم شد که آندهم در فشار و شکنجه روحی مشابهی قرار داشته اند و جواب رد به بازجو داده اند که اینگونه عصیانی است. در آن حال قدرت تائید حضرت بهاء الله اضطراب و وحشت ما را به آرامش غیر قابل وصفی تبدیل کرده بود در حالیکه غرور و قدرت ظاهری او به خشم و عجز و زیونی تغییر

بس‌لول برگشتم مهشید تذکر داد ما باید واقعیت و هدف غائی که همان نظم بدیع جهان آرای الهی است به بازجوها، بازپرسها، و حاکم شرع تفہیم نمائیم. تا بدون جهت اعضای محافل مقدس روحانی و ملی را اعدام نکنند و بیخودی نگویند ما سران بهائیان را اعدام کردیم.

باری شرح بازجوئی مهشید بسیار مفصل است ولی بطور کلی همیشه در محاکمات صادق، با استقامت و با معلومات بود و با کمال آرامش و خونسردی به سؤالات پاسخ میداد اما همیشه سعی میکرد از ذکر اسمای دیگر احباب و افراد فعال تشکیلات امری خود داری نماید. اظهار میداشت راحنی نمیشوم اسمای احبابی بی‌گناه را در اختیار آنان بگذارم تا مبادا خدای نکرده آنها را به زندان بیاورند و همانند ما زجر و آزار بدهند ولی با شجاعت عضویت خود را در تشکیلات امری ذکر مینمود و مسئولیت را خود بعده میگرفت و احکام و تعالیم حضرت بهاء‌الله را مفصلًا توضیح میداد. او حقیقتاً بعد خود وفادار ماند و هر نوع ظلم و آزاری را به خود روا داشت و ذکری از کسی بمیان نیاورد. آخرین روز مرحله بازجوئی او را فراموش نمیکنم بازجو بهمه ما اخطار داد برای آخرین بار بشما فرصت میدهم که اولاً باید توبه کنید و مسلمان شوید ثانیاً اسمای بهائیان که در ایران و یا خارج از ایران زندگی میکنند با ذکر نام و نشانی مخصوصاً آنها که عضو فعال تشکیلات بهائی هستند با آدرس دقیق و شماره تلفن در پرونده محاکماتتان بنویسید و به مهشید و شیرین دالوند و رویا اشرافی و میترا ایروان تأکید کرد باید اعضای هیئت هائیکه زیر نظر لجنه جوانان بودند نام پیرید. جواب دادیم هرگز اعتقاد خود را کتمان نمیکنیم و در مورد معرفی دیگر بهائیان ما مسئول خود هستیم آنروز روز بسیار سختی بر ما گذشت بازجو همه را بباد ناسزا گرفت و گفت به زور شکنجه مجبوتران میکنیم. صحنه سازی میکرد و به حیله های مختلف متسلّل می

در فرقه ضاله بهائیت است رفتیم و پس از ۳ ساعت بازرسی و جمع آوری کتب بهائیت از خانه آنها متهم (مهشید) بدون کوچکترین مقاومتی با آرامش و خونسردی تسليم ما گردید، مهشید ادامه داد کمی بیشتر جرأت بخرج دادم چند صفحه از پرونده ام را ورق زدم دیدم پرونده آقای کرامت الله ممتازی یکی از احباب شیراز که سال قبل زندانی و سپس آزاد شده بود ضمیمه پرونده ام بود. این موضوع را به بازجو تذکر دادم گفت پرونده ها مخلوط شده و مادر تعقیب او هستیم که سال قبل رابط محفل روحانی شیراز بوده و برای دادگاه انقلاب شیراز بیانیه تظلم و دادخواهی از طرف محفل آورده بود. بهر حال بازجوئی مهشید همه روزه بصورت کتبی و شفاهی بمدت ۱۲ الی ۱۴ ساعت در روز بالغ میگردید. بازجوئیها و محاکمات در مورد تمام مسجونین بهائی به یک نحو صورت نمیگرفت و بستگی به نظر بازجوها داشت که تا چه حد فعالیت امری مسجونین به دادگاه انقلاب ثابت شده بود مثلاً بعضی مسجونین بهائی را بمدت خیلی کوتاه دو یا سه مرتبه حدود یکساعت بازجوئی و محاکمه کردند و در مورد بعضی ها هم حساسیت بیشتری بخرج میدادند و همه روزه ساعتهای طولانی بازجوئی میگردند و یا برای مدت های طولانی به سلوی های افرادی میبرندند و با کابل سیمی شلاق میزدند که نمونه آنها خانمها نصرت یلدائی و طوبی زائرپور بودند. بهر حال یک روز بازجو به مهشید گفت تمام جرم و گناهان شما اعضای لجنه ها به گردن محفل روحانی است که شماها را بعضویت لجنه انتخاب میکنند و ما اول آنها را اعدام میکنیم که سران شما هستند، مهشید جواب داد ما بهائیان سران بخصوصی نداریم همانطور که محفل مقدس روحانی اعضای لجنه ها را انتخاب میکنند ما جامعه بهائیان نیز از بین خودمان اعضای محفل روحانی را انتخاب میکنیم. بنابراین شما باید تمام بهائیان را محکمه کنید. آنروز وقتی

بحرف بیاورید و با آرامش و تسلیم گفتم از کدام طرف بخواهم، آیا اول میخواهید پشتم را شلاق بزنید یا کف پایم. آنها از خونسردی من و از اعمال غیر انسانی خود شان به خنده افتادند و بهم گفتند ببینید چقدر مظلوم هستند حتی وقتی که میخواهیم شکنجه شان بدھیم هیچ گونه دفاع و مقاومتی از خود نشان نمیدهند و با مظلومیت زجر و آزار را قبول میکنند ولی اعتقادشان را انکار نمیکنند. آنگاه بازجو گفت همین مظلومیت شما بهائیان و عدم مداخله قان در امور سیاسی پدرما را در آورده و شما آن را بصورت پرچمی در دست گرفته پیش میروید تا بحال خوب موفق بوده اید و دنیا را تسخیر کرده اید و تمام جراید و رادیوهای بیگانه دم از مظلومیت شما بهائیان میزند و از حق شما دفاع میکنند ما هم هیچ مدرک جرم و یا خلافی تا کنون از شما بهائیان در دست نداریم. یکی از بازجوها گفت دیروز روز انتخابات مجلس خبرگان بود از مسئول بند زندان شنیدیم شما بهائیان در انتخابات شرکت نکرده اید و رأی ندادید و بهمه زندانیان ثابت کردید که در امور سیاسی دخالتی ندارید. بعد از اینکه تمام مسجونین بهائی بدون استثناء بمدت ۲۷ روز با خانواده های خود ممنوع الملاقات بودند روز شنبه چهارم دیماه ۱۳۶۱ برابر با ۲۵ دسامبر ۱۹۸۲ درب زندان سپاه به روی خانواده مسجونین گشوده شد. واقعاً چه روزی بود و چه حالی داشتیم از ساعت سه بعد از ظهر اجازه دادند بمدت ده دقیقه از پشت شیشه بوسیله تلفن با خانوادهای خود حرف بزنند فاگفته نمائند تلفنها تحت کنترل بود و صدای طرفین ضبط می شد ضمناً خانواده ها را ساعتها و روزها با منتظر گذاشته بودند تا بدينوسيله با آنها نيز زجر روحی بدھند.

مهشید از همان شب اول که زندانی شد واقعیت را پذیرفت و هر وقت صحبت از آزادی بمعیان میآمد جواب میداد من تسلیم

شد تاریخ و وحشت را در دلها بوجود آورد شاید بدينوسيله بتواند در روحیه و ایمان ما تزلزل ایجاد نماید که صرفاً تائید حضرت بهاءالله و عشق به او بود که استقامت میداد، آن روز مهشید را برای مرتبه ثالث بهمان زیر زمین مخفو که محل شکنجه گاهشان بود برداشت و پس از ساعتی شکنجه شدید مجدداً به اطاق بازجوئی آوردن.

مهشید گفت با چشمان بسته مرا به زیر زمین برداشت و بر تخت چوبی که چهار طرف آن به زنجیرهایی وصل بود نشاندند و پس از توهین و تحقیر روی چشمانت را باز کردند دیدم دو بازجو صورت خود را با نقابی پوشانیده بودند و پرونده محکمه در دست داشتند و شخص دیگری که مأمور شکنجه و او را عبدالله میخواندند کابل سیمی در دست داشت آنها مرا تهدید کردند گاهی با خشونت و گفتار ناپسند و گهی بازیان چرب و نرم که چون دختر جوانی هستی دلمان نمیخواهد تو را شکنجه نمائیم اما اگر توبه کنی و اسامی هیئت ها و اعضای لجنه ها مخصوصاً افراد فعال تشکیلاتی را در اختیار ما بگذاری از آزار تو دست میکشیم و آزاد میکنیم، جواب دادم بهیچ عنوان عقیدام را انکار نمیکنم حتی اگر بند از بنده جدا کنید خودم و اعضای لجنه جوانان را میشناسم که همه در زندان هستیم (توضیح آنکه اعضای لجنه جوانان در زندان تصمیم گرفتند خودشان را معرفی کنند ولی از ذکر نام دیگر اعضا خوداری کنند). اما آنها دست بردار نبودند عبدالله مرتب کابل سیمی را در دستش می چرخانید و با غرش بسرم فریاد میکشید و تهدید به شکنجه و اعدام میکرد. سپس بیکدیگر گفتند این زندانی به آسانی همه چیز اعتراف نمیکند بهتر است دست و پایش را با زنجیر به تخت بیندیم و به زور شکنجه مجبور به توبه کنیم و به حرف بیاوریم، گفتم منکه گروه سیاسی نیستم و چیز سری و مخفی ندارم که شما بخواهید مرا

صبح روز ۲۶/۱۰/۱۴ ساعت ۵ صبح بود مهشید را از زندان عادل آباد به دادگاه انقلاب برداشت، بازپرس شماره ۵ پس از ۶ ساعت بازپرسی به مهشید گفت متجاوز از چهارسال است که ما بهائیان را ب مجرم عضویت در تشکیلات بهائی اعدام نمیکنیم چرا به اعدام های اخیر اعتنای نکرده اید و عضو تشکیلات بهائی شده اید و جرم و گناه تو بر ما ثابت شده اول، به اعتراف خود بهائی هستی و حاضر به توبه نشدی دوم، به کلاس درس اخلاق رفته ای و خود معلم درس اخلاق بوده‌ای، سوم، به اعتراف خود عضو لجنه جوانان بوده ای، چهارم، کمک مالی به صندوق خیریه کرده ای و گناه پنجم، چرا ازدواج نکردی و مجرد هستی بنابراین عضو تشکیلات صهیونیسم بوده ای اما یک راه نجات داری توبه کنی و مسلمان شوی در غیر اینصورت به اعدام محکوم هستی. مهشید گفت جواب دادم همانطوریکه کراراً گفته ام اولاً عقیده ام را هرگز کتمان نمیکنم و اعدام را بر انکار ترجیح میدهم. ثانیاً دیانت بهائی دیانتی است جهانی که از تمام طبقات مردم و ادیان مختلف پیروان زیادی دارد و تشکیلات بهائی تشکیلاتی است دینی و روحانی که هیچگونه ارتباطی به سیاست و صهیونیسم ندارد، صهیونیسم ۳۴ سال قبل بوجود آمده در صورتیکه از پیدایش دیانت مقدس بهائی ۱۳۹ سال میگذرد چنانچه مقصود شما این است که عضو تشکیلات بهائی بوده ام اعتراف میکنم، زیرا هر فردی از جامعه بهائی عضوی از جامعه و تشکیلات بهائی است از طفل صغير ۵ ساله که بدرس اخلاق میرود و پیر یکصد ساله که در ضیافت شرکت میکند.

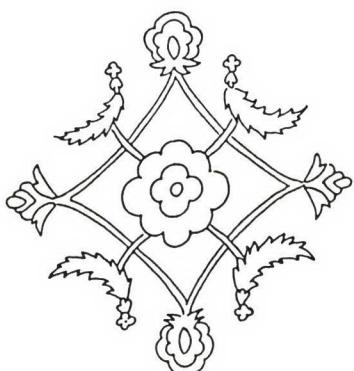
حال چنانچه دولت جمهوری ایران رسماً از طریق جراید روزنامه، رادیو و تلویزیون اعلان نمایند که تشکیلات بهائی غیر قانونی میباشد، آنوقت جامعه بهائیان ایران تشکیلات امری خود را که جنبه روحانی و دینی دارد تعطیل و متوقف

رضای جمال مبارک هستم آنچه اراده نماید خیر و صلاح است برایم فرق نمیکند آزاد شوم و یا اعدام در هر صورت به قضایای الهی راضی هستم. روزی دیدم در سلول دراز کشیده با تقریر به سقف سلول نظر دوخته بود بطرف او رقم و پرسیدم چی شده که اینگونه به فکر فرو رفته ای اول بالبخندی گفت چیزی مهمی نیست پس از اصرار من گفت دو شب است خواب می بینم مطمئن هستم که مرا اعدام خواهند کرد ولی اصلاً نگران نیستم و تسلیم اراده جمال مبارک هستم.

اکنون که مشغول تحریر این خاطرات هستم سیمای معصوم و مظلوم او در نظرم مجسم شده است واقعاً افسوس میخورم که چرا آن روز از مهشید درباره روایا ش نپرسیدم گوئی آن دختر ملکوتی در عوالم روحانی به آینده خود آگاه شده بود و روحیه خود را تقویت میکرد تا عاشقانه بپای چوبیه دار برود.

مهشید بعد از ۳۶ روز بازجویی توأم با شکنجه شدید روحی و جسمی در تاریخ ۱۴/۱۰/۱۳۶۱ از مسجونین بهائی و این کمینه با تقاض عده ای از مسجونین بهائی ای از زندان سپاه به زندان عادل آباد انتقال یافت و در طبقه سوم سلول شماره ۹ با دوشیزه شیرین دالوند و یکی دیگر از مسجونین بهائی زندانی گردید. از مسئولین انتظامات این زندان پیر مرد ۶۰ ساله بود بنام جعفری او پرخلاف بقیه مأمورین نه تنها بما ناسزا نمیگفت بلکه محبت هم میکرد هروقت مسجونین جهت کاری باو مراجعته مینمودند با نهایت محبت جواب میداد باباجان چه کاری دارید تا برایتان انجام دهم، وقتی ده فهر از خانمهای بهائی را شهید کردند شنیدم این پیر مرد تا مدتی ناراحت بود و روزی به یکی از منسوبین شهدا گفته من از صمیم قلب متائب و متاثر نمیدانم آنهاشیکه این اعمال را انجام داده اند و این زنان و دختران جوان را کشتنند جواب خدا را چه خواهند داد.

به پدرش تأکید میکند مبادا با گریه و جزع و فرع و ناراحتی اجر مرا ضایع کنید و در حالیکه مشتهايش را مثل همیشه گره کرده بود خانواده اش را به استقامت دعوت میکرد که ما همه مسجونین در اعتقاد خود ثابت هستیم از جانب ما خیالتان راحت باشد و از خدا می خواهم بشما هم صبر و تحمل بدهد و با تمام اعضای خانواده که در آنروز برای ملاقات او آمده بودند خدا حافظی کردم و تا آخرین لحظه با مشتهاي گره کرده کابین تلفن و راهرو ملاقات را ترک نمود و از همان راه ملاقات او را مستقیماً بمیدان چوگان برای شهادت بردند و رویای صادقه آن دختر ملکوتی تعبیر شد و با تفاوت ۹ شیر زن و دختر بوسیله دار اعدام شدند و جسد های مطهر شان را به خانواده هایشان تحویل ندادند. مأمورین آن اجساد پاک را با لباس بدون غسل و کفن در گلستان چاوید شیراز مدفون ساختند. بعد از شهادت عده ای از مردم شیراز و دوستان غیر بهائی بشدت متاثر شدند و با یک حالت ناباوری این واقعه جانگذار را پذیرفتند. بطور کلی شهادت مهشید همانند دیگر شهدا روی همسایگان و مردمی که از نزدیک او را می شناختند تأثیر شدیدی باقی گذاشت.



میسازد، بر اساس تعالیم حضرت بهاءالله که بدین مضمون فرموده‌اند "أهل بها در هر کشوری ساکن باشند باید مطیع حکومت و قانون آن مملکت باشند" اما دادیار انقلاب در جواب به مهشید گفته بود دوست دارید ما موجودیت شما بهائیان را از طریق رسانه های گروهی اعلام کنیم تا دنیا متوجه موجودیت شما بشوند کور خوانده اید و این مرحله به اصطلاح خودتان مرحله انصصال است. مهشید جواب داده بودند امر حضرت بهاءالله در دنیا انتشار یافته و در سرتاسر اقطار عالم پیروان زیادی دارد.

چهار روز بعد مهشید را به دادگاه انقلاب نزد حاکم شرع آیت الله قضائی بردند و آن حاکم این دختر معصوم و بی گناه را همانند ۹ زن و دختر بی دفاع دیگر به اعدام محکوم کرد، چند روز قبل از شهادت از طرف دادستان انقلاب میرعمادی و آیت الله قضائی چهار جلسه ارشادی ترتیب دادند و به ده (۱۰) نفر خانهای اخطار داده بودند تا برای آخرین بار دست از عقاید خود بردارند و بدین اسلام مشرف شوند. اما آن شیر زنان راه وفا و میدان استقامت با توضیحات لازم جواب داده بودند ما به تمام ادیان گذشته منجمله دین مقدس اسلام معتقدیم ولی بهیچ وجه حاضر نیستیم عقیده خود را کتمان کنیم، بالاخره روز شنبه ۲۸ خردادماه ۱۳۶۲ روز موعود فرا رسید که بر حسب اتفاق روز ملاقات آن مسجونین مظلوم با خانواده خود بود. مهشید این موضوع را به خانواده اش اظهار داشته بود. خانواده مهشید نیز خبر شهادت شش را درمدد بهائی را که دو روز قبل بدستور آیت الله قضائی در شیراز بوسیله دار اعدام شده بودند با مهشید در میان گذشتند و این دختر شجاع در نهایت شهامت به خانواده اش گفته بود ممکن است همین روزها در مورد ما هم همچون خبری بشما برسید و ما را اعدام کنند ولی امیدوارم که تحمل داشته باشید و قدر این فضل و موهبت الهی را بدانید مخصوصاً

شعر از جناب مهندس عطالله ستوده نیا

فرستنده خانم بتول درخشان

عید اعظم رضوان

سرور در بستان خمید از قامت دلدار من
غنچه از شوق و شعف برتن دریده پیرهن
یادم آمد این سرود از حافظ شیرین دهن
مقدمش یا رب مبارک باد بر سرو و سمن
بر دمید از نو بجسم مرده روح عیسوی
 بشنوید اکنون ز من اسرار یار معنوی
آدم تا این زمان بر پا کنم نظم نوی
اسم اعظم میکند کوتاه دست اهرمن
هر کس آنجا بود از قید علائق جمله رست
از شراب معرفت پیمانه ای دارد بدست
راه نیرنگ و ریا بر جمله اغیار بست
جلوه ای فرمود بر خلق از جمال خویشن
مظهر حق را و یاران حلقه بر دور و برش
خرمن گل را و صحبتهای همچون گوهرش
و آن دگر افکنده در زیر قدومش پیکرش
نفحه باد بهارش هست چون مشک ختن
وحدت نوع بشر در این زمان تدبیر تو
گردن گردنشان در حلقه زنجیر تو
شیرهای بیشه عرفان حق نخبیر تو
گشته در هر مرز و بومی داستان انجمن
سروران را سروری افتاده گان را همنشین
داستان از قصور خدمت خود شرمگین
اسپ چالاک فلك رام تو شد در زیر زین
چون ستوده ذره ای را نیست یارای سخن

شد مه اردیبهشت و سبز شد دشت و دمن
سوسن از خجلت فرو بسته دهان خویشن
عید رضوان آمد و ظاهر شد اسرار کهن
افسر سلطان گل پیدا شد از طرف چمن
شمس ابھی بر فکند از رخ به عالم پرتوی
گفت بردارید دست از علقوه های دنیوی
منظوی شد دور اسلامی و دور موسوی
گر ز دام نفس بگریزی و بی پروا شوی
در درای خرمی گل طلعت ابھی نشست
هر طرف دلدها ای از عشق او مخمور و مست
آنکه در روز نخستین گفت با آدم است
در لباس خلق ظاهر شد در این دنیا پست
باغ رضوان را بیاد آرید با آن منظرش
عاشقان غرقه در خون خفته را در کشورش
آن یکی بر آستان دوست میساید سرش
تا ابد آباد باد این خانه و بام و درش
هر کمالی در جهان پیدا شد از تاثیر تو
صلح اعظم میشود ایجاد از تقدیر تو
نقش بر لوح قلوب عاشقان تصویر تو
قصه دلداده گان و صیت عالمگیر تو
مظهر کل خداوندی تو بر روی زمین
دشمنان از صیت عالمگیر امرت خشمگین
لیک ای شاهنشه پر اقتدار ملک و دین
جمله کرویان خواندند بهرت آفرین

بحث پرامون مجازات اعدام

(قسمت اول)

درخت گیلاس) مجازات اعدام بوده است. (۲) امانوئل کانت **IMMANUEL KANT** (۱۸۰۴ - ۱۷۲۴ ميلادي) فيلسوف معروف آلماني در كتاب خويش "متافيزيك اخلاق" (تاليف سال ۱۷۹۶ ميلادي) بر خلاف نظر بكاريا عقиде دارد هر عضو اجتماع که بعدم مرتكب قتل نفس شود باید اعدام گردد. (۳) نظريات کاملاً مباین بكاريا و کانت میان اختلاف نظر دانشمندان و اندیشمندان در دو قرن نوزدهم و بیستم ميلادي نیز بحساب می آید. برسی و نقد نظريات مختلف دانشمندان دو قرن اخیر در این وجیزه میسر نیست لذا تنها ببيان نتائج تحقیقات برخی از پژوهشگران و جرمشناسان کشورهای انگلیسی زبان غرب در دهه های اخیر اکتفاء می رود. باستناد گزارش انسیتیوی پژوهش درباب دفاع اجتماعی سازمان ملل متعدد (**UNSDRI**) در فاصله سالهای ۸۶ - ۱۹۷۹ بیش از هشتاد درصد از تحقیقات جرم شناسی در خصوص مجازات اعدام در آمریکای شمالی (و در ایالات متحده آمریکا و کانادا) انجام و انتشار یافته است. (۴)

وجود شيوه های وحشیانه مجازات مجرمان که يادگار دوران بپريت یا توحش گروههای انسانی بوده و هنوز نیز گهکاه در برخی از سرزمین ها اعمال می شود علت اساسی اعتراض انسان دوستان جهان گشته و آنان را در مخالفت با مجازات اعدام قاتلان عمد نیز باصرار و ادار کرده است. متون کتب تاریخ انسانی علی الخصوص تاریخ جزا یاد آور آن اعمال وحشیانه و از جمله قطع اعضاء بدن، زنده بکور کردن، سیخ داغ کردن، مهار کردن، بزنجهیر کشیدن و

در اواسط قرن نوزدهم ميلادي و در اوان پيدايش امر بدیع بهائي شگفت انگیزترین تحولات علمی، هنری و فلسفی پنهان گیتي و مسیر جامعه انسانی را بكلی دگرگون نمود. فلسفه و هنر راه دیگر گرفت. علم مفهوم تازه یافت و علوم اجتماعی و از جمله دانش وسیع جامعه شناسی و نظام ترکیبی یا میان رشته ای جرم شناسی زاده شد. پس از تحريم صریح بردگی در امر بهائی عصر تجلیل از حقوق انسانی آغاز گشت و آرمانهای نوع پرستی در جهان هستی ارزش والا یافت. احترام به حیات آدمی بنحوی کاملاً بدیع مطعم نظر اندیشمندان و دانشمندان و مکاتب فلسفی و علمی و نظمات حکومتی جهان گشت. بحدی که برخی از جرم شناسان خیر اندیش اجراء مجازات اعدام را بطور کلی مباین با تقدس اصل احترام به حیات انسانی و مغایر با نظام احیاء و خلقت ربانی شمردند.

در میان حقوق شناسان غربی شاید سزار بكاريا **CESARE BECCARIA** (۱۷۳۸-۹۴ ميلادي) نخستین شخصی است که بتصریح با اعمال مجازات اعدام مخالفت کرده است. بكاريا در رساله معروف خود " درباب

DEI DELITTIE DELLE PENE که بسال ۱۷۶۴ تاليف نموده شدیداً با مجازات اعدام مخالفت ورزیده است. (۱) باید توجه داشت که در عصر بكاريا مجازات اعدام شامل ارتکاب جرائم بسیار بوده است.

برای مثال در حوزه امپراتوری انگلستان (صاحب راقی ترین نظام قضائی و جزائی عصر) و در زمان بلک استون **BLACKSTONE** قاضی معروف قرن هجدهم ميلادي جزای یکصد و شصت گونه جرم (حتی گاه دزدی یک دستمال جیبی و قطع یک

در کتاب بدیع می فرمایند: "ایاکم ان
قسفکوا الدماء و الذى سفك انه ليس مني
و كان الله بريئى منه".

با استناد بیانات مبارکه جمال ابی حیات انسانی
موهبتی است رباني که قطع عمد آن موجب شمول
قهر و سخط الهی است و در نظام جزای بهائی
نیز موجب اعدام و یا محبوسیت موبد قاتل
عامد است. یکی از اهداف مهمه اصلیه اعمال

DETERRENCE مجازات در امر بهائی بازداری
اعضاء جامعه علی الخصوص مجرمان احتمالی از
ارتكاب جرم است. از قلم جمال قدم در این
خصوص چنین نازل است قوله الاعلی: "وللعدل
جند وهی مجازات الاعمال و مكافاتها و
بهمما ارتفع خباء النظم فى العالم و اخذ كل
طاغ زمام نفسه من خشية الجزاء ".(۸) و
در لوح مبارکی مندرج در کتاب اقتدارات نازل
است : انسان عاقل از اعمال شنیعه اجتناب می
نماید چه که مجازات را از بی مشاهده می
کند" (صفحه ۲۸۲). موضوع بازداری بزنگاران
از ارتکاب اعمال مجرمانه می تواند تحت دو
SPECIFIC DETERRENCE عنوان بازداری در مفهوم خاص
GENERAL DETERRENCE و در مفهوم عام
بررسی قرار گیرد. مراد از بازداری در مفهوم
خاص اثر اعمال مجازات بر شخص مجرم است.
در مجازات قاتل عامل اعدام مانع قطعی تکرار
جرائم است زیرا شخص مجرم برای ابد از جامعه
منفصل گشته است. این بازداری گاه بصورت
خلع آزادی و توانائی مجرم

(**INCAPACITATION**) اعمال می گردد.
INCAPACITATION مجازات حبس یک نوع
است. زیرا مجرم برای مدتی از عرصه جامعه
منفصل می شود و توانائی انجام اعمال مجرمانه
حد اقل در سطح جامعه بزرگ (در آن مدت)
ندارد. مقصود از بازداری در مفهوم عام اثر
اعمال مجازات مجرمان فعلی در اعضاء جامعه
علی الخصوص مجرمان احتمالی است. بعبارت

فلک کردن (بردگان، سربازان، جاشوان کشتی
ها حتی کودکان معصوم و شاگردان مدارس
ابتداei) بوده است. جمیع این اعمال ناروای
وحشیانه در امر بهائی تحريم و نظام جامع ملکوتی
بدیعی ارائه گشته است. بررسی انواع مجازات
 مجرمان در نظام جزای بهائی خود داستان درازی
است که نیاز به پژوهش تفصیلی جداگانه دارد و
در پژوهش دیگری باختصار بدان اشارت رفته
است. (۵) مجازات ها در امر بهائی بطور کلی
شامل جزای نقدی، حبس، نفی، طرد و اعدام
است. مجازات اعدام انحصرا شامل قتل و
حرق عمد است. در این پژوهش فشرده صرفا
بحث از مجازات اعدام قاتل عامد در نظام
جامع بدیع بهائی است و بررسی موضوع مجازات
حرق عمد به تحقیق عمیق پژوهشگران آتی احالة
می شود. در کتاب مستطاب اقدس در خصوص
قتل عمد چنین نازل است: من قتل نفسا
عامدا فاقتله... خذوا سنن الله بایادی
القدرة و الاقتدار ثم اترکوا سنن
الجاهلين". سپس تصريح است که جزای قاتل
عامد می تواند بجای مجازات اعدام حبس ابد
مقرر گردد. مراد از سنن جاهلين اعمال
مجازات های وحشیانه ایام بربریت و نیز
مامشات و مدارای پرخطر و ضرر برجی از
جماعات انسانی با مرتكبان چنین اعمال شنیعه
دنیه (قتل عمد نفوس مظلومه) است. اصولا
باید بخاطر داشت که در امر مقدس بهائی قتل
نفس اکیدا حرام و از معاصی کبیره حتمیه
است. (۶) اگر چه بداحت امر بحدی است
که استناد بآیات باعتباری ضرورت ندارد ولی
برای تحکیم مبانی استدلال در این پژوهش بنقل
چند نص مبادرت می گردد. جمال ابی در
کتاب مستطاب اقدس می فرمایند: قد حرم
عليكم القتل...! . و نیز در آن کتاب
 المقدس می فرمایند: "لا يقتل نفس نفسا هذا ما
نهيتم عنه في كتاب كان في سرادق العز
مستورا" المكنتات ان كنتم تعلمون" (۷) و

۶ - چون امکان اشتباه قضائی همواره می‌رود چنانچه نفووس بی‌گناهی اعدام شوند دیگر طریقی برای اعاده حیات و حقوق مسلمه آنان نیست.

۷ - تا تعصبات نژادی و مذهبی و فقر و بی‌سواندی در جوامع انسانی موجود است غالباً اعضاء اقلیت‌ها و بی‌سواندان و فقیران مشمول مجازات اعدام می‌شوند. لذا در حال حاضر حذف این جزای هولناک از قاموس انسانی مطلوب‌تر است. (۱۱)

۸ - ارتکاب قتل نفس غالباً ناشی از ظهور عواطف و انگیزش‌های بعنتی در آدمی است و قاتل کمتر فرصت دارد که از پیش به بررسی عمل سوء ارتکابی خویش پردازد. لذا مجازات اعدام نقشی در بازداری در مفهوم عام ندارد.

۹ - برخی از نفووس ضعیفه که قصد فرار از زندگی و تصمیم به خود کشی دارند ولنکن فاقد جرأت کافی برای ارتکاب آن اند عمدتاً مرتكب قتل می‌شوند تا اعدام گردند. در اینجا باز داری در مفهوم عام فاقد هرگونه نیروی مؤثر بازدارنده است. (۱۲)

برخی از اهم متون چرم شناسی که در سه دهه اخیر در زمینه لزوم الغاء مجازات اعدام و بعلت فقد قطعی اثر باز دارنده در مفهوم عام) در آمریکای شمالی انتشار یافته عبارتست از

آثار SELLIN سلین

FATTAH (۱۹۸۰، ۱۹۶۲، ۱۹۶۱) فتاح

BOWERS (۱۹۷۴) بوئرز (۱۹۷۲، ۱۹۸۱، ۱۹۸۵)

BEDAU (۱۹۷۶) بدبو و همکاران

SCHWED BLACK (۱۹۸۱) شوئد (۱۹۸۳) بوئرز

BOWERS (۱۹۸۴) از میان

مولفان مذکور آثار SELLIN و فتاح

FATTAH بیش از همه در نظریات چرم شناسان

آمریکای شمالی که طرفدار الغاء مجازات اعدام

اند (ABOLITIONIST) اثر گذارده است و

غالباً در پژوهش‌های خود به تحقیقات دو چرم

شناس نامبرده استناد می‌نمایند. پروفسور

تورستن سلین THORSTEN SELLIN (متولد

رساتر اثر اعمال مجازات در آن دسته از اعضاء جامعه است که ظاهراً مجرم شناخته نمی‌شوند ولکن ظرف جنائی آنان رو بانباشتگی است و یا قصد طغیان علیه هنجارها و ضوابط اجتماعی دارند و خیال ارتکاب جرم در دل می‌پرورند. بدیهی است که مجازات اعدام موجب بازداری در مفهوم خاص است. جدال و اختلاف نظر جرم ناشناسان در باب اثر باز دارنده اعمال مجازات در مفهوم عام است. جرم شناسائی که به اثر باز دارنده قطعی و حتمی مجازات اعدام در مفهوم عام عقیده ندارند و چنین جزائی را خلاف شئون انسانی دانسته و طرفدار لغو آنند (ABOLITIONIST) می‌گویند که :

۱ - مجازات اعدام جزائی ظالمانه است. زیرا کیفر عمل ارتکابی انسان ولو قتل نفس باشد محرومیت از موهبت حیات نیست. آدمی قابل تغییر است و چون تحت قوان بخشی TREATMENT و درمان REHABILITATION گیرد بکلی تقليیب می‌شود. اعمال مجازات اعدام این امکان را از آدمی سلب می‌نماید.

۲ - انتظار قاتل در مدتی کوتاه یا طولانی برای انجام مراسم محاکمه که منجر به اعمال حکم اعدام می‌شود از لحاظ روانی طاقت فرساست. تحمیل این پویش و نیز رنج جسمانی ناشی از اجراء حکم مجازات اعدام خلاف رحم و مباین اصول مسلمه اخلاق انسانی است. (۹)

۳ - اعمال مجازات اعدام میزان احترام آدمیان را نسبت به حق حیات کاهش می‌دهد.

۴ - مجازات اعدام تنها به احراق حق مجندی علیه ناظر است و حقی بجهت طرف دیگراین کنش متقابل اجتماعی SOCIAL INTERACTION که خود قربانی عوامل نامطلوب اجتماعی است قائل نیست.

۵ - مجازات اعدام به ما می‌آموزد که قتل نفوosi که به حق حیات ما تجاوز می‌کنند حل است. لذا پیام مجازات اعدام باز داری نبوده بل انتقام است. (۱۰)

نژدیک با وی آشناست و چند سال در دانشکده مذکور با نامبرده همکار بوده از مشهورترین چهره های ABOLITIONIST (مخالف اعمال مجازات اعدام) آمریکای شمالی است. فتاح در آثار خود و از جمله "مطالعه اثر بازدارنده مجازات اعدام با اشاره به وضعیت کشور کانادا

A STUDY OF THE DETERRENT EFFECT OF CAPITAL PUNISHMENT WITH PARTICULAR REFERENCE TO THE CANADIAN SITUATION

محکومیت به اعدام . مشکل موجود SENTENCING TO DEATH:

THE INHERENT PROBLEM (1980) آیا مجازات اعدام باز دارنده ای بی نظیر است؟ بررسی مجدد بی طرفانه مدارک قدیم و جدید در این خصوص IS CAPITAL PUNISHMENT A UNIQUE DETERRENT?

A DISPATONATE REVIEW OF OLD AND NEW EVIDENCE.

"مکانیزم های پیشگیرنده مجازات اعدام THE PREVENTIVE MECHANISMS OF THE DEATH PENALTY:

ماجرا را فاقد اثر کلی بازدارنده در مفهوم عام می خواند. فتاح در پژوهش های خویش غالباً به تحقیقات سلین استناد کرده است. در پژوهش ما قبل اخیر (آیا مجازات اعدام بازدارنده ای بی نظیر است؟) پس از استناد به پژوهش های سلین، از تحقیقات چمبلیس CHAMBLISS (1966) و باربر و ویلسون BARBER AND WILSON (1968) و چند تحقیق دیگر نیز مدد گرفته و استنتاج کرده است که اعمال مجازات اعدام بطور کلی عامل باز دارنده قطعی در مفهوم عام نیست. عقاید سلین، فتاح و تنی چند از جرم شناسان کانادائی در شئون جزائی آن کشور تأثیر نمود و سر انجام در بیست و ششم جولای ۱۹۷۶ مجازات اعدام رسماً در کشور مذکور ملغی گردید. حوادث خونین و جانگذاری که پس از

۱۸۹۵ میلادی) در آثار خود و از جمله مجازات اعدام در ارتباط با بازداری از ارتکاب جرم و امنیت افراد پلیس (۱۹۶۲). "مجازات اعدام THE DEATH PENALTY RELATIVE TO DETERRENCE AND POLICE SAFETY" مورد قتل نفس در زندانها

THE PRISON HOMICIDES

"مجازات مرگ ۱۹۸۰ با استناد به آمارهای موجود بدین نتیجه می رسد که اعمال مجازات اعدام اثر قطعی در باز داری از ارتکاب جرم در مفهوم عام ندارد سلین برای نمونه آمار ارتکاب قتل نفس را در فاصله سالهای ۶۳ - ۱۹۲۰ در ایالتی از آمریکا مجازات اعدام در آنها که لغو گشته با آمار ایالتی که حکم اعدام هنوز در آنها اجراء می شده مطالعه و مقایسه نموده و نتیجه گرفته است که جزر و مد و نوسان تعداد قتلها در ایالات مذکور تقریباً مشابه بوده و ابقاء حکم مجازات اعدام در کاهش میزان قتل نفس و بازداری اعضاء جامعه از ارتکاب آن تاثیر قطعی و روشن و صریحی نداشته است. (۱۳) سلین همچنین بر اساس آمارهای موجود پژوهش وسیعی در باب میزان قتل ماموران پلیس در فاصله سالهای ۵۴ - ۱۹۱۹ در یکصد و هشتاد و سه شهر از یازده ایالت RETENTIONIST (موافق و واجد مجازات اعدام) و هشتاد و دو شهر در شش ایالت ABOLITIONIST (مخالف و فاقد مجازات اعدام) در کشور آمریکا کرده و نتیجه گرفته است که این میزان بترتیب ۱/۳ و ۱/۲ (در هر یکصد هزار نفر جمعیت) بوده است. استنتاج نهائی سلین اینست که اعمال مجازات اعدام بطور کلی در باز داری از قتل نفس در مفهوم عام تأثیر عمیقی ندارد. (۱۴) پروفسور عزت فتاح EZZAT FATTAH متولد ۱۹۲۹ میلادی) جرم شناس معروف کانادائی و استاد دانشکده جرم شناسی دانشگاه سایمن فریزر SIMON FRASER که نگارنده سطور از

تنی چند از جرم شناسان از گزارش های سالیانه FBI'S ANNUAL UNIFORM CRIME REPORTS ایالات متحده آمریکا مدد کرفته و باثبتات این نظر پرداخته اند. جک گیبز JACK GIBBS با مطالعه آمار قتل عمد در چهل و هشت ایالت از ایالات متحده آمریکا مستند به گزارش سالیانه در سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ استنتاج کرده است که هر چه CERTAINTY شدت SEVERITY و قطعیت مجازات بیشتر باشد نقش بازداری آن افزایش می یابد. (۲۰)

گری GREY و مارتن MARTIN (۱۹۶۹) نیز با استفاده از همان منابع و کاربرد روش های تحقیقی خویش استنتاج مشابهی کرده اند. (۲۱) نگارنده سطور پر اساس آمار جنائی دفتر آمار دومینی恩 DOMINION BUREAU OF STATISTICS کانادا پژوهشی در باب افزایش میزان ارتکاب قتل عمد در آن کشور پس از آغاز دوران MORATORIUM (دوران تعویق و تعليق مجازات اعدام بمنظور بررسی نتائج آن) تا سال ۱۹۷۰ نموده و باین نتیجه رسیده که میزان مذکور در سال ۱۹۶۶ (در هر صد هزار نفر جمعیت) حدود $\frac{1}{3}$ و در سال ۱۹۷۰ (در هر صد هزار نفر جمعیت) حدود $\frac{2}{3}$ بوده است. باید توجه داشت که پس از احتساب میزان افزایش جمعیت کانادا در این مدت افزایش میزان کلی جرائم قتل عمد حدود سی تا سی و پنج درصد بوده است. بهر حال نتایج این پژوهش نیز موید نظر گیبز، گری، مارتن (۱۹۷۸) است. پژوهش های ولپین WOLPIN (۱۹۷۸) لی سن LAYSON (۱۹۸۲ - ۱۹۸۵) (۲۲) نیز حاکی است که هرچه قطعیت اعمال مجازات در خصوص قتل عمد بیشتر باشد نقش باز دارای آن در مفهوم عام افزایش می یابد. از میان پژوهش های طرفدار اعمال مجازات اعدام در آمریکای شمالی پژوهش ایساک ارلیک ISAAC EHRLICH (۱۹۷۵) از همه معروفتر

الغاء مجازات اعدام در کانادا رخ داد اکثریت مردم کشور را معتقد بابقاء مجازات اعدام کرد. قاپستان خونین سال ۱۹۸۴ که شاهد قتل شش افسر پلیس ظرف تنها شش هفته بود زنگ خطر را در تمام ایالات کشور کانادا بصدای آورد. امروزه موضوع اعاده مجازات اعدام برای قاتل عامد از داغ ترین موضوعات مطرحه در کتب جرم شناسی و نشریات عمومی در کشور مذکور است. گزارش کالوب GALLUP در سال ۱۹۷۹ حاکی است که ۶۸ درصد مردم کانادا با اعاده مجازات اعدام برای قاتلان عامد موافق بوده اند. این رقم در سال ۱۹۸۱ به ۷۳ درصد افزایش یافته است. (۱۵) همچنین باستناد گزارش کالوب در سالهای ۸۶ - ۱۹۸۵ بعلت لغو مجازات اعدام در غالب ایالات کشور آمریکا و افزایش میزان جرائم از نوع قتل عمد هفتاد درصد مردم ایالات متحده با اعاده مجازات اعدام در مورد قتل عمد موافق بوده اند. (۱۶) اگرچه عقاید عامه نمی تواند مبنای استوار برای صحت علمی عقیدتی باشد ولکن در این مورد بخصوص کویای و خامت ناشی از افزایش جرائم مخصوص در آمریکای شمالی است.

چنانکه از پیش مذکور آمد بتصریح قلم اعلى اعمال مجازات سبب بازداری اعضاء طاغی جامعه از ارتکاب جرم است. پژوهش های متعدده جرم شناسان حاکی از آنست که اعمال مجازات اصولا بازدارنده است. سلیم S L و بوئر LOGAN (۱۷) تیتل TITTLE و لوگان BOWERS (۱۸) و تولاک TULLOCK (۱۹) از جمله در تحقیقات خود بخوبی نشان داده اند که اعمال مجازات چگونه موجب بازداری در مفهوم عام است. این پژوهشگران بیشتر بر تاثیر قطعیت و حتمیت اجراء مجازات تاکید می ورزند. همچنین پژوهش های بسیاری از جرم شناسان آمریکای شمالی بر خلاف نظر سلیم و فتاح نشان می دهد که مجازات اعدام در باب قاتلان عمد موجب بازداری در مفهوم عام است. از جمله

با توجه به آنچه مذکور آمد و استمداد از نصوص مقدسه الهیه و دهها پژوهش جرم شناسی:

۱ - مجازات اعدام برای ارتکاب قتل و حرق عمد در موارد مخصوصه جزائی عادلانه است. (۲۶) جزای شخصی جانی که با فناخت قساوت بقتل نفوس متعدده مبادرت می نماید و یا مجرمی که عمدتاً مدرسه ای را با یکصد دانش آموز خردسال معصوم می سوزاند چیست؟ اگر جامعه با مجرمان خطرناک مماشات نماید اعضاء آن شخصاً برای تحقق عدالت اجتماعی بغضغواهی قیام خواهند نمود. آن وقت نظام جامعه دستخوش پریشانی و اغراض ناشی از انتقام می گردد. قارئین ارجمند اجازه فرمایند در این خصوص به یک نمونه از میان صدھا اشاره شود مجازات اعدام در سال ۱۹۱۷ در ایالت میسوری آمریکا الغاء گردید. در سال ۱۹۱۹ شخصی از زندان گریخت و کلائر شهر و پسرش را مقتول نمود. قاتل زندانی شد ولی چون مجازات اعدام در آن ایالت ملغی بود مردم خشمگین به زندان هجوم برد و قاتل را تکه نمودند. اندکی بعد مجازات اعدام در آن ایالت مجدداً برقرار گشت و میزان ارتکاب قتل عمد کاهش یافت. (۲۷) با عرض پوزش از شما سوال می کنم با برخی از قاتلن عامد که به زندان ابد محکوم گشته اند و باز در زندان مرتكب قتل عمد می شوند و دائماً در اندیشه قتل ماموران زندان و یا سایر زندانیان اند چه باید کرد؟ این قبیل مجرمان حتی گاه به منسوبان و بازدید کنندگان خود نیز رحم نمی کنند سلوی انفرادی برای برخی از این قاتلن بی ثمر است. اقدامات تامین شدید غیر انسانی نیز میسر نیست و در روحیه سایر زندانیان اثر ژرف نامطلوبی خواهد گذاشت . در این قبیل موارد چه باید کرد؟ پاسخ پرسش نگارنده در استدلات مخالفان مجازات اعدام یافت نمی شود.

است. ارلیک در پژوهش "اثر بازدارنده مجازات اعدام: موضوع مرگ و زندگی" (۲۴)

با استفاده از مدل اقتصاد سنجی ECONOMETRIC MODEL مطالعه دقیق آمارهای جنائی سالهای ۶۹ - ۱۹۳۳ ایالات متحده آمریکا باین نتیجه رسید که اجراء مجازات اعدام در مورد قاتلان عمد قطعاً موجب بازداری در مفهوم عام و نیز مانع تکرار جرم RECIDIVISM است. ارلیک همچنین استنتاج نمود که هر مورد اجراء مجازات اعدام از لحاظ باز داری در فاصله سالهای ۶۷ - ۱۹۳۳ بقریب جان هشت قربانی احتمالی قتل عمد را رهائی پخشیده است. نتائج پژوهش ارلیک اثر ژرفی بر تحقیقات جرم شناسان جوان طرفدار اعمال مجازات اعدام (در باب قتل عمد) در آمریکای شمالی نهاده است.

بر پژوهش های یاد شده باید ضم شود پژوهش اخیر دیوید مری من DAVID MERRIAM (۱۹۸۸) در خصوص قتل عمد و موضوع بازداری مجازات اعدام در نظام جزای کشور ژاپن. (۲۵) مری من با بررسی آمارهای جنائی سالهای ۸۲ - ۱۹۵۷ کشور ژاپن باین نتیجه رسیده که کاهش شدت و قطعیت اعمال مجازات اعدام سبب افزایش میزان قتل عمد گشته است. مری من پس از اعلام نتائج پژوهش خوبیش اظهار می دارد هنگامی که تناسب غیر مستقیم این کاهش و افزایش در کشور ژاپن که مردمش در اطاعت از قانون ضرب المثل اند مشهود است تسلیم این اصل در دیگر کشورهای جهان در کمال بداهت است. بنظر نگارنده این سطور تعمیم و استدلال مری من پایه کاملاً منطقی دارد و باید دقیقاً مورد توجه قرار گیرد. علت انتخاب پژوهش مذکور نیز از میان دهها پژوهش دیگر وسیله نگارنده سطور همین بداهت و صحت تعمیم و استدلال مری من است.

شرح مختصر درباره متصاعد ارائه روح لّه بکشتر

شد و شنونده را به اهتزاز می‌آورد، گفته اش روح داشت، احساس داشت و هرچه میگفت در دل اثر میگذاشت. از همین سروده اش می‌توانیم بفهمیم که چه شور و احساس و رقت قلبی داشته است. شاید تمام اشعاری را که در تمام عمر سروده از صد بیت تجاوز نکند ولی آنچه گفته از دلش برآمده و بر دل اثر میگذارد. شهید مجید حبیب اوجی را بیاد می‌آوریم که آدمی اُمّی و بی سواد بود ولی قلبش مالامال از عشق و حُبِّ جمال قدم . هرچه میسرود زبان روحش بود نه جسمش، یک پارچه احساس بود. این عبد بمناسبت عضویت در محفل روحانی شیراز با آن شاعر بزرگوار سر و کار داشتم و دیر جمیع امور عالمی دیگر را سیر میدارمود علی الظاهر در بین دوستان بود ولی روحش در ملکوت الهی باین مناسبت بود که آنچه میگفت زبان جسمش نبود زبان روحش بود بقول ملک الشعراًی بهار اعلی الله مقامه:

شعر دانی چیست مرواریدی از دریای عشق
شاعر آن افسونگری کاین طرفه مروارید سُفت
صنعت سجع و قوافی نیست نظم و نیست شعر
ای بسا ناظم که نظمش نیست الْحَرْفُ مُفت
شعر آن باشد که خیزد از دل و جوشد زلب
باز در دلها نشیند هر کجا گوشی شُفت
ای بسا شاعر که او در عمر خود نظمی نساخت
ای بسا ناظم که او در عمر خود شعری نگفت

چند روز پیش فرصتی پیدا کردم تا ورق پاره های گذشته را مطالعه کنم در لابدی اوراق قدیم چشمم به شعر زیبائی افتاد که تا مدتی فکرم را مشغول داشت که گوینده این اشعار کیست و از کجا بدستم رسیده. دفعتاً متوجه شدم که آنها سرودهٔ مرحوم روح الله بهشتی اعلی الله مقامه است که بواسطه حسن ظنی که باین عبد داشت مرحمت فرموده بود که بخوانم و احیاناً اگر فطر اصلاحی داشته باشم بعرضش برسانم. فی الحق و الواقع دریغم آمد که آن سرودهٔ زیبا که در رثای شهدای سبعه یزد روحی لدمهم المطهر فدا گفته شده است بعض احبابی الهی نرسد و بهائیان ادب دوست و ادب پرور از مطالعه آن محروم باشند.

آنها ئی که روح الله بهشتی را می‌شناخند میدانند که او تحصیلات عالیه ادبی نداشت نه دانشکدهٔ ادبیات را دیده بود و نه در حضور اساتید ادب تلمذ نموده بود و نه عروض میدانست و نه معانی و بیان خوانده بود و نه میدانست بحور مختلفه شعر از چه مقوله است در وجود او در قلب پاک و نورانی او نوری متجلی بود که دمدمه الفاظ و همهمه گفتار در آن راه نداشت. او عاشق بود ، عاشقی شوریده و دلداده حضرت بهاء الله و دارای احساساتی رقیق، بی آلایش و روحانی، ندائی درونی و علل ناشی از معنویت و عرفان وجودانش را بیدار کرده بود. مطعم نظرش خدمت بامرالهی بود و غایت آمالش عبودیت در حضور دوستان، اصطلاحی داشت و در وقت دعا میگفت "یا بهاء الله ایرانی" و اشکش جاری می-

شعر از جناب روح للدّهشتی

در در ششمین بُعْدِ زید

زین تخالف در نفوس و زین تعارض در بشر
آن دگر گردد بدل ، چالشگر کردار شر
از چه رو انسان شود پامال مشتی جانور
در میان عده ای خونخوار و قومی بی خبر
آن دگر خواهد که اندازد ببای دوست سر
تا درخت امر یزدان را بود از او ثمر
اینچنین مردان شیراوژن نبوده در سیر
خواهد او جان را فدا تا جان او نبود هدر
امر حق گردد زخون این شهیدان مشتهر
گویم احوالی پغا یت ساده و بس مختصر
سابع بحر قضا و سالک راه قدر
بپرق نصر من الله رایت فتح وظفر
آنکه چون پروانه گردشمع جانان سوت خ پر
جان بجانان داد و کرد از غیر او صرف نظر
داشت دل چون آئینه روی منیری چون قمر
قادص کوی وفا شد از شهادت مفتخر
تا ایاز آسا شود کوی وفا را راهبر
من چگویم از علی آن مظہر فضل و هنر
بود چون نوری بنار عشق جانان شعله ور

بس شگفتی ها زند بر جان و دل من را شر
این یکی گردد بجان ، سوداگر اعمال خیر
از چه رو باید نکو باشد اسیر زشت رو
کیستند این عاشقان مست در میدان عشق
این یکی بر دست قاتل میزند بوس از شعف
خواهد از مولای خود تا خون او سازد قبول
این چنین عشاقد جان بر کف ندیده آسمان
خواهد این جان رایگان بر دست عمال جفا
خود چه میدانند این جهآل معروف بعلم
خواهم از جانبازی مردان میدان وفا
هفت تن یاران همدم در کف اعداء اسیر
هربیکی بر کف گرفته بر صف جند هدی
خود چه گویم از جلال بی مثال بی نظیر
یا چه گویم من ز نور الله کاو در راه عشق
تا فریدون کرد قصد کوی جانان با سور
پس عزیزالله ز احفاد شهیدان قدیم
بود سودای فدا گشتن بسر محمود را
من چه گویم از علی آن جوهر صدق و صفا
از وفای کاظمی آن پیر روشنیل مپرس

وصف جانبازی اینان شد بعالم بی مثال
داستان عشقشان زد بر همه عالم شر



جربان تشکیل سه انجمن شور روحانی ملی رومانی، روسیه و چکسلواکی

می نمائیم و از آنجا که هنوز گزارشی از تفصیل انجمن شور روحانی جزیره لی وارد غربی به عندليب نرسیده لذا درج اخبار خوش آن شطر موكول بوصول آن در آینده است.

بدینوسیله از سرکار خانم ویولت نخجانی و سرکار خانم ایران مهاجر و خانم زینوس ویکتوری علیهن بهاء الله الابهی که در تهیه و ارسال فوری عکس‌های مربوطه به انجمنهای رومانی و روسیه عندليب را ياری فرموده اند بینهایت سپاسگزاریم.

با تقدیم تحیات بهائی
هیئت تحریریه عندليب

بتائید الهی و در ظل هدایت معهد اعلی به میمنت و مبارکی در عید اعظم رضوان سال جاری با انعقاد چهار انجمن شور روحانی و انتخاب چهار محفل مقدس روحانی ملی تعداد اعمده بیت العدل اعظم الهی بالغ بر ۱۵۵ گردید. این بشارت فرح انگیز روح افزا در پیام منیع رضوان ۱۴۸ بدیع و قبل از آن در پیام مورخه ۲۰ فوریه ۱۹۹۱ معهد اعلی باطلاع یاران الهی در سراسر جهان رسیده حال برای مسرت خاطر دوستان و مزید اطلاع آنان جربان تشکیل سه انجمن شور روحانی ملی رومانی، روسیه و چکسلواکی را با عکس‌های مربوطه که توسط سرکار خانم پوراندخت بقائی تنظیم و تهیه گردیده چاپ

۱- کشور رومانی



برخوردار است. امسال نیز بافتخار دیگری نائل شد و آن شرکت ایادی محترم امرالله امة البهاء

روماني بعلت ايمان ملکه نیک اختر آن خطه بحضورت بهاء الله در تاريخ بهائي از اهميّت خاص

روحیه خانم حرم مبارک حضرت ولی محبوب اهل بهاء پس از گذشت سالیانی دراز به جبران حرمان، روح پر فتوح آن ملکه عالیقدر را در عالم بقا بازتر دسته گلی بر مرقدش شاد نمودند.



امة البهاء، روحیه خانم بر سر آرامگاه ملکه ماری

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق ...
از مطالب شنیدنی آنکه اداره ملی تلویزیون رومانی از اکثر برنامه های چند روزه کانونشن خصوصاً جلسات مشاورات فیلمبرداری نموده و این فیلمها را بانضمام مصاحبه ای با حضرت امة البهاء، روحیه خانم و مصاحباتی با بعضی از مهمنان بعنوان یک برنامه مستند به مدت ۴۰ دقیقه در پروگرام "ادیان" نشان دادند که تقریباً ۲ میلیون بیننده داشته است. مدت سفر امة البهاء، روحیه خانم در رومانی ۵ پنج هفته بطول انجامید.

روحیه خانم علیها بهاء الله الابهی بنمایندگی مرجع کل بیت العدل اعظم الهی در انجمن شور روحانی ملی آن کشور بود. در این سفر پربرکت سرکار خانم ویولت نخجوانی نیز در معیت ایشان به بخارست وارد شدند. انجمن شور روحانی ملی رومانی با شرکت جناب فریدون خضرائی فارس میدان بهاء الله و مشاور محترم قاره‌ای جناب سهراب یوسفیان و نماینده محفل ملی آلمان جناب فریتز کلوبر FRITZ KLUBER در کشوری که سال گذشته بیش از ۵۰ بهائی نداشت و امروز از مرز ۱۰۰۰ گذشته تشکیل گردید.

در آغاز پروگرام انجمن امة البهاء روحیه خانم با قرائت پیام معهد اعلی و ایراد نطقی تشویق آمیز شوری در دلها افکنده و انجمن را برای مشاورات لازمه آماده فرمودند. جلسات مشورتی انجمن با شرکت ۳۵ نفر نماینده از ۳۸ نماینده منتخب که در میان آنها ۲ نفر از اقلیت کولیها و یکنفر از مکیار بود در نهایت روح و ریحان شروع بکار نمود. در انجمن اعلام نمودند که ظرف چند روز اخیر ۴۴ نفر با مر مبارک ایمان آورده اند. امة البهاء روحیه خانم علاوه بر مصاحبه ای با شهردار بخارست با ارباب جراید و تلویزیون نیز مصاحباتی داشتند که از نظر اعلان عمومی امر مبارک و ابلاغ کلمه الله نهایت اهمیت را داشت و همچنین معزّی البهاء پس از اتمام کانونشن بهمراهی اعضاء محفل ملی جدید التأسیس رومانی و جناب یوسفیان و عده ای از احباب از مرقد منور ملکه ماری دیدن نمودند و دسته گلی بر مرقد آن ملکه خوش خصال نهادند . جالب توجه آنکه ملکه مزبور در زمان حیات بقصد زیارت اماکن مقدسه مسیحی بارض موعود وارد و در اسکله حیفا به نیت و شوق زیارت اعتاب مقدسه بهائی و دیدار حضرت ولی محبوب امرالله پیاده شد ولکن خواسته مشاریبه بجهاتی که بیانش خارج از این گفتار است تحقق نیافت حال امة البهاء

۲ - روسیه

(«شرکت کنندگان دارالین کانون کاونشن روستیر با حضور امیرالله جناب فروتن»)



چشمان خود شاهد این شکوه و جلال روحانی هستم. شب همانروز جلسه عمومی و پذیرائی مفصلی بامیزبانی محفل ملی آلمان در محیط دوستانه برگزار شد و سرکار خاتم عهدیه هنرمند معروف به مراغی پرسشان برنامه جالبی اجرا کردند.

در یکی از برنامها جناب فروتن راجع به تربیت کودکان بزبان روسی بیاناتی ایراد نمودند. این برنامه و برنامه شب چشم از طرف تلویزیون ملی ضبط و نمایش داده شد.

۳ - سورجسلوانی

ایادی عزیز امیرالله جناب دکتر علی محمد ورقا نماینده محترم معهد اعلیٰ باتفاق صبیه شان

اولین کانوشن در تاریخ ۲۶ اپریل ۱۹۹۱ با حضور ایادی عزیز امیرالله جناب علی اکبر فروتن نماینده محترم بیت العدل اعظم و سه نفر از مشاورین قاره ای و سرکار خاتم ایران مهاجر و منشی محفل ملی آلمان و با شرکت ۲۶ نفر از احباء از نقاط مختلف در مسکو تشکیل گردید. در افتتاح جلسه ایادی امیرالله جناب فروتن پیام بیت العدل اعظم را به زبان روسی قرائت فرمودند و سپس برنامه های موزیک توسط ویلونچلیست روسی LEV YEVGRAFOR که تحسین همگان را بر انگیخت. جلسه سور و مشورت با حضور نماینده کان شرکت کننده آغاز گردید و بعد از ظهر همانروز انتخابات محفل ملی پس از نطق حضرت ایادی انجام شد. ایشان خاطر نشان ساختند که باور کردند نیست پس از ۰۶ سال دوری از خاک روسیه اکنون با



(شرکت گندگان در اولین کانونش می چکسلوکی با حضور ایادی امرالله جناب دکتر علیمحمد ورقا)

را داشت در نهایت سادگی و جلال با گل و شمایل مبارک حضرت عبدالبهاء و تابلوی یا بهلا بهی مزین شده بود. جلسه شور با شرکت ۱۱۰ نفر از ۱۳ مملکت تشکیل یافت و با تلotaت مناجات آغاز بکار نمود.

نماینده محترم محفل مقدس ملی اطربیش جناب کامبیز پوستجی ابتدا ضمن بیان خیر مقدم به نماینده محترم معهد اعلی و مهمانان اظهار داشت که چند ماه پیش در یک جلسه مشاوره فکر میکردیم که آیا میتوانیم اولین محفل روحانی محلی را در پراک تشکیل دهیم؟ حال پس از گذشت چند ماه برای انتخاب اولین محفل روحانی ملی با حضور نماینده محترم بیت العدل اعظم جناب دکتر ورقا و مشاور قاره ای اروپا E. MUHLSCHLEGEL خانم الیزابت موشلیک و نماینده شورای بهائی جوانان اروپا خانم نادی هوفمن HOFFMAN N. که در سال

سرکار خانم نادیا مجذوب و اینجانب "پوران بقائی" بکشوری که بربطیق بیان امة البها، روحیه خانم بقدوم مبارک حضرت ولی محبوب امرالله قبل از جنگ بین الملل جهانی سه بار مزین شده روز بیست و ششم آپریل وارد شدیم.

عدّهای از احباب انتظار دیدار ایادی امرالله نماینده محترم معهد اعلی را داشتند پس از آنکه امور گمرکی انجام پذیرفت و ایادی عزیز بسالن وارد شدند احباب با دسته های گل رُز الله ابهی گویان شادان و خندان بطرف ایادی آمدند. جناب دکتر ورقا آنان را در آغوش گرفته و پس از مراسم معارفه یکی از احباب مهاجر (امریکائی) بعد از بیان خیر مقدم و شادباش احباب را با عطر و گلاب قمصر کاشان معطر نمود.

صبح روز بعد در سالنی که گنجایش ۱۲۰ نفر

بود از چندین مملکت که با محبتی بینظیر و اتحادی کامل در روی صحنه آمدند. "چهار نفر از چکسلواکی دو نفر ایرانی، یک نفر دانمارکی، یک سرخ پوست امریکائی و یک نفر از استرالیا". مسلم است که فقط نفوذ کلمته الله میتواند قلوب را این چنین بهم مرقط سازد. از دختر خانمی که در نهایت شادمانی و جدیت بخدمت احباباً مشغول بود پرسیدم کی بهائی شدی؟ جواب داد دو روز است.

پس از اتمام کنفرانس باتفاق حضرت ایادی بطرف وین حرکت کردیم و در آنجا جلسه ای بس روحانی با حضور دو ایادی عزیز امرالله جنابان علی اکبر فروتن و دکتر علی محمد ورقا و عده ای از احباباً منعقد گردید که از هر حیث جالب و آموزنده بود.

گذشته برای برنامه های تبلیغی و تهیه پرگرام کانونشن زحمت بسیار کشیده بدور هم جمع شده ایم و پس از خواندن پیام محفل ملی اطربیش از نماینده محترم معهد اعلی تقاضا نمود که پیام منیع بیت العدل اعظم را قرائت بفرمایند. ایادی امرالله جناب دکتر ورقا ضمن ایاز خوشوقتی از دیدار احبابی چکسلواکی گفتند حقیقتاً لغتی پیدا نمیکنم که سورر زایدالوصف خود را از این روز تاریخی بیان کنم و بعد پیام منیع بیت العدل اعظم را خطاب به احبابی چکسلواکی قرائت کردند. در مدت انتخاب اعضای محفل ملی دوستان الی در سالن مجاور به تلاوت آیات و الواح مشغول بودند. از نکات شنیدنی و جالب توجه اعلن اسامی اعضای منتخب محفل مقدس روحانی ملی بود زیرا تلقیقی

خَنْدَهْ كُلْ

(از شیخ مجید اوجی)

خنده زد چون غنچه خورشید فلک برخنده گل
لادن و نرگس شدنداز رشك خواهرخوانده گل
تا صبا زد بوسه ای بر چهره رخشنده گل
جامه ارزنده ای بر پیکر فرخنده گل
نقش هستی را رقم برصورت زیبنده گل
آنکه بود از توده غبراء برون آرنده گل
در جهان مکتوم ماندی تا ابد پرونده گل
کرد عالم را کنون با یک نگه آکنده گل
خلق فرمود از کلامش هیئتی پاینده گل
بلبلاتی تا شووند اندر جهان گوینده گل
هور آمد در قصور و ماہ شد شرمنده گل
کز نگ هرخار گردد چشم دل بیننده گل
آنکه از نامش بعالم ماند نام زنده گل
چهره گل تابنده شد امروز تا بنده گل
آری آری دست هر گلچین بود سازنده گل
تا شود بر تارک خلق جهان پاشنده گل
عطر گل پاشد به عالم از کف بخشنده گل

نابتا بکشای چشم دل بگلزار ولایت
تا شوی از همت گل بیننده گل

باز پیدا شد بگلشن موكب فرخنده گل
باز دخت بکر گلشن رهبر باد صباشد
چاک زد بر تن عروس غنچه پیراهن زشادی
دست خیاط بهاری دوخت با چرخ طبیعت
آفرین برکلک نقاشی که زد با دست قدرت
خود نمائی کرد در مرآت ذات کبریائی
آنکه از کتم عدم تا در گلستان جلوه گرشد
آنکه در هر لحظه با مشکل به عالم جلوه گرشد
آنکه ادوار و عوالم ها بُدی خلق کلامش
کرد مبعوث از میان پیروان اسم اعظم
هیئت سلطان گل تا پرده از صورت عقب زد
از دل هر ذرّه آیات الوهیت عیان شد
پریها شد عالم از انوار بیت العدل اعظم
بنده او را سزد امروز دعوی خدائی
دست تشکیلات گردانید دسته گل تقدیم عالم
کشت ظاهر مرجع معصومی از گلزار وحدت
جای دارد گر گلستان بهر ایثار قدومش

پیش‌رفت امرالله در آمریکای شمالی

«از جناب دکتر عزت الله راسخ»

بوده و صدمات جانی نداده است اما در هر حال و در تحت هر شرایطی یکصد و چهل و هشت سال است که کاپوسها، آرامش را از خواب یاران مهد امرالله حتی پس از گذشت چندین سال زندگی در کشورهای خارج از مهد امرالله گرفته است. باین صورت حرجی نیست اگر مشاهده شود بعلت این در خود فرو رفتگی غیر از آنانکه با اصل انگلیسی یا ترجمه‌های فارسی پیام‌های حضرت ولی امرالله بقاره آمریکای شمالی آشنائی دارند توجهی عمیق به اهمیت مقام و خدمات برادران و خواهران روحانی بینگه دنیائی خود نکرده‌اند. حال که مشیت حی قدری و سرنوشت بر آن تعلق گرفته که یاران عزیز ایرانی در قاره آمریکای شمالی مستقر شده‌اند دوش بدش در کنار هم برای اعلام امرالله و اجرای نقشه منیعه شش ساله مجهد اعلیٰ که خاتمه آن کنفرانس تاریخی صدمین سال صعود جمال اقدس ابیه که در مدینه میثاق (نیویورک) می‌باشد بروند، سعی و اهتمام مبذول داریم و اقدامات احباء آمریکای شمالی در خدمات امریه با مطالعه آثار منیعه حضرت ولی امرالله را بشناسیم.

مقام یاران قاره آمریکای شمالی.

در ابتداء متذکر شویم که وقتی صحبت از احباء آمریکا میکنیم منظور حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله ممالک متحده آمریکا و کانادا میباشد که بصورت مشترک مخاطب گردیده اند و این دو کشور تا بعد از خاتمه جنگ دوم جهانی محفل ملی روحانی مشترکاً داشتند. در پیام ۵ جون ۱۹۴۷ (۲) حضرت ولی امرالله دستورهای مجزائی برای محافل ملی دو کشور کانادا و ممالک متحده آمریکا صادر میکنند.

حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله احبابی

با بزرگداشت جشن‌های صد ساله سنه تسع که از اکتبر ۱۹۵۲ شروع و در جریان آن چهار کنفرانس تبلیغی بین القارات و افتتاح رسمی اولین مشرق الاذکار غرب در شیکاگو انجام شد احباء ایران از جانب حضرت ولی امرالله ماذون بمسافرت قاره آمریکای شمالی شدند. توضیح آنکه قبل از جنگ بین الملل دوم تعداد احباء و اماء الرحمن ایرانی در آمریکا انکشست شمار بودند و در اوخر جنگ دوم یک هیئت نه فری از جوانان ایران فقط اجازه مسافرت با امریکا بمنظور تحصیلات دانشگاهی کسب کردند. از تاریخ جشن‌های صد ساله سنه تسع بعد تعداد مسافرین ایرانی جهت سیاحت و کسب علوم و فنون دانشگاهی و یا توطن و امرار معاش در قاره آمریکای شمالی متدرجاً از دیاد پیدا کرد و در ۲۰ سال اخیر و علی‌الخصوص پس از انقلاب جمهوری اسلامی و قتل و غارت و حبس و شکنجه یاران ممتختن مهد امرالله تعداد قابل ملاحظه ای باین دو کشور کانادا و ممالک متحده روی آوردند و با استقرارشان در این دو کشور در فعالیت‌های جوامع امری سهیم گردیدند.

احباء مهد امرالله پس از بازگشت حضرت رب اعلیٰ از حجază به بوشهر و ندای جناب اسم الله الاصدق ملاصداق خراسانی در شیراز در اذان جمعه با ذکر "اشهد ان عليا قبل نبیل (محمد) عبد بقیه الله" از آن تاریخ تا بهامروز بصیوت انفرادی و گروهی مورد امتحانات شدیده متتابعه در تحت هر نوع رژیم حکومتی خواه پادشاهی و استبداد و یا مشروط سلطنتی در دوره قاجار و پهلوی بوده‌اند. امواج این بلیات کاه چنان طوفانی بوده که در یک سال بیش از پنجهزار نفر را در ایران بمیدان شهادت فرستاده است و گاه ملایم و زودگذر

هدایت ایشان باافق رسد و آوازه بزرگواریشان جهانگیر گردد".

در مورد کشور کانادا حضرت عبدالبهای این بیان صریح را میفرمایند "اقلیم کانادا مستقبلش بسیار عظیم است و حوادثش بینهاست جلیل مشمول نظر عنایت الهی خواهد گشت و مظہر الطاف سبحانیه خواهد شد" و در همان لوح تصریح میفرمایند "لهم دوباره نکاشته میشود که مستقبل کانادا بسیار عظیم است چه از حیث ملک و چه از حیث ملکوت" (۸) در کتاب ظهور عدل الهی حضرت ولی امرالله میفرمایند "یکانه حصن حصین و بازوی توانائی که هم اکنون رایت تسخیر ناپذیر آئین الهی را بر افراشته جامعه محیوب و ممتاز پیروان اسم اعظم در قاره آمریکای شمالی است" (۹)

در این منشور ظهور عدل الهی که در حقیقت طرح و اجرای برنامه هفت ساله اول است که از سال ۱۹۳۷ شروع و تا ۱۹۴۴ یعنی صدمین سال اعلان امر حضرت رب اعلی انعام دادند در تمام ایالات آمریکای شمالی و کانادا و حداقل یک مرکز در کشورهای آمریکای جنوبی و مرکزی، هسته امر کاشته شد. در همان پیام اجبا را حاضر برای جهش دوم یعنی فتح روحانی سایر کشورها کردند که با طرح و اجرای برنامه هفت ساله دوم از سال ۱۹۴۶ یعنی بعد از ختم جنگ جهانی دوم شروع شد. حضرت ولی امرالله مؤمنین و مؤمنات این قاره را محدود باین فتوحات روحانی نمیکنند و وظایف دیگری بآنها محول میکنند که شایسته است بآنها دقت کنیم: "نیز در مستقبل ایام... فرصت‌های متغیر و موقع مخصوصه دیگر که با اوضاع و احوال و خدمات و مجهودات سابقه بكلی متغیر و مقاوم است رخ خواهد کشود که نباید آنها را از خاطر دور داشت: از جمله فرصت‌های بدیعه انتخاب دیوان عدل اعظم الهی و استقرارش در ارض اقدس

آمریکا را به عناوین ذیل مفتر و تسمیه میفرمایند.

اول - حواریون حضرت بهاءالله. در فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء خطاب باحبائی قاره امریک آنانرا حواریون حضرت بهاءالله خطاب میکنند (۳)

دوم - اعقاب روحانی مطالع انوار عصر رسولی (۴)

سوم - بانیان مهد نظم اداری حضرت بهاءالله (۵)

حال چند شاهد از بیانات مبارک حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی در مورد یاران این دو کشور.

حضرت عبدالبهاء در مورد فتوحات گذشته و وعده پیشرفت‌های آینده این دو کشور چنین فرموده اند. "قطعه آمریک در قزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار" (۶) و در فرامین تبلیغی به آمریکا و کانادا مرقوم میدارند

"حال موقیت شما هنوز معلوم و مفهوم نکشته عنقریب خواهید دید که هر یک مانند ستاره های دُرّی درخششده در آن افق نور هدایت بخشیدید و سبب حیات ابدیه اهل امریک شدید" (۷)

و همچنین میفرماید "موقیت شما حال معلوم نه امیدوارم که بزودی موقیت شما زلزله در آفاق اندازد لهذا عبدالبهاء را آرزو چنان است که مثل خطه امریک در سایر قطعات عالم نیز موفق و مؤید شوید یعنی صیت امرالله را بشرق و غرب رسانید و در جمیع قطعات خسنه عالم بشارت بظهور ملکوت رب الجنود دهید" و در مقام دیگر "این نداء الهی چون از خطه امریک با روب و آسیا و افریق و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد احبابی امریک برسیر سلطنت ابدیه جلوس نمایند و صیت نورانیت و

اماء الرحمن کشورهای ۵ قطعه دنیا و بالاخص دوستان قاره آمریکای شمالی از طریق روسای مملکت و کنگره و پارلمانهای کشورها و ارباب جرائد و رادیو و تلویزیون امرالله از دوره مجهولیت خارج شد.

در اینجا مناسب است ذکر شود که حضرت ولی امرالله در پیام چون ۱۹۴۷ (۱۱) بیاران نیمکره غربی خطابی باین مضمون میفرمایند که جمال مبارک در اُم الكتاب اقدس بُرسای کشورهای آمریکای لاتین و آمریکای شمالی بصورت جمع نصایحی میفرمایند که تقاوتش فاحشی با انذارات شدیده و کلمات محکوم کننده در همان کتاب به پادشاه آلمان و امپراطورهای فرانسه و اتریش و سلطان ترکیه که اختصاصاً ذکر آنها شده است دارد.

و همچنین مناسب است ذکر شود که حضرت ولی امرالله در توقيع رضوان ۸۹ بیاران ایرانی و شرق متذکر میشوند که جمال مبارک در لوح اقدس میفرمایند "إِنَّهُ قَدْ أَشْرَقَ مِنْ جَهَتِ الْشَّرْقِ وَ ظَهَرَ فِي الْغَربِ آثَارُهُ تَفَكُّرُوا فِيهِ يَا قَوْمٍ وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ غَلَوْا إِذَا جَاءَتْهُمْ الذَّكْرِيَّةُ مِنْ لِدْنِ عَزِيزٍ حَمِيدٍ" .

چرا این مقام به یاران آمریکای شمالی و کانادا تفویض شد؟

حال به بینیم جمعیت قلیلی که در زمان جنگ بین الملل اول از طرف حضرت عبدالبهاء بنام حواریون جمال مبارک و قبل از جنگ جهانی دوم از طرف حضرت ولی امرالله بنام اعقاب روحانی مطالع انوار عصر رسولی و بانیان مهد نظم اداری حضرت بهاءالله موصوف میشوند مورد چه امتحاناتی واقع شدند و به چه موفقیتهایی در عالم امر بعنوان پرچم داران نظم بدیع جهانی نائل آمدند؟

جرج ابراهیم خیرالله یک جوان عیسوی کلدانی که در دانشگاه آمریکائی بیروت پزشک شده بود در مصر با جانب حاج عبدالکریم طهرانی مقیم قاهره مشهور و در سال ۱۸۹۰ در آنجا تصدیق بامر

مرکز اداری و روحانی عالم بهائی... دیگر ارتقای و تأسیس تدریجی توابع و ملحقات ام المعابد غرب... دیگر تنظیم و تدوین احکام کتاب مستطاب اقدس... دیگر ارتقای سومین مشرق الاذکار عالم بهائی در جوار مدیته منوره طهران... دیگر بنیاد مشرق الاذکار دیگری در ارض نوراء مرکز جهانی آئین اقدس ابھی... دیگر استخلاص جوامع بهائی از تضییقات و تعصبات مذهبی در بعضی اقطار اسلامیه... اتخاذ وسائل و تمہیدات لازمه و اشتراک مساعی در سبیل حفظ و صیانت امرالله در قبال حملات و تعرضات حتمیه ای که بتدریج از جانب دولائر و احزاب مختلفه مذهبی مجتمعاً و مشکلاً نسبت با مر مین و شرع حضرت رب العالمین بعمل خواهد آمد.... تا امر ستمدیده الهی بتواند مراحل مقدّره محتومه را متنایعاً متراداً طی نماید یعنی دوره مجهولیت منتفي شود" (۱۰)

در تاریخ ۱۹۳۸ که حضرت ولی امرالله در کتاب ظهور عدل الهی از جمله وظائف اهل آمریکا استخلاص جوامع بهائی را از تضییقات اقطار اسلامیه قلمداد میکنند در کشور مصر اعلان ارتداد و تکفیر اهل بها از طرف علماء دینی سنتی آن کشور صادر شده بود و در عراق بیت الله در دست دشمنان امر بود و در ایران علاوه بر بستن مدارس امری و اخراج احباء از دولائر دولتی فشار بر جامعه امر ادامه داشت. در آن تاریخ یاران آمریکا بمساعدت برادران شرقی آمدند و طبق توصیه حضرت شوقی افندی تا حال که پنجاه سال از آن تاریخ میگذرد با رشادت و شجاعت کاملی ادامه میدهند.

البته سالها بعد از انقلاب اسلامی و کوشش های بیدریغ یاران کانادا و ممالک متحده را بمنتظر تخفیف آلام دوستان ایرانی فراموش نمیکنیم که بموازات اهراق دماء مطهره شهیدان بعد از انقلاب و فعالیت های پی گیر احباء و

این فصل جناب طهرانی بمصر مراجعت میکند. (۱۲)

بدین ترتیب غرور موقفیت تبلیغی، خیرالله را نابود میکند و با تصور اینکه حضرت عبدالبهاء قبول خواهند فرمود که ایشان راهنمای احبابی شرق باشند و این وظیفه را در غرب با و محل کنند چون خیال باطل او مورد قبول واقع نشد برای همدستی به محمد علی ناقص اکبر روآورد. در ایام اقامت در آمریکا جناب عبدالکریم طهرانی در یک سلسله مجالس امری احباب نیویورک و کنوشا را متذکر نمود که حضرت عبدالبهاء جانشین جمال مبارک و مرکز عهد و میثاق الهی هستند و آنان را از خطرات پیروی از محمد علی بر حذر داشت. پلاخره در ۲۷ می ۱۹۰۰ عده از بهائیان شیکاگو بر اثر نفوذ خیرالله نقض عهد کرده تابع محمد علی شدند و خیرالله "بیوت عدل" خود را در کنوشا و شیکاگو تشکیل داد. بهائیان ثابت آمریکا در این موقع خود را بهائی و طرفداران ناقص اکبر و خیرالله خود را بهائیست نامیدند. باین ترتیب فقط شش سال پس از ورود امر باین قاره امتحانات الهی بانقض عهد و پیمان شروع شد. در نوامبر ۱۹۰۰ دو بهائی دیگر ایرانی حاج میرزا حسن خراسانی و میرزا اسدالله اصفهانی با مترجم برای ملاقات احباء و تدریس و تهییم مسائل امری بصورت نطق ها و کلاسهای امری منظم و جلسات تبلیغی روزهای یکشنبه و سعی در ارشاد خیرالله و اعوانش باین قاره آمدند و جناب میرزا اسدالله اصفهانی تا سال ۱۹۰۳ برای تشکیل "بیت روحانی HOUSE OF SPIRITUALITY در شیکاگو که در واقع هسته محفل ملی روحانی آقیه کانادا و همکار متحده را تشکیل میداد اقامت گزید. در سال ۱۹۰۱ حضرت عبدالبهاء جناب ابوالفضل را برای تبلیغ و تزیید اطلاعات احباء در درک مسائل امری با امریکا اعزام فرمودند و ایشان مدت سه سال و نیم با ایراد نطق ها در شیکاگو واشینگتن و

مبارک میکند و در اواخر حیات جمال مبارک موفق بزیارت میشود. در ۲۲ دسامبر ۱۸۹۲ یعنی اواخر سال صعود حضرت پهاء الله بقصد توطن در آمریکا وارد نیویورک میشود و در فوریه ۱۸۹۴ به شیکاگو رفته اولین کلاس تبلیغی را با حضور جناب تورنتن چیس THORNTON CHASE و سه نفر دیگر در ماه جون آن سال دائم میکند. (حضرت عبدالبهاء این شخص را اول بهائی امریکائی ذکر میکند و در سفر آمریکا در سال ۱۹۱۲ برای زیارت قبر او به لوس آنجلس تشریف پرداخت). خیرالله کلاسهای تبلیغی چند هفته ای را در شهرهای مختلف شیکاگو و کنوشا و فیلادلفیا و کانزاس و نیویورک بدرج با موقفیت دائم میکند و عده مؤمنین زیاد میشود بطوریکه در شهر نیویورک تعداد ۱۴۱ نفر تصدیق میکند. سرور خاطر حضرت عبدالبهاء از وی آنقدر بود که او را پطرس امر بها و کلمبوس ثانی کاشف آمریکا خطاب میکند. در ۲۲ سپتامبر ۱۸۹۸ خیرالله و عده ای از محبین امریکائی از جمله دکتر ادوارد ولواتسینگر LUA & DR. EDWARD GETSINGER و خانم سناتور و صاحب مطبوعات PHOEBE HEARST کالیفرنیا هرست که توسط دکتر گتسینگر تصدیق امر مبارک کرده بود برای زیارت حضرت عبدالبهاء عازم شرق میشوند امتحانات الهی شروع میشود.

خیرالله در اول می ۱۸۹۹ با امریکا مراجعت میکند و در ۸ مارچ ۱۹۰۰ در شهر کنوشا علناً اظهار شک نسبت بمقام حضرت عبدالبهاء میکند. حضرت عبدالبهاء مبلغ او، جناب عبدالکریم طهرانی را برای ارشادش با امریکا روانه میکند این شخص در ۲۶ اپریل ۱۹۰۰ وارد نیویورک میشود و در تاریخ ۸ می همان سال یعنی دوازده روز پس از ورودش خیرالله در نیویورک عبودیت خود را به سرکار آقا اظهار میدارد اما مجدد تصمیم عوض میکند و بنصایح مشفقاته عبدالکرم طهرانی گوش نمیدهد و بعد از

صلح و خیریه و فرقه های اخلاقی و مراکز افکار جدید و گروه ماوراء الطیبیعه (متافیزیک) و انجمن زنان و اسپرانتیست ها و انجمن طرفداران نژاد سیاه و حتی جمعیت بی اعتقادها و اقلیت های چینی و ژاپونی و AGNOSTICS سوریه و ارمنی و یونانی و غیره و خصوصا بعلت شخصیت بی مثیل خود حضرت عبدالبهاء و جهه امر در آمریکا مورد احترام واقع شد اما ناقضین بیکار نشستند و تحریکات را ادامه میدادند. ناقص اکبر پرسش میرزا شاعر الله را برای تقویت خیرالله بامریکا فرستاد و میرزا غلام الله پسر محمد جواد قزوینی ناقص هم برای کمک او بامریکا رفت. خیرالله در ضمن مکاتباتش با ادوارد برون روشن میکند که نقض عهد کرده و بناقض اکبر پیوسته است (۱۴) . با احترامی که امر در امریکا بعد از مسافت حضرت عبدالبهاء پیدا کرد این ناقضین کوشش خود را برای اضمحلال امر اضافه نمودند بخصوص بعد از صعود حضرت عبدالبهاء و انتصاب حضرت شوقی افندی بسمت ولایت امرالله در عنفوان جوانی آنان گمان کردند که این بار میتوانند کاری از پیش ببرند. اما چه تصور باطلی . حضرت ولی امرالله از شروع مقام ولایت امر در سال ۱۹۲۲ با ارسال پیام هائی بامریکا مسائل تشکیلاتی و نظم پدیدع را بطوریکه بعد اشاره میکنیم چنان محکم واستوار نمودند که آمریکائیان نه تنها تشکیلات امر را در این قاره توسعه وافر دادند بلکه ۵ قاره دنیا را فتح روحانی کردند و دیگر نام و نشانی از ناقضین امر در این نیمکره باقی نماند.

فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء

حضرت عبدالبهاء در طول مسافت خود در اقطار آمریکا و کانادا علاوه بر ایجاد خطابات در مجامع بزرگ و کلیساها و دانشگاهها و ملاقات احباء آن سرزمین و بزرگان شاخص علمی و سیاسی و اجتماعی و ارباب جرائد تکیه کلام روزمره خود را در مجالس یاران در موضوع

نيويورك و دروس امری منظم در گرین ایکر و تدریس کتاب الحج البهائیه از تالیفات ایشان که ترجمه آن در همان سال چاپ شد سعی کردند پایه اطلاعات امری یاران را با بیانات نازله جمال مبارک و حضرت عبدالبهاء محکم کنند. برای فهم ضربه ای که این انشقاق بجماعه امری وارد کرد کافی است متذکر شویم که در ۱۹۰۲ دکتر فردریک پیز FREDRICK O PEASE رئیس جمعیت بهائیست کنوشا بود مینویسد که در نتیجه این انشقاق ۱۷۰۰ نفر بکلی از امر کناره گیری کردند و جمعیت ششصد تا هفت صد نفر باقیمانده تقریبا بطور مساوی بین بدو شعبه تقسیم شدند. در سال ۱۹۰۶ آمار رسمی معتقدین بادیان مختلفه در ممالک متحده نشان میهدد که ۱۲۸۰ نفر بهائی در آن سال تسجيل شده بودند و تعداد پیروان ناقض اکبر و خیرالله (بهائیست ها) به چهل نفر کاهش یافت (۱۳) .

افراد دیگری که از ایرانی و سوریه بامریکا آمدند و در تحکیم مبانی امری این قاره کمک کردند عبارتند از جناب آنون حداد ANTON HADDAD که او هم یک مسیحی اهل سوریه بود و در مسافت هایش بامریکا مقداری از آثار را باانگلیسی ترجمه کرده است. همچنین دکتر فرید پسر جناب اسدالله اصفهانی که ساکن آمریکا شد و دکتر ضیاء بغدادی که بعد از اتمام تحصیلات طبی مقیم آمریکا شد و در کار مجله نجم باخترا عامل مؤثری بود و همچنین جناب علیقلی خان که در ترجمه آثار امری کمک بسزائی کرد و در مدت مسافت حضرت عبدالبهاء در آمریکا در بعضی بلاد مترجم هیکل مبارک بود. اطلاعات امری یاران غرب با حضور این مبلغین شرقی و ترجمه های آثار امری بتدریج بربایه محکم استوار شد و با مسافت حضرت عبدالبهاء در ۱۹۱۲ در شرق و غرب امریکا و کانادا و شرکت در مجالس دوستان و ایجاد خطابه ها در کنیسه ها و کلیسا ها و دانشگاهها و مجامع علمی و فلسفی و ادب و انجمن های

اما در حقیقت پاسخ عمومی مردم این قاره از سال ۱۹۳۷ یعنی اجراء اولین برنامه هفت ساله حضرت شوقي افندى برای آنان شروع شد. در آن تاریخ تشکیلات امری با پیامهای متابع حضرت ولی امرالله که بتدریج نضجی میگرفت بمرحله کمال رسید و با بلوغ روحانی جامعه آمریکا احباء این سرزمین قادر به فتح روحانی ۵ قاره ارض شدند.

باقیان مهد فقیر اداری امرالله

بطوریکه می بینیم فاصله زمانی بین ابلاغ فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء و اجراء آن در ظل اولین نقشه هفت ساله مدت بیست سال طول کشید علت آنرا جویا میشویم. قبل از ولایت امر حضرت شوقي افندی جامعه بهائی نیمکره غرب عبارت از یک گروه غیر مشکل و نایباتی بود که افراد آن از مکتب های مختلفه دینی و اجتماعی که هیچ تجانسی با یکدیگر نداشتند تشکیل شده بود. خوب میتوان تصور کرد که وجه مشترک افرادی از فرق مذهبی و لامذهبی و اخلاقی و تیاسفی و طرفداران احضار ارواح و جمعیت زنان و طرفداران حقوق سیاه پوستان و اقلیت های ملی و دانشمندان و معتقدین به متفاہیزیک و غیره قسمت عده بعلت احترام و عشق آنها به شخصیت حضرت عبدالبهاء بوده است و وقتی حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۲۲ در راس دیانت بهائی شروع به روشن کردن مسائل تشکیلاتی در ضمن پیامهای خود برای یاران غرب میکنند عده بسیاری که فقط طالب دورهم نشستن دوستانه و ورود در بحث های دینی و اجتماعی و ماوراء الطبیعه بودند و هرگز تصور نمیگردند که در دیانت بهائی با اجتماعات منظم و مرتب و دستورات و تعالیم امری واجب الاطاعه روزی مواجه خواهند شد بتدریج خود را از امر کنار کشیدند و این مسئله توام با دسیسه ها و سفسطه های ناقصین سبب شد که جمعیت بهائی که در سال ۱۹۱۶ تعداد ۲۸۸۴ بود در ۱۹۲۶ یعنی چهار سال پس از ولایت امر و تاکید در

تبلیغ از طریق گفتار و حیات بهائی و مهاجرت گذاشته پس از مراجعت به ارض اقدس در طی مکاتیب متعدده عمومی و خصوصی این موضوع را مرتبأ گوشزد آنان میگردند تا آنکه فرامین تبلیغی صادر شد. این فرامین تبلیغی شامل چهارده لوح خطاب به احباء آمریکای شمالی و کانادا است که مجموعاً به ۵ ناحیه تقسیم شده است. یاران ناحیه شمال شرق. ناحیه ایالت های جنوب ناحیه مرکزی آمریکا.

ایالات غرب و کانادا هشت لوح اول بین ۲۶ مارچ و ۲۲ اپریل ۱۹۱۶ در موقعیکه سه‌میگین ترین و خونین ترین صحنه های جنگ در جبهه های اروپا میگذشت صادر شد و شش لوح آخر بین دوم فوریه و هشتم مارچ ۱۹۱۷ در حدود یکماه قبل از ورود ممالک متحده به جنگ جهانی اول مرقوم گشت. از هشت لوح اول تعداد ۵ لوح بامریکا رسید و در مجله نجم باختر در هشتم سپتامبر ۱۹۱۶ منتشر شد و بعلت قطع باب مکاتبات در اثر جنگ جهانی اول بقیه الواح در صندوقی در مقام اعلی محفوظ ماند تا پس از ختم مخاصمات بین الملل ارسال و در کانونشن میثاق CONVENTION OF THE COVENANT که در شهر نیویورک در تاریخ ۲۲ اپریل ۱۹۱۹ برگزار شده بود قرائت گشت. پاسخ های افرادی باین فرامین تبلیغی که در ضمن آن حضرت عبدالبهاء یاران الهی را به سطع نور رحمانی در عالم ظلمانی و بخشیدن حیات بجسد مرده دنیا تشویق میکنند از طرف افرادی چون سرور مبلغین و مبلغات میس مارتا روٹ و زن و شوهر دان THE DUNNES داده شد. میس مارتاروٹ بفرموده حضرت ولی امرالله ۵ بار دور دنیا را برای ابلاغ کلمه الهی پیمود و با هرکس از هر طبقه اجتماعی و رنگ و مذهب و ملیت صحبت کرد و بشارت ظهور داد و ملکه نیک اختر رومانی را در ظل امر در آورد و زن و شوهر دان، استرالیا و ژاپن و قسمتهایی از شرق دور را فتح روحانی کردند.

دوره تقسیم میشود.

دوره اول بین سالهای ۱۹۲۲ و ۱۹۲۶ بود که در این مدت محفل ملی و محافل محلی و کمیته های ملی و ناحیه ای و محلی استحکامی پیدا کردند. در پیام ۵ مارچ ۱۹۲۲ حضرت شوقي افندی با اشاره بمکاتیب حضرت عبدالبهاء مسئولیت محفل روحانی ملی و محافل روحانی محلی را تبیین و آنها را حالت جنینی موسسات آذیه بیوت عدل ملی و محلی خواندند و متذکر شدند که در هر شهری که جمعیت یاران از نه نفر تجاوز کرد انتخاب محفل محلی باید انجام شود. انتخاب محفل ملی را از طریق کانونشن ملی و وظائف و مسویت آنان و اصول شور بهائی و شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان را تشریح کردند. در پیام های بعدی روابط بین محفل ملی و محافل محلی را بیان فرمودند و روشن نمودند که مسائل ملی در حیطه عمل محفل ملی است نه محافل محلی و محافل محلی باید گزارش مرتب خود را بمحل ملی بدهند. وظیفه احباء را نسبت به محافل محلی و محافل محلی و وظائف محافل را نسبت باحباء توصیف کردند. در این سالها حضرت ولی امرالله در مکاتبات خود تاکید شدیدی در زندگی خصوصی افراد بر مبانی اخلاقی نمودند که باید تبلیغ باعمال نیک سرلوحه اقدامات یاران قرار گیرد و نیز متذکر شدند که تا محافل روحانی استحکام و قدرت کافی پیدا نکنند بیت العدل اعظم تشکیل نخواهد شد و همچنین طرز برگزاری کانونشن ملی و کمیته های مختلف ملی و محلی و موسسات ناحیه ای را در این سالها هیکل مبارک توضیح دادند. مرحله دوم توسعه نظام بدیع الهی بین سالهای ۱۹۲۶ و ۱۹۳۶ بود.

در سال ۱۹۲۶ حضرت ولی امرالله در مکاتباشان باحباء آمریکا متذکر میشوند که توسعه تشکیلات امری آنقدر شده که دیگر بجای بسط آن باید افکار را حصر در گسترش امر تبلیغ از آن طریق نمود و در ضمن دو پیام در

امر تشکیلات و اطاعت از آن به ۱۲۴۷ نفر تقلیل پیدا کرد. از آن تاریخ بعد بود که آنانکه در ظل امر بودند و آنانکه بعداً تبلیغ میشند دیگر میدانستند که جامعه امر جامعه ای متتشکل با اصول و مبانی اخلاقی و تشکیلاتی است که با نظرات فردی قابل تفسیر نمی باشد و اطلاعات تشکیلات امری اجباری است و آن تاریخ جامعه ثباتی پیدا کرد و باین ترتیب جامعه امری که در سال شروع نقشه هفت ساله ۱۹۳۷ در حدود دو هزار نفر بالغ میشد دیگر گرفتار نوسانات نگردید و بصورت تدریجی و دائم پیش رفت بطوریکه امروز احتمالاً این جمعیت مشترک کانادا و آمریکا بالغ به یکصد و بیست هزار نفر می باشد.

در زمان حیات حضرت عبدالبهاء سعی بر آن بود که یاران غرب اطلاعات کلی در مورد اساس امر بهائی مبنی بر تعالیم وحدت عالم انسانی و وحدت ادیان و حیات روحانی و ملکوتی پیدا کنند. شخصیت حضرت عبدالبهاء و آنهاشیکه در ارض اقدس و یا در سفر ایشان با امریکا مشرف بزیارتستان میشند و نزول الواح خصوصی با فراد بهائی باعث شد که یاران الهی با هم آهنگی با یکدیگر زندگی کنند اما تشکیلات بهائی در حقیقت انکاس فرهنگ و زندگی آمریکا بود نه مبانی امری. حضرت شوقي افندی از شروع بولایت امر سعی را حصر در ساختمان تشکیلات امری کردند که البته از لحاظ کلی و نظری جمال مبارک و حضرت عبدالبهاء آنرا بی ریزی کرده بودند منظور حضرت ولی امرالله آن بود که با ایجاد تشکیلات بهائی جامعه را متعدد و یک پارچه کرده و در توسعه و پیشبرد امور امری احبا کلاً شریک و سهیم گردند.

این کار آسانی نبود زیرا با مخالفت افرادی که مخالف تشکیلات در امرالله بودند مواجه شد اما نفوذ کلام مبارک و استقامت گردانندگان اساس تشکیلات امر را هر روز محکمتر کرد. توسعه تشکیلات امری در این قاره بطور کلی بدو

ولی امرالله مقام شارع مقدس امر جمال مبارک و مبشر آن حضرت رب اعلی و مبین آن حضرت عبدالبهاء را بتفصیل برای یاران غرب تشریح میکنند. در پیام ۸ فوریه ۱۹۳۴ تشکیلات امر را بطور دقیق از لحاظ اهمیت و ماموریت آن و مقایسه با ادیان گذشته و وظیفه آن در اصول نظم و تمدن جهانی بیان میکنید و بالاخره در پیام ۱۱ مارچ ۱۹۳۶ بطور تفصیل از سقوط و انحطاط اسلام و مسحیت و تدنی اخلاق عمومی و ورشکستگی های مؤسسات سیاسی و اقتصادی علازم مرگ انطمئن موجود و تولد نظم جدید گسترش جامعه اسم اعظم و دیانت جهانی صحبت میکنند با ارسال پیامهای تشکیلات امری در ابتداء و پیامهای نظم جهان آرای الهی در دنبال آنها دیگر محفل ملی و محافل روحانی محلی و کمیته های مختلف آنقدر استحکام پیدا کرده بودند که قدرت انجام برنامه های تبلیغی و مهاجرتی قاره ای و بین المللی را داشته باشند. در حقیقت پیاده کردن فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء با شروع نقشه هفت ساله اول - از ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۴ یکصد سالگی امر حضرت رب اعلی - افتتاح شد. لازم بتذکر است که آنچه در جوامع امری دنیا امروزه بنام تشکیلات امری ملی و ناحیه ای و محلی و کمیته ها و ضیافتات نوزده روزه و مؤسسات دیگر از قبیل مدارس تابستانه و زمستانه و غیره برگزار میکنیم همه اقتباس از این منابع سرشاری است که بین سالهای ۱۹۲۲ و ۱۹۳۶ در قاره آمریکا تحت نظرت مستقیم حضرت ولی امرالله فراهم شده است.

وسعت میدان عمل با آنچه بطور مختصر ذکر شد ملاحظه میکنیم که جامعه بهائی قاره غرب فقط بعد از شش سال از اعلان امر در آنجا گرفتار ضربات سخت نقض عهد و میثاق شد و با وجودیکه در راس پیمان شکنان شخص حامل پیام الهی از شرق بغرب بود که احترام فوق

آن سال یاران را متذکر میشنوند که هدف اصلی تشکیلات امری تبلیغ است و احباء نباید آنچنان محو در کار تشکیلات شوند که فرصت کارهای تبلیغی را نداشته باشند. محفل ملی روابط و مکاتباتش را با محافل محلی توسعه داد و در سال ۱۹۲۸ از آنها خواست که ضیافت های نوزده روزه را بطور مرتب ترتیب دهند و مراعات سه قسمت برنامه آن را که حضرت ولی امرالله تصویب نموده اند دعا و مناجات، مسائل تشکیلاتی و مشورت و قسمت اجتماعی - بنمایند و در مکاتبات بعدی یاران را تشویق کردند که حضور در جلسات نوزده روزه را جدی و وظیفه روحانی خود بدانند. در تاریخ ۲۲ فوریه ۱۹۲۹ حضرت ولی امرالله اولین پیامی را که امروز بنام "نظم جهانی بهاء الله" می نامیم WORLD ORDER OF BAHĀ'U'LĀH بیاران آمریکا مرقوم داشتند، در ان ارتباط تام بین تشکیلات بهائی و اصول و مبادی روحانی و انسانی را تشریح میکنید و سپس یاد آور میشنوند که تشکیلات امری فقط وسیله است برای وصول و مبادی روحانی و انسانی را تشریح میکنند و سپس یاد آور میشنوند که تشکیلات امری فقط وسیله است برای وصول بهدفی که آن نظم جهانی جمال مبارک است. پیام دوم در ۲۱ مارچ ۱۹۳۰ مرقوم و در آن تبیین شد که نظم جهان آرای الهی هدفی است که تشکیلات امری بآن سو در حرکت است و یاران الهی نباید مسحور انظمه موجوده شوند. باید چشمها را باز کنند تا مشاهده کنند که ساختمان نظم بدیع الهی که در جریان است جانشین مؤسسات اداری و جامعه های در حال سقوط خواهد شد. پیام بعدی در تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱ در موضوع هدف نظم بدیع جهانی است. پیام بعدی در تاریخ ۲۱ مارچ ۱۹۳۲ در موضوع عصر طلائی دیانت حضرت بهاء الله است. پیام ۲۱ مارچ ۱۹۳۳ راجع بامریکا وصلح اعظم است. در پیام بعدی بمناسبت نودمین سال دوره بهائی حضرت

تشکیل شد علاوه بر آن مهاجرین آمریکای شمالی و کانادا بکشورهای افریقا و شرق دور و جزائر پاسیفیک و آسیای جنوب شرقی رفتند. حضرت ولی امرالله در قرب جشن‌های مأوی اظہار امر خفی جمال مبارک در سیاه چال طهران اعلام چهاد کبیر اکبر جهانی را دادند که در آن از تمام یاران دنیا دعوت شد در انجام نقشه فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء شرکت کنند و پرچم امر را در تمامی سطح کره زمین باهتزاز آورند. ادامه فتح روحانی با انتخاب بیت العدل اعظم در ۱۹۶۳ و برنامه‌های متمادی نه ساله ۱۹۷۳ - ۱۹۶۴ و ۵ ساله ۱۹۷۹ - ۱۹۷۴ و هفت ساله ۱۹۸۶ - ۱۹۷۹ و شش ساله ۱۹۹۲ - ۱۹۸۶ در حقیقت دنباله نقشه‌های ترسیمی حضرت ولی محبوب امرالله است که ابتداء از احبابی قاره آمریکای شمالی اجرای آنها را خواستار شدند و در مورد سرنوشت احبابی آن سامان متذکر شدند که "هیج امری نخواهد توانست خط مشی را که قلم ملهم حضرت عبدالبهاء روح الوجود لقدرته الفداء برای موفقیت آن سرزمین ترسیم و تصویر فرموده است بالمال تغییر دهد" (۱۵)

العاده ای در جامعه قازه کسب کرده بود و در کمک باو ناقضان ارض اقدس و دیگران از هیج کوششی کوتاهی نکردند اعزام مبلغین از شرق بنا بر اراده حضرت عبدالبهاء و بعداً مسافرت آنحضرت بامريكا و کانادا و پس از صعود ايشان تفهم امر و شناسائی مقامات حضرت رب اعلى و جمال مبارک و غصن الله اعظم حضرت عبدالبهاء و اصول و تعاليم و مبادى و احکام و بالآخره در پایه گذاري تشکيلات اداري امر بهائي بر اساس نظم جهان آرای الهی ، اين جامعه جوان چنان از بوته امتحان سرافراز يبرون آمد که با عده قليل دو هزار ففری در سال ۱۹۳۷ پرچم دار جنود منصوره ابي در فتح اقاليم دنيا باين صورت که بيان ميشود گردید: با نقشه هفت ساله اول و تشکيل جمعيت هاي بهائي در تمام ايالات غير مفتوحه کانادا و آمریکای شمالی و همچنین تشکيل لااقل يك مرکز امری در هر يك از جمهوريات آمریکای مرکزي و جنوبی فتح روحانی نيمکره غرب در ۱۹۴۴ خاتمه قرن اول بهائي انجام پذيرفت. در نقشه هفت ساله دوم ۱۹۴۶ - ۱۹۵۳ احباء آن سامان فتح روحانی اروپا را انجام دادند و در عاصمه هر يك از ده کشور نقشه لااقل يك محفل روحانی محلی

- CITADEL OF FAITH P.18 - ۱۱
 THE BAHAI' FAITH IN - ۱۲
 AMERICA - ORIGINS
 1892-1900 VOL. ۱
 STUDIES IN BABI AND - ۱۳
 BAHAI' HISTORY
 VOL. ۱ P. 85
 EDWARD GRANVILLE BROWN - ۱۴
 AND THE BAHAI' FAITH P.114
 ۱۵ - ظهور عدل الهی ص ۱۸۴

ماخذ

- ۱ - تلخيص تاریخ نبیل زرندی ص ۱۲۱
- ۲ - CITADEL OF FAITH P.10 -
- ۳ - CITADEL OF FAITH P.28 -
- ۴ - ظهور عدل الهی ص ۱۵
- ۵ - كتاب قرن بدیع ص ۲۱
- ۶ - ظهور عدل الهی ص ۱۳
- ۷ - ظهور عدل الهی ص ۱۵۳
- ۸ - ظهور عدل الهی ص ۱۲۱
- ۹ - ظهور عدل الهی ص ۱۲
- ۱۰ - ظهور عدل الهی ص ۳۰



النصاف صفت ممتازه انسان

انرا نصب العین خود قرار ده. در این بیان مبارک علاوه بر توصیف و تعریف این صفت عالی اخلاقی که از محبوب ترین سجاویای انسانی در نزد حق معروفی فرموده اند توصیه و تاکید هم میفرمایند که مبادا انسان از آن غفلت ورزد زیرا با اتصاف باین صفت است که میتواند همه چیز را با چشم خود به بیند و با گوش خود بشنود و با عقل خود ادراک کند تا بمقام بلند عرفان واقعی برسد و اگر از آن محروم گردید ناگزیر دچار وهم و تقلید گشته زمام اختیار دانش و بیشن خود را بچشم و عقل دیگران داده و قلاده تقلید را بر گردن مینهند و همه چیز خود را از دست میدهد. خداوند بپر فردی از افراد بشر قوای لازمه عطا فرموده که خود مستقلاً بدruk و فهم حقایق اشیاء قادر باشد زیرا ممکن است شنیده ها غالباً آلوده باغراض نفسانی بوده باشد از این رو است که گفته اند میان حق و باطل کمترین فاصله است و مقصود فاصله بین گوش و چشم است که گوش وسیله شنیدن گفته هاست و نمی توان همه چیز را که شنیده صحیح و معتبر دانست ولی چشم که هرچه را مشاهده کند نسبت بشنیده ها بصحت نزدیکتر است در صورتیکه اگر با دقت و توجه همه چیز را شخصاً رسیدگی کرده و پس از تفحص و تجسس قام انرا قبول بنمائیم برتبه حق الیقین واصل شده کمتر دچار اشتباه گشته ایم. در اینخصوص ملای رومی علیه الرحمه چینین میفرماید.

کرد مردی از سخنداوی سؤال
حق و باطل چیست ای نیکو مقال

انصاف صفت ممتازه انسان و از جمله اخلاق ستوده اهل بها است

صفت ممتازه انصاف یکی از مزایای اخلاقی هر انسانی است که بزیور دیانت و کمال آدمیت آراسته باشد کسیکه دارای این گوهر گرانبهای اخلاقی است از شائبه تقصیب و طرفداری جاهلاته دور و بر کنار و همه چیز را بجای خویش میشناسد و حق را بر کرسی خود می نشاند و هیچگاه رشت را بجلوه زیبائی نمی ستاید و زیبای را در پس پرده عیبب جوئی و حجاب رشت کوئی پنهان نمی نماید. حضرت بهاءالله جل اسمه الاعلی محبوب ترین صفات را انصاف و مقرب ترین نقوس را در پیشگاه الهی صاحبان این ملکه اخلاقی معرفی فرموده است چنانچه در کلمات مکنونه میفرمایند: يا ابن الروح احباب الاشياء عندي الانصاف لا ترغيب عنه ان تكون الى راغباً ولا تغفل منه لتكون لى اميماً و انت توفق بذلك ان تشاهد الاشياء بعينك لابعين العباد و تعرقها بمعرفتك لابمعرفة احدفي البلاد فكر في ذلك كيف يعني ان يكون ذلك من عطيتي عليك و عنائي لك فاجعله امام عينك . مضمون بیان مبارک اینست محبوب ترین چیزها در نزد من انصاف است رو مگردان از آن اگر مایل بمن هستی و غفلت نکن از او تا امین من باشی و تو موفق خواهی شد باآن که مشاهده کنی همه چیز را بچشم خودت نه بچشم بندگان و بشناسی همه اشیا را بعرفان و شناسائی خود نه بعرفان احدی از مردم در این باره فکر کن که چگونه سزاوار است باشی صفت مزبور از بخشش و عنایت من نسبت بتو است

گوش را بگرفت و گفت این باطل است
چشم حق است و یقینش حاصل است
آن به نسبت باطل آمد پیش این
نسبت است اغلب سخنها ای امین

واضح گردد. در لوح کلمات احص کل الخير میفرمایند. "راس کل ما ذکرنا لک هوالاصاف و هو خروج العبد عن الوهم و التقليد و التفروس فی مظاهر الصنع بنظر التوحید و المشاهدة فی كل الامور بالبصر الحدید" مضمون بیان مبارک این است: سرآمد آنچه که برای تو گفتم انصاف است و آن خارج شدن بنده از وهم و تقليد و رقت و مراقبت در مظاهر صنعتی الهی است بنظر توحید و مشاهده در جمیع امور بانظر تیزبین. و همچنین در لوح شیخ در مقام راهنمائی او بمناجات با خداوند متعال چنین میفرمایند: الهی الهی زین راسی باکلیل العدل و هیکلی بطراز الانصف انک انت مالک المواهب و الا لطف عدل و انصاف دو حارستند از برای حفظ عباد و از این دو کلمات محکمه مبارکه که علت صلاح عالم و حفظ امم است ظاهر گردد". و در مقام دیگر در مناجاتی میفرمایند: " امرا را عدل عنایت فرما و علاما را انصاف" و از نتایج دیگر این صفت اخلاقی آنست که شخص منصف عمل نیک و کلام صحیح و معقول دیگران را ولو دشمن باشد اغراض ننموده حق او را پایمال نمی نماید. در این مورد کھایاتی چند بر سبیل اجمال مستند به بیانات مبارکه و مندرجات کتب سائره ذکر میگردد تا نمونه از تحقق یافتن دستورات مظاهر حق را که خود واجد چنین صفات و مزایائی اخلاقی است در آئینه اعمال و رفتار آنها مشاهده میکنیم.

۱ - مرحوم میرزا حسین خان مشیرالدوله که بعد از تصدی مقامات مهمه مملکتی بتصارت ایران نائل و بلقب سپسالار ملقب گردید با انکه یکی از عوامل و وسائل تبعید و سرگونی حضرت بهاءالله و اصحاب از بغداد باسلامبول و از آنجا بادرنه و عاقبت بسجن اعظم عکا بود معذالک در باره او در لوح شیخ محمد تقی نجفی چنین میفرمایند: " اینمظلوم را مرحوم

و انصاف آنستکه این دقت و مراقبت را در جمیع امور از جزئی تا کلی مورد توجه قرار دهیم چه بسا کدورتها و اغبرارها و گفتگوهاییکه در بین اعضاء یک عائله و یا رفقا و دوستان واقع میشود در اثر عدم توجه باین موضوع است که اشخاص سخن چنین از زیان دیگران سخنانی گفته و حکایات و روایاتی نقل میکنند که فلان شخص درباره تو چنین و چنان گفت و اغراض خود را نیز بر آن مزید کرده آتش فتنه را روشن مینماید حال هرگاه شنونده باین دستور عالی اخلاقی ناظر و مخصوصاً یتاكیدی که در اخر کلمات مبارکه مذبور میفرمایند: (ذلک من عطیتی علیک و عنایتی لک فاجعله امام عینک " توجه کامل داشته و آنرا نصب العین خویش نموده باشد هرگز بانگونه سخنان گوش فرا نداده و فوراً شخص سخن چین را از خود دور و آتش فتنه را قبل از اینکه خرم من سوز گردد در همان محل تولدش خاموش و از خاطر فراموش میکنند زیرا گفته های او را بگوش خود نشنیده و آنچه که او ادعای رؤیت نموده ندیده است. و اینکه در تاریخ ادیان خوانده و از این عصر نورانی نیز برای العین مشاهده میشود که در زمان ظهور انبیاء الهی عامه مردم از شریعت الهی بیزاری جسته و از اطاعت تعالیم برگزیدگان حق سرباز میزنند برای عدم اعتنا باین صفت اخلاقی است که عقل و ادراک خدا دادی خود را چون بار گرانی از دوش اندخته و شاهراه تحقیق را گذاشته و جاده تقليد را در پیش میگیرند و ازفهم و دانش ناقص دیگران استعانت میجوینند. اینک بیان دیگری از حضرت بهاءالله جل ذکره الاعلی در این مورد ذکر میگردد تا اهمیت موضوع کاملاً روشن و

در مجلسی وارد شدند که مشون از عدمی علم و دانشمندان بود و انجا در این موضوع مباحثه مینمودند که حاج محمد کریم خان در یکی از رسائل خود کلمه (ماست)، را عربی دانسته در حالیکه فارسی بودن آن واضح است . حضرت عبدالبها فرمودند شما میدانید که مناسبات حاج کریم خان با امر مبارک حضرت اعلی بر روی دشمنی وکینه جوئی بوده ولی انصاف این است که او در این باره صحیح نوشته است بعد شرحی از استتفاقات این لغت و کیفیت پیدایش ماست در عرب بیان فرمودند که حکایت از احاطه علمیه ایشان مینمود و کتاب لغت را آورده مراجعه نمودند معلوم شد که اینکلمه عربی است .



يَا أَنَّ الْوَجُوهُ
 لَوْلَى شَعْلَ بِالرِّيَا
 لَوْلَى بِالنَّرِخِينِ لِلْأَقْرَبِ
 وَ لِلْأَقْرَبِ خَتِّنِ الْعِوَادِ

از شاب روحانی جناب برهان زهرائی که خط بالا را بعنديب هدیه نموده اند بی نهایت متشرکريم عنديب

مقفور حضرت مشیرالدوله میرزا حسین خان غفر الله شناخته بود و البته نزد اولیای دولت تفصیل ورود اینمظلوم را در استانه و اقوال و اعمالش را ذکر فرمود... این عمل حضرت مرحوم مقفور اعلی الله مقامه نظر بدoustی اینمظلوم نبوده بلکه نظر بمقتضیات حکمت و خدمتی که سرآ در نظر داشته اند بوده شهادت میهم که در خدمت دولت امین بوده بشانیکه خیانت را در عرصه اش راهی و مقامی نبوده و سبب ورود اینمظلومان در سجن اعظم هم او بوده ولیکن چون در عمل خود صادق بود لائق ذکر خیر است .

۲ - مرحوم میرزا تقی خان امیر کبیر که در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه بتصارت ایران رسید و اول شخص مملکت گردید کمر همت خود را بر قتل و اعدام بایان بست و عدهای در طهران بامر و دستور او بشهادت رسیدند که معروفترین آنها شهادی سبعه میباشند و همچنین قضیه حادثه قلعه شیخ طبری و زنجان و نیریز و عاقبت شهادت مظلومانه حضرت رب اعلی در تبریز بحکم و فرمان او واقع شد با اینحال حضرت عبدالبها در بیانات شفاهی خود در حق او چنین میفرمایند: " میرزا تقی خان صدر اعظم با آنکه ظلمی بر امر کرد که قا حال کسی چنین ظلمی نکرده معهذا در امور سیاسی و مسائل ملکی اساسی کذارد که واقعا نهایت متألت را داشت و حال آنکه در هیچ مدرسه ئی از اروپا داخل نشده بود بلی تحصیل مدد حال شخصی است که دانا و اگاه و مؤید باشد ولی اگر دانش فطی و تائید الهی نباشد فقط تحصیل چه عمر و اثری دارد . " (سفرنامه اروپا صفحه ۱۴۴)

۳ - در جلد ثانی کتاب کواكب الدوله نوشته شده (حضرت عبدالبها در ایام توقف بغداد

اخبارات امریک

اقبال و ترجمه از انجمن‌های اسلامی بهائی

۶ - طبق راپورتی که از محفل روحانی ملی اطربیش ۱۴ ژانویه بارض اقدس واصل شده در کشور هانگری محفل روحانی محلی جدیدی در شهر سوپرون Sopron ژانویه ۱۹۹۱ گردید.

۷ - در مدرسه زمستانه بهائی که در شهر گوتا (Gotha) کشور آلمان منعقد بود سبب شد چهار نفر ایمان خود را باشین جمال مبارک اظهار داشتند.

۸ - در ایالت اریسا (Orissa) هندوستان طی شش ماه فعالیت تبلیغی از ماه می تا نوامبر ۱۹۹۰ بیش از هزار و هفتصد و پنجاه (۱۷۵۰) نفر تسجیل شدند.

در کشور ایرلند بیشتر دبستان‌ها در جمهوری ایرلند توسط کلیساها کاتولیک یا پرستانت اداره می‌شود. اواخر سال ۱۹۷۰ دو دبستان بین المذاهب با سرمایه دولتی تشکیل گردید و در این ایام معبدی از این مدارس در کشور وجود دارد. در دهه اخیر چند طفل بهائی شاگرد یکی از مدارس بودند. در نتیجه سال ۱۹۸۱ هیئت مدیره اعلان نمود که مدرسه ۱۲ نوامبر بافتخار یوم مولود بهاء‌الله مؤسیس آئین بهائی تعطیل خواهد بود. این روش چند سال ادامه یافت که طی آن مدرسه این تاریخ را تعطیل مذهبی اعلام کرد ولی در دو سال اخیر هیئت مدیره تصمیم گرفت بكلی تعطیلات مذهبی را مراجعت ننماید. اما اکنون طبق نشریه محفل روحانی ملی دو مدرسه دیگر تصمیم گرفته اند ۱۲ نوامبر را بعنوان یوم مولود بهاء‌الله تعطیل مذهبی اعلام نمایند این فتوحات بی سابقه معرفت اهمیت امر در کشور ایرلند می‌باشد.

مومین جدید در فیلیپین محفل روحانی محلی جدید انتخاب می‌کنند در مجمع الجزائر فیلیپین ایالت باتانز (Batanes) که شمالی ترین جزایر است. جمعیت این ایالت قدری کمتر از بیست هزار نفر (۲۰۰۰) است و شهر

اقبال دسته جمعی نقوس با مر مبارک و تشکیل محافل روحانی محلی در نقاط مختلفه عالم

۱ - مدرسه زمستانه بهائی در کشور اطربیش که از ۲۵ دسامبر ۱۹۹۰ تا اول ژانویه ۱۹۹۱ دائم بود موفقیت عظیمی حاصل کرده سبب شد دو نفر که یکی از آنان اهل یوگوسلاوی است با مر مبارک اقبال نمودند.

۲ - در شهر پلودیو (Plovdiv) یکی از بلاد اروپای شرقی هفته اول ماه ژانویه ۱۹۹۱ در اثر اقدامات تبلیغی جوانان بهائی سی و یک (۳۱) نفر مُؤمنین جدید در ظل امر وارد شدند. ۳ - در لاس پالماس (Las Palmas) شهری در جزیره کاناری، اقیانوس اطلس، از ۲۶ تا ۲۷ دسامبر ۱۹۹۰ کنفرانسی منعقد بود که در آن راجع باقبال دسته جمعی نقوس و یک نقشه تبلیغی مشورت بعمل آمد و مورد توجه اولیای امور بخصوص شهردار قرار گرفت در نتیجه چهار نفر مُؤمنین جدید تسجیل شدند و شش جوان یک سال خدمت با مر بهائی تعهد کردند.

۴ - اولین محفل روحانی محلی در کشور بلغارستان Bulgaria (اروپای شرقی) در شهر پلودیو Plovdiv دوم ژانویه ۱۹۹۱ انتخاب گردید پانزده نفر در انتخابات شرکت داشتند. طی هفته در اثر اقدامات تبلیغی شورای بهائی جوانان اروپائی سی و یک (۳۱) نفر در ظل امر وارد شدند.

۵ - طبق راپورتی که از محفل روحانی ملی سوئد ۹ دسامبر ۱۹۹۰ بارض اقدس واصل شده در لاتویا Latvia (کشور هنگری) پنج تن مُؤمنین جدید تسجیل شده اند.

کتابچه های بهائی بزیان محلی و انگلیسی فروخته شد

بهائیان قبرس بمناسبت یوم مولود حضرت بهاء الله جشتی عمومی متعدد میگشند در یکی از بلاد قبرس بهائیان تصمیم گرفتند ۱۲ نوامبر ۱۹۹۰ یک جشن عمومی منعقد کنند. قریب هفتاد نفر با مسرت و انبساط در جشن حضور یافتند. نطق مختصری راجع به آئین بهائی ایراد شد سپس برنامه موسیقی و رقص اجرا گردید. بیرق زیبائی که نام بهاء الله روی آن اعلان شده بود جلب توجه مینمود.

وحدث در کثیر موضوع کنفرانس راجع به محفل روحانی محلی در ایالات متحده آمریکا دومین کنفرانس راجع به بسط و توسعه محفل روحانی محلی در سالون یک دانشکده تشکیل گردید و صدو نود و پنج (۱۹۵) نفر شرکت کنندگان موضوع های مریوط به وحدت در کثیر و مشورت و بکار بردن اصول روحانی را مورد بحث قرار دارند.

از ۲۸ دسامبر ۱۹۹۰ تا اول ژانویه ۱۹۹۱ جوانان بهائی در شهر آتلانتا Atlanta ایالت جورجیا Georgia یکی از ایالات متحده امریکا کنفرانسی ترتیب دادند که در آن قریب هفتصد نفر شرکت نمودند و ناطقین نطق های راجع به مطالب ذیل ایراد نمودند گوش دادند :

- "رویای ولی امر از نظم جهانی" و "عصر تغییر حالت عمومی" "صلح اصغر در دست رس ما است" و "نزاد جدیدی از نوع بشر .
- مأموریت "همچنین در کنفرانس موضوع های ذیل مورد بحث قرار گرفت. "مقام عبدالبهاء" تعادل بین دستان و خدمت بامر" "ترویج اتحاد نزادی در مدارس " و "تعلیم و تبلیغ امریکائی های بومی"

شهردار ساندیکو از یک بهائی میخواهد دعای مطلوبیت را بخواهد هرسال شهردار

پایخت در این جزیره پنجهزار (۵۰۰۰) جمعیت دارد و چنان آرام و صلح آمیز است که فقط یک پاسبان مجهز به تیرکمان دارد. درب خانه ها قفل ندارد و باز گذاشته میشود در هفته اول نوامبر ۱۹۹۰ هیئتی از چهار بهائی به ایالت باقیانز رفتند و پیامی که حامل بودند چنان از صمیم قلب پذیرفته شد که سیصد و چهل و شش (۳۴۶) نفر اهالی آن جزیره در ظل امر وارد شدند که معادل شش درصد (۶٪) جمعیت پایخت است. محفل روحانی ملی از هیئت بهائی خواسته است که در آن جزائر بمانند و مساعی تبلیغ مبتدیان و تکمیل مُؤمنین جدید را ادامه دهن. یک محفل روحانی محلی تشکیل شد و انتظار میرود بزودی چند محفل دیگر نیز تشکیل گردد. ایالت زامبالز Zambales در جزیره دیگری است با اسم لوزن (Luzon) . اخیراً مساعی تبلیغی در این ایالت هزار و ششصد (۱۶۰۰) تن مُؤمنین جدید در ظل امر وارد نموده است. ناظم دبستانی در این جزیره از محفل روحانی ملی تقاضا کرده است پنج معلم برای پنج کلاس بهائی در مدرسه بفرستند نظام دبستان خود نسبت با مر بینهایت خوش بین و موافق است و میخواهد شاگردان که بهائی شده اند تعلیم و تربیت بهائی داشته باشند.

شرکت بهائیان در برنامه بسط و توسعه اقتصادی و اجتماعی در نمایشگاه فلاحتی که از ۹ تا ۱۲ اکتبر ۱۹۹۰ در اومنلا Umtala () پایخت ترانسکای Transkei کشوری مستقل در جنوب افریقا دائز بود بهائیان غرفه ای داشتند تحت عنوان (بسط و توسعه اجتماعی و اقتصادی) مزین به گل و پوسترها با عباراتی از نصوص مبارکه و اطلاعات راجع به نقشه های بسط و توسعه اجتماعی و اقتصادی بهائی بود. قریب چهارصد (۴۰۰) نفر بدیدن غرفه بهائی آمدند از جمله وزیر فلاحت. جزوایت بهائی مورد تقاضا مجاناً داده میشد و بسیاری کتب و

بحث عبارت بود از پیام صلح بیت العدل اعظم و رابطه بین آئین بهائی و سازمان ملل متحد و کار تبلیغ و نقش جوانان. در نتیجه مدرسه تابستانه دو نفر مُمنین جدید در ظل امر وارد شدند طبق راپورتی که از محفل روحانی ملی ۲۷ زانویه بارض اقدس واصل شده: "برای حفظ و حمایت مرکز جهانی امر (حیفا) در این ایام بحرانی جنگ خلیج ادعیه مخصوص تلاوت شد. وقایع اجتناب ناپذیر که از طرف مُمنین آئین بهائی پیش بینی شده و در بسیاری پیام های بیت العدل اعظم بآن اشاره شده سبب شد که احبا امر تبلیغ را اهمیت دهند.

در جزائر ماریانا (اقیانوس کبیر) بهائیان در درخت کاری شرکت میکنند در جزیره گوام (Guam) یکی از جزائر ماریانا ۲۱ اکتبر ۱۹۹۰ (۹) دانش آموز سن ۴ تا ۱۲ با نه (۹) تن اولیای خود و معلمین و دوستان برای کمک به اداره فلاحت دولتی با راهنمائی صاحب منصبان جنگلبانی بدرختکاری مباردت نمودند.

کنفرانس های مریبوط به حضرت بهاءالله در پاپوا گینه جدید (جزیره‌ای در اقیانوس کبیر) در پاپوآ گینه جدید یک سری کنفرانس های یک روزه برای تزئید معلومات امری دوستان منعقد گردید نام این کنفرانس ها را "حکایت بهاءالله" گذاشتند و بیش از دو هزار (۲۰۰۰) نفر در آنها حضور یافتند. کنفرانس ها در بیش از چهل محل در سراسر کشور منعقد گردید و اعضاء محفل روحانی ملی، اعضاء هیئت معاونت و لجنه های ملی و ناحیه ای تبلیغ نیز شرکت نمودند.

موفقیت یک نقشه تبلیغی در شمال غربی افریقا

هفت تن بهائیان مشتاق یک نقشه تبلیغی در کینی بیساو Guinea Bissau کشوری در

ساندیگو که دومین شهر بزرگ کالیفرنیا و پنجمین شهر بزرگ امریکا است نطقی راجع به وضعیت شهر ایراد میکند که مورد توجه مردم واقع میشود. در سال جاری شهیدار ازیک Margaret Hough خواست دعا مطلوبش را بخواند: ایشان یکی از مناجات‌هایی که حضرت عبدالبهاء عنوان مناجات خاتمه در یکی از جلسات تلاوت نمود

لجنه های جوانان در جمهوری ایرلند و انگلیس متنقلاً جلسه ای متعقد میکنند دو لجنه ملی جوانان بهائی در جمهوری ایرلند و انگلیس جلسه مشترکی دهم و یازدهم نوامبر ۱۹۹۰ در ایرلند شمالی منعقد نمودند از جمله موضوع هائی که مورد شور قرار گرفت عبارت بود از: طرق ازدیاد همکاری بین جوانان، فعالیت های تبلیغی، سمینارهای تزئید معلومات، اجتماعات بهائی و کنفرانس جوانان.

نقشه تبلیغی الینکا در آفریقای شمالی باعث اقبال دسته جمعی گردید

طی دو هفته در ماه اکوست یک نقشه تبلیغی تحت عنوان نقشه الینکا Olinga توسط لجنه تبلیغ و تحکیم در نواحی هدف نقشه اجرا گردید و نوزده نفر " سربازان قشون آسمانی" در آن شرکت نمودند. دو نمایش کتاب و چهار احتفال عمومی و یازده جلسه تبلیغی دو مصاحبه رادیو و رفتن بدین اولیای امور نتیجه اش تسجیل سیزده (۱۳) نفر مُمنین جدید بامر مبارک بود.

مدرسه تابستانه بهائی در ساموآی امریکائی (جزیره ای در اقیانوس کبیر)

از ۱۸ تا ۲۱ زانویه در یکی از قراء ساموآی امریکائی مدرسه تابستانه بهائی با شرکت صد و سی (۱۳۰) نفر دوستان از ساموآی امریکائی و ساموآی غربی تشکیل گردید موضوع های مورد

ملی از مهمانان مخصوص بودند. جوانان مجتمع در کنفرانس احساسات خود را با این عبارت اظهار داشتند: " با وجود هر حالت در دنیا مسئولیت ما اینست که آئین محبوب را در این قاره منتشر نمائیم". شرح کنفرانس در اخبار تلویزیون منتشر گردید و مصاحبه‌های رادیویی در چهار شهر ناحیه پخش شد. طی کنفرانس هفت فرجوان با مر بهاءالله اقبال نمودند هنگام نماز صبحگاهی شرکت کنندگان در کنفرانس مجتمع برای حفظ مرکز جهانی امر (حیفا) و کارکنان آن و تحقق نقشه عظیم الهی دعا کردند.

پیش‌رفت امر در اروپای شرقی اولین محفل روحانی محلی در لاتویا. پیام تلگرافی که از محفل روحانی ملی سوئد ۲۷ ژانویه بارض اقدس واصل شده این عبارت است: "با مسرّت باطلاع میرساند که محفل روحانی محلی بهائیان شهر ریگا (Riga) ۲۵ ژانویه ۱۹۹۱ تشکیل گردید".

اولین مدرسه زمستانه تاریخی در رومانی: پیام تلگرافی که از لجنه ملی تبلیغ رومانی ۱۶ فوریه بارض اقدس واصل شده شامل این عبارت است: "با مسرّت نتایج اولین مدرسه زمستانه بهائی رومانی را که از ۸ تا ۱۴ فوریه در شهر فلیکس (Felix) منعقد گردید باطلاع میرساند - بیش از هشتاد نفر دوستان مشتاقانه شرکت نمودند موضوع‌های مختلف از جمله "عهد و میثاق" و "بهاءالله سلطان جلال" مورد شور قرار گرفت و در نتیجه اقدامات تبلیغی بیست و سه ۲۳ نفر مؤمنین جدید در ظل امر وارد شدند....."

اعقاد جلسه پادبود هترمند معروف مارک توپی در کشور سویس

۲۹ نوامبر ۱۹۹۰ بهائیان شهر بازل Basel در کشور سویس در یک رستوران معروف شهر

شمال غربی افریقا شروع کردند که نتیجه اش اقبال چهارصد و سی (۴۳۰) نفر مؤمنین جدید با مر مبارک بود و قسمتی از این موقفیت را نتیجه آن میدانند که هر روز صبح جمع شده به تلاوت مناجات و خواندن آثار مبارکه و مشورت گذرانند. مرحله اول نقشه در پایتخت کشور اجرا شد که نتیجه اش اقبال صدو دو (۱۰۲) نفر با آئین بهائی بود مرحله ثانی در قراء اطراف اجرا شد و در این ناحیه به تشکیل دو محفل روحانی محلی موفق شدند مرحله ثالث در حاکم نشین یکی از نواحی ابرا شد و نسخه‌های " وعده صلح جهانی" به روای ناحیه و نفوس داده شد این وقایع قابل توجه که در گینی بیساو بی سابقه بود با دعا و مناجات و نقشه‌های کامل محفل روحانی ملی و فدایکاری دوستان که در اجرای آن نقشه‌ها همت گماشتند میسر گردید.

در مدرسه زمستانه بهائی فنلاند نظم جهانی آتشیه مورد بحث قرار گرفت بیش از صد و هفتاد (۱۷۰) تن دوستان از ممالک مختلف اروپا در مدرسه زمستانه بهائی که در کشور فنلاند منعقد گردید شرکت نمودند. یکی از احباب انگلیس نظم جهانی بهائی را مورد بحث قرار داد. دیگری راجع به وقایع تاریخی در روسیه شوروی از زمان مؤمنین اولیه عشق آباد تا فتوحات حاصله اخیر صحبت نمود و ناطق سوم که غیر بهائی بود فرصت‌های تاسیس نظم بدیع جهانی را مورد بحث قرار داد.

کنفرانس بین المللی جوانان در کشور بزرگی از ۱۰ تا ۱۳ فوریه قریب صد نفر و پنج (۱۹۵) نفر در کنفرانس بین المللی جوانان که در شهر سائوپالو São Paulo منعقد بود شرکت نمودند. موضوع کنفرانس تغییر حالت transformation جناب شاپور منجم با چهار عضو محفل روحانی

Susie Agahi نیستند. خانم سوسی آگاهی یک هنرمند معروف در رادیو و تلویزیون ایرلند راجع به "بهائیان و هنر" صحبت نمود.

جامعه بهائی اروگوئه برای کار خود در تأمین صلح مفترغ میگردد در اروگوئه (Uruguay) کشوری در امریکای جنوبی ساحل اقیانوس اطلس یک سازمان غیر دولتی موسوم به "انجمن فرهنگی شرقی" تحت عنوان "جوائز شرقی برای صلح ۱۹۹۰" برای مساعی بهائیان در تأمین صلح به جامعه بهائی جائزه افتخار داد. مراسم اعطاء جائزه ۳ دسامبر ۱۹۹۰ در بندر مونتیویدئو (Montevideo) با حضور نایب رئیس جمهور و خانم او و چند سناتور و اعضاء پارلمان و نفوس برجسته در اجتماع انجام یافت تاریخ جامعه بهائی در اروگوئه خوانده شد سپس نماینده محفل روحانی ملی مدار را دریافت نموده مختصری راجع باصول آئین بهائی و ارتباط آن با صلح صحبت کرد. این دفعه دوم است که جامعه بهائی اروگوئه برای مساعی خود در مورد صلح جائزه میگیرد.

بهائیان در یک سرویس بین الادیان شرکت میکنند

در ترینیداد و توباگو (یکی از جزائر آنتیل های صغیر) ۲۱ اگوست ۱۹۹۰ تحت عنوان "یوم ملی شکرانه" National Day of Thanksgiving نه عدد سرویس بین الادیان در سراسر کشور منعقد گردید و آئین بهائی یکی از آن ادیان بود. قریب ۲۵۰ نفر حضور داشتند از جمله رئیس مجلس سنا و نمایندگان پارلمان، چند کشیش، بعضی راهبه های کاتولیک و مردم از طبقات مختلفه.

اقبال دسته جمعی فقوس یامر مبارک در فیلیپین اخیراً یک هیئت تبلیغی به آیا (Iba) یکی از جزائر فیلیپین رفته مدت یک ماه بیش

جمع شده جلسه یادبود صدمین سال تولد هنرمند معروف مارک توبی (Mark Tobey) منعقد گردید. رئیس محفل روحانی ملی امین خمسی و یک عضو محفل بیش از صد و هشتاد (۱۸۰) نفر همانان را خوش آمد گفته توجه ایشان را به تاثیر آئین بهائی به کار نقاش جلب کردند. مارک توبی در سیاتل (Seattle) ایالت واشنگتن از ایالات متحده امریکا تولد شد و در سن بیست و هشت (۲۸) با مر مبارک اقبال نمود. بسیار سفر کرد و مدتی در ژاپن رحل اقامت افکند. در سال ۱۹۶۱ به بازل نقل مکان کرده بقیه عمر خود را گذراند.

خبر جامعه بهائی در کشور پرتغال ۴ اگوست ۱۹۹۰ در تلویزیون ملی برنامه ای اجرا گردید و در ضمن آن فریبز صهبا که سفری شخصی به پرتغال کرده بود موافقت کرد با خبرنگاران راجع به مشرق الاذکار هندستان صحبت کند. برنامه مخصوصی بمدت سی (۳۰) دقیقه در تلویزیون ملی راجع به کنفرانس نسوان بهائی اروپائی پخش شد کنفرانس از سی (۳۰) اگوست تا سوم سپتامبر ۱۹۹۰ در مادرید اسپانیا منعقد گردید و در برنامه کنفرانس راجع به مصاحبه ها با امّه البها روحیه خانم و با بهائیان اسپانیا و پرتغال مطالبی ذکر شد.

انعقاد کنفرانس مطالعات بهائی در ایرلند شمالی

در یکی از بلاد ایرلند شمالی تحت اشراف انجمن مطالعات بهائی (اروپای انگلیسی زبان) کنفرانس مخصوصی تشکیل گردید که هدف آن مطالعه ارتباط آئین بهائی و تعالیم آن با مسائل و مشکلاتی که در این ایام نوع بشر با آن مواجه است بود. دکتر کولت معانی

Collette Maani یک فیزیک دان راجع به "علم و دین" نطق کرد و نشان داد چگونه حقایق اصلی علم و دین با یکدیگر مخالف

دادند و مشاور قاره ای ذکر الله کاظمی و عضو هیئت معاونت هما اسمیت Homa Smith بوسیله پوسترها و اعلان در رادیو واقعه را اعلان نمودند. روز اول بیش از سیصد نفر و طی دو هفته بعد هر روز بین بیست تا شصت نفر بدیدن نمایشگاه آمدند. روز آخر در یک مجلس عمومی جماعت سیزده (۱۳) نفر مُؤمنین جدید در ظل امر وارد شدند.

کنفرانس ملی نسوان بهائی در ژاپن (Kyoto) از ۹ تا ۱۱ فوریه در شهر کیوتو (Kyoto) ژاپن یک کنفرانس تحت عنوان کنفرانس ملی نسوان بهائی با حضور سرکار خانم مهرانگیز منصف تشکیل گردید. طبق راپورت در پایان کنفرانس تمام جمعیت برخاسته تعهد کردند باقیمانده اهداف مiful روحانی محلی را در مورد نقشه شش ساله تحقق بخشنند. بسیاری داوطلب مهاجرت داخله شدند و دیگران مرتباً به شهرهای اهداف برای تبلیغ خواهند رفت.

اقتباس و ترجمه از اخبار بین المللی بهائی شماره ۲۴۳

نمایش های تعلیم و تربیت صلح در کشور بزریل

جمعی از بهائیان بزریل نمایشی ترتیب دادند که مساعی ممالک مختلف را در نیل به صلح از راه تعلیم و تربیت نشان میداد. نمایش ابتدا ۴ ژوئن در شهر برازیلیا پایتحت کشور نشان داده شد بعد از آن هشت شهر دیگر در سراسر کشور برده شد. آخرین مکان در شهر لوندرینا (Londrina) جنوب بزریل بود که سی و چهارتمن هنرمندان کار خود را بعرض نمایش گذاشتند و در تلویزیون و جرائد "نمایش هنر برای صلح" خوانده شد. این اقدام بهائیان فرصت های بسیار برای اعلان و تبلیغ امر فراهم کرد و راه را برای تماس و

از هزاران نفر را در ظل امر وارد نمودند. هشتصد تن از این بهائیان جدید جوانان هستند و لجنه ملی جوانان برای تعکیم و تقویت آنان معلمین به جزیره آیا فرستاد.

تمایش صلح در یکی از ایالت استرالیا از ۲۸ دسامبر ۱۹۹۰ تا ۱۳ ژانویه ۱۹۹۱ گروهی از جوانان هائی در کوئینزلند Queensland یکی از ایالت استرالیا نمایشی اجرا کردند که عنوان آن را "نمایش صلح - Do It Yourself Peace Show" گذاشتند و قریب دو هزار و صد (۲۱۰۰) نفر این نمایش را دیدند که در آن بسیاری از مواقع عده صلح جهانی و طریق رفع آن نشان داده میشد. جوانان این نمایش را دوازده بار در روز در هشت شهر مختلف نشان دادند و بعد از نمایش ها جوانان بهائی را به حاضرین معرفی نموده گفتند اصولی که الهام بخش این جوانان است و آنان را به جستجوی صلح و اداشته از بهاء الله است. سپس از حاضرین دعوت شد سوالاتی راجع به گروه جوانان و آئین بهائی مطرح کنند.

اقبال دسته جمعی نفووس با مر در امریکای مرکزی

سال ۱۹۹۰ هزاران نفر رجال و نساء و اطفال در کشور هندوراس (Honduras) در امریکای مرکزی (Bamarck Aqibal) نمودند. این موفقیت نتیجه مساعی چندتن مُؤمنین بود که به راهنمائی مشاور قاره ای هدایت الله احمدیه برای تبلیغ و ترویج امر آماده شده بودند.

موفقیت بهائیان توگو (Togo) کشوری در غرب افریقا در تبلیغ امر بهائیان توگو از ۱۷ تا ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۰ در کتابخانه یکی از بلاد توگو با مساعدت مiful روحانی ملی و لجنه ملی تبلیغ نمایشگاهی ترتیب

طبق راپورتی که از محفل روحانی آلمان ۱۱ مارچ بارض اقدس واصل شده تمام افراد جامعه محلی در انتخاب شرکت کردند و اولین جلسه محفل که همان شب منعقد گردید و هیئت عامله انتخاب شد.

در کشور رومانی
آئین بهائی برسمیت شناخته شده ثبت گردید. جریان این امر که ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰ شروع شد از اینفراست است: ابتدا وزیر فرهنگ در ماه ژانویه ۱۹۹۱ سندی را امضاء کرد سپس سند ثبت شد و توسط دادگاه ملی در بوخارست (Bucharest) پایتخت کشور ۲۰ فوریه رسمی گردید. در این سند جامعه بهائی رومانی در سطح ملی با مقر آن در بوخارست و مقصد آن انتشار آئین بهاءالله در رومانی بعنوان یک اجتماع مذهبی شناخته شده و لجنه ملی تبلیغ رومانی با سند مذبور شروع به ثبت نام تمام محافل روحانی محلی رومانی نموده است.

در یوگوسلاوی
اولین کنفرانس تبلیغی ملی ۲۶ و ۲۷ ژانویه ۱۹۹۱ در بلگراد (Belgrade) پایتخت کشور منعقد گردید. پنجاه و پنج (۵۵) تن دوستان از هشت شهر در آن شرکت داشتند و نیز نماینده هیئت مشاورین قاره ای اروپا و نماینده محفل روحانی ملی اتریش حضور داشتند شب قبل از کنفرانس یک مجلس عمومی با حضور پنجاه نفر منعقد و در رادیو و تلویزیون اعلان شد در نتیجه یک نفر با مر مبارک اقبال نمود. این کنفرانس به حاضرین طرق مشورت و همکاری را آموخت و نیز وظیفه شخصی هر یک را راجع به پیش برد امر در یوگوسلاوی نشان داد.

شورای اروپائی جوانان هائی در هلند
دومین کنفرانس سالیانه شورای اروپائی جوانان بهائی ۱۶ و ۱۷ فوریه در هلند منعقد گردید و

همکاری با سایر گروههای صلح باز نمود که منجر به انعقاد کنفرانس‌ها و جلسات تبلیغی گردید.

موقیت اقدامات تبلیغی در جمهوری افغانستان

از ابتدای نقشه شش ساله تا کنون هر سال قریب هزار نفر مُؤمنین جدید در ظل امر وارد شده اند اما سعی و کوشش بسیار برای تحکیم و تقویت مُؤمنین جدید و تبلیغ نفوس مهم و فتح مراکز جدید لازم است. از ۱۵ نوامبر تا ۱۰ دسامبر ۱۹۹۰ مبلغین سیّار دو هزار و صد (۲۱۰۰) کیلومتر راه طی کرده در بیست مرکز بهائیان را ملاقات کرده با سیزده (۱۳) محفل روحانی محلی مشورت کرده اند نمایش اسلامی جمعاً به سه هزار و پانصد (۳۵۰۰) نفر نشان داده و موفق شدند. بیست و پنج (۲۵) نفر مُؤمنین جدید در ظل امرالله وارد کنند همچنین با اولیای امور محلی حاصل کرده نسخه‌های "وعده صلح جهانی" بآنان دادند. از ۲۲ تا ۲۵ دسامبر ۱۹۹۰ مدرسه تابستانه بهائی در یکی از بلاد موسوم به باتالیمو (Batalimo) با شرکت صدوچهارده (۱۱۴) نفر تشکیل گردید. دوستان از ده محل بعضی پیاده نود (۹۰) کیلومتر پیموده در مدرسه تابستانه حضور یافتند. نماینده شهردار باتالیمو مدرسه را رسماً افتتاح کرد. از طرف محفل روحانی از اولیای امور تشکر شد که اجازه دادند مدرسه در آن ناحیه منعقد گردد. نسخه‌هایی از کتابچه مناجات بهائی و کتاب بهاءالله و عصر جدید و "وعده صلح جهانی" به اولیای امور محلی تقدیم گردید.

پیشرفت امر بهائی در ممالک اروپای شرقی کشور بلغارستان

اولین محفل روحانی محلی در سوفیا (Sofia) پایتخت کشور ۹ مارچ انتخاب گردید در حضور مشاور قاره ای جناب فواد کاظم زاده

اجتماع بهائیان از ممالک مختلف در مدرسه زمستانه هندوستان

طبق راپورتی که توسط محفل روحانی ملی هندوستان ۱۰ فوریه بارض اقدس وصل شده مدرسه زمستانه سالیانه در هندوستان از ۲۳ تا ۲۵ دسامبر ۱۹۹۰ فرصتی برای کسب دانش و حسن رفتار بود. بیش از صد و پنج نفر از سیزده کشور مختلف شامل انگلیس، ایرلند، ژاپن، کانادا، روسیه شوروی، استرالیا، عربستان، سنگاپور، مکانو و هندوستان در این مدرسه زمستانه شرکت نمودند. از هندوستان اهالی یازده ایالت از جمله سی تن محصلین مدرسه ربانی بودند.

مقالات بهائیان با فرمادر در جزائر آندامان و نیکوبار

Andaman And Nicobar Islands
طبق راپورتی که از محفل روحانی ملی جزائر آندامان و نیکوبار ۱۱ مارچ بارض اقدس وصل شده بک مبلغ سیار بهائی موسوم به مستر بورژیو Mr. Burgirous واحد و ملت واحد One Planet One) در کلاس عالی پنج مدرسه یک ویدیو People که عنوان آن "کره ارض وطن واحد است" بود نشان داده راجع باسفار تبلیغی خود صحبت نمود و در مدت اقامت خود آنجا همراه سرکار خاتم مهرزاد اختر خاوری و همسر گرامی او بدیدن نایب فرماندار رفت.

در پاکستان نسوان بهائی برنامه ای برای کودکان عقب افتاده ترتیب می‌هندند لجنه ملی نسوان بهائی ۱۲ اکتبر ۱۹۹۰ برای کودکان عقب افتاده جسمانی و روانی برنامه ای ترتیب دادند بیش از دویست و پنجاه نفر از جمله دبیر اداره رفاه اجتماعی در برنامه حضور یافتند و تمام برنامه از رادیو پاکستان پخش شد.

تمام بیست و یک (۲۱) لجنه ملی جوانان بهائی در کنفرانس نماینده داشتند. سال جاری برای اولین دفعه جوانان از بلغاری و چکوسلواکی، هنگری، رومانی و روسیه شوروی در کنفرانس شرکت نمودند. مشاور قاره ای دکتر سهراب یوسفیان نیز در کنفرانس حضور داشت. شورای اروپائی جوانان با مسرت اعلام کرد در اجرای "نقشه صندوق قوس باسم دکتر یوگو جیاگری Dr. Ugo Giachery Arc Fund Project" از ابتدا تا بحال مبلغ صد هزار دلار برای کار ساختمان در جبل کرمل عاید شده است.

بهائیان اسپانیا د رادیو برنامه اجرا می‌کنند

در اسپانیا بهائیان در قریه ای نزدیک بندر مالاگا (Malaga) هر هفته برنامه ای بمدت یک ساعت یا بیشتر در رادیو اجرا می‌کنند و شنوندگان میتوانند بفرستنده رادیو تلفن کنند و راجع با مر سوالاتی بنمایند. بدین طریق فرصتی برای بهائیان حاصل می‌شود که نظریه بهائی را راجع به موضوع‌های مختلف بیان کنند.

بهائیان با پیروان سایر مذاهب در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت می‌کنند

در ایالات متحده امریکا ۷ زانویه بهائیان با پیروان سایر مذاهب در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرده نقض حقوق بشر را در نزاع خلیج فارس تقبیح نمودند. کنفرانس در مرکز اسلامی ساندیگو توسط مسیحیان و یهودیان تشکیل گردید و بهائیان ساندیگو نیز شرکت داشتند. نماینده‌گان جوامع بودائی، هندو، یهود، مسیحی و مسلمان از اولیای امور، مدیران مدارس، معلمین، وسائل ارتباط جمعی و تمام اهالی ساندیگو خواستند بر علیه جنایات تعدی و تجاوز به مردم بسبب عقیده دینی یا ملیّتی جلوگیری نمایند و بگذارند جمیع نفوس با یکدیگر زندگی کرده وصلح و توافق داشته باشند.

أخبار مصورة



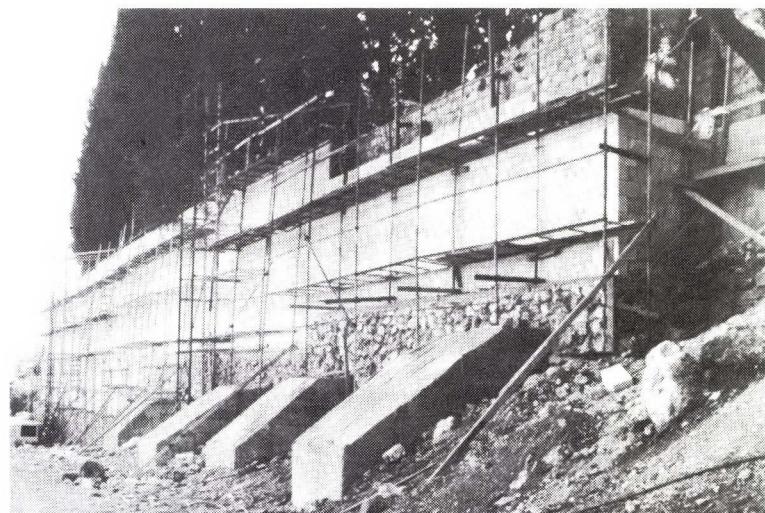
حضرات ایادی امرالله جناب دکتر علیمحمد ورقا و جناب ویلیام سوزر با عده کثیری از اطفال و نوجوانان که در مدرسه بهائی روز صحراوی در توسان آریزونا از ۲۲ تا ۲۵ نوامبر ۱۹۹۰ منعقد گردید در این عکس دیده می شوند.

یکی از احبابی زلاند جدید بنام راشل بریدر (Rochelle Brader) گروه کری از اطفال تشکیل داد و در کنسرت پانورامای زلاند جدید که در شهر ولینکتن Wellington در ۲۴ نوامبر ۱۹۹۰ برگزار گردید شرکت نمود. این گروه کر بنام "اطفال رنگین کمان" شناخته شده و مشتمل از اطفال بهائی و غیر بهائی می باشد.



در شهر توئنگا (Tonga) کودکستان عصر بهائی کولوفو او نوکوالوفا Kolofo'ou، Nuku'alofa که در حظیره القدس ملی واقع است و توسط لجنه ملی توئهالان بهائی بربان انگلیسی اداره می شود. فقط ۴ نفر از ۲۱ شاگردان این کودکستان بهائی هستند.

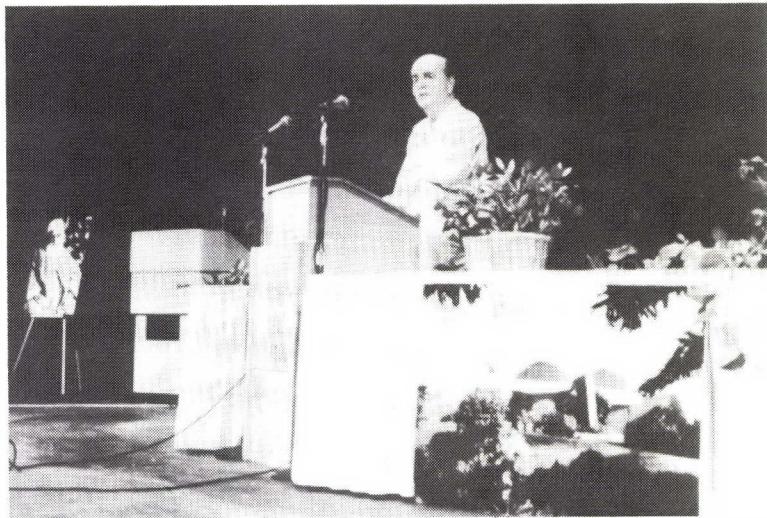
پروژه کوه کرمل : پرخی از خصوصیات تراسهای مقام ، از قبیل منابع و یا حوضچه های آبی که دوره میناگ ساخته شده بود بهمان ترتیب در طرح جدید تراسها حفظ و تلقیق گردید. علیرغم اوضاع سیاسی این منطقه و وقته های مختلف در پروژه های ساختمانی، ۹۰ درصد از کارهای تراس اصلی تا ۱۵ فوریه به اتمام رسیده و کارهای تراس های پائینی پس بعد ادامه خواهد یافت.



پروژه کوه کرمل : پروژه تراسهای مقام اعلی در ارض اقدس، مطابق با پیش بینی های حضرت عبدالبهای و بر طبق نقشه ها و برنامه ریزی حضرت ولی امر الله همچنان بدون وقفه و منطبق با برنامه های بیت العدل اعظم در حال پیشرفت است یک قسمت از پروژه شامل تعویض و تحکیم و پوشش دیوار است که در قسمت جلوی مقام واقع شده است. چدار خارجی این دیوار جهت هماهنگی با سنگهایی که در سایر قسمتهای تراس بکار خواهد رفت پوشیده می شود.

حظیره القدس ماندالی، Mandalay، واقع در میانمار، Myanmar، با کمال سرور و شرف در ۲۰ نویم ۱۹۹۱ افتتاح گردید.





ایادی امرالله جناب ویلیام سیرز هنکام سخنرانی در مورد "پیروزهای چشمگیر" در مدرسه بهائی رز صحرائی که در شهر توسان در آریزونا در نوامبر ۱۹۹۰ منعقد گردید دیده می شود. هفتاد و سی هشت نفر از ۵ مملکت و ۲۰ ایالت مختلف در این مدرسه شرکت کردند.

یک گروه بین المللی موسیقیدان بهائی در اولین کنفرانس بهائی آن یونیون که در ۸ و ۹ دسامبر ۱۹۹۰ در مسکو منعقد گردید برنامه اجرا کردند. محیط کنفرانس مملو از عشق و همبستگی کامل مابین احبابی بود که از سراسر روسیه برای اولین بار دور هم جمع شده بودند.



احبای اومتا Umtata غرفه ای نمایشگاه کشاورزی ترانسکی Transkei که از ۹ تا ۱۲ اکتبر ۱۹۹۰ برگزار گردید گرفته و تحت عنوان "توسعه اجتماعی و اقتصادی از دیدگاه بهائی" با صدعا ملاقات کننده این نمایشگاه در مورد امر مبارک صحبت کردند.

در مراسم رسمی افتتاحیه مرکز درمانی حکیم در موین چاری (Moyen Chari) (واقع در مملکت چاد، شهردار محل به اتفاق مهاجرین امرالله جناب چنگیز وطنخواه و سرکار علیه طاهر خاتم حضور داشتند. این مراسم در ۱۲ نوامبر ۱۹۹۰ برگزار گردید. خدمات این مرکز درمانی گسترش زیادی پیدا کرده است.



چندین مؤسسه نشریات بهائی در Third International Book Fair, سومین نمایشگاه بین المللی کتاب که در شهر Beijing گردید شرکت نمودند. این نمایشگاه از اوّل تا هفتم سپتامبر ۱۹۹۱ برقرار وعده کثیری از جوانان چینی که نسبت به اسم "بهائی" کنجاو بودند از این غرفه دیدن کردند.

در نتیجه اقدامات احبابی بلیز در مرحله دوم از پروژه میرزا مهدی ۲۳۷ نفر به امر مبارک ایمان آوردند در این عکس میلّیون که در یک دوره ۴ روزه آمادگی در ماه جون ۱۹۹۰ برای مرحله دوم پروژه شرکت گرده بودند دیده می شوند.



نامه های لزجیت

۱ - جناب هوشنگ پژشکیان در نامه ای شرح مسافرت خود را بروشیه و ملاقات با احبابی



آسیائی و از مناطق دور و نزدیک پاکستان شرکت داشته اند نگاشته و چندین قطعه عکس نیز بصمیمه ارسال نموده اند که دو عکس از عکسهای واصله ذیلاً چاپ میشود.

۲ - جناب ضیاء الله جابری در نامه ای شرح کنفرانس جوانان بهائی آسیا در لاہور پاکستان را که شرکت کنندگان در آن متعدد از ۵۰۰ نفر از کشورهای مختلف امریکا، استرالیا، سویس، و عده کثیری از سائر ممالک





باشد صحبت کردند که با استقبال شایان توجهی روپرتو گردید. خبر دیگری که در نامه مزبور بدان اشاره شده مربوط به LIVINGSTON که جزو نقشه محفل ملی گواتمالا برای تبلیغ دستجمعی است میباشد که تا تاریخ نامه برابر (۱۵ اپریل ۹۱) ۳۵۰ خانواده ایمان آورده اند از لطف این مهاجر عزیز متشرکیم یکی از عکس‌های ارسالی ایشان ذیلاً چاپ میشود.

۳ - جناب جلیل طالبی فرد ضمن ابراز محبت نسبت به مجله عندهی مطالبی در خصوص کنگره صلح که در روزهای ۲۱، ۲۲، ۲۳ مارچ در تأثیر ملی گواتمالا تشکیل و از تمام اقلیت‌ها شرکت نموده بودند نوشته نماینده بهائیان آن شطر آقای MARIO GARCIA در این کنفرانس ظرف سه روز در باره دیانت بهائی، اقتصاد بهائی، و دین باید مطابق علم و عقل



چون شهیدان غریب و بیکس و گمنام
میخواهم بمیرم
در بی کام دل خودکامه بودم روزگاری روی
خامی
دیگر اینک از دل و جان ای خدا ناکام
میخواهم بمیرم

نقش ضمیر من همه تصویر روی تو
ورد زبان دل همه وصف خوی تو

ج - جناب عباس بیضائی
عید رضوان است و یزدان داده عیدی رایگان
کرده مشمول عطايش خاص و عام بندگان

در میان باعها شد رشك فردوس برین
باغی اندر خارج بغداد کورا بُد مکان

ه - جناب ثانی صابری دو قطعه شعر از جناب
اسکندر رفیعی (افشان) فرستاده اند از ایشان
مشترکیم و از هر قطعه بیتی درج مینماییم.
لحظه ای گر با دل دیوانه تنها میشیدیم

خوبشتن گم کرده ای بودیم و پیدا میشیدیم

مزده یاران کنون فصل بهاران شده
تا که جمال قدم وارد رضوان شده

و - جناب یدالله مشرف زاده ثانی
مهاجر هر کجا هستی خداباشد نگهدارت
ید غیبی کند حفظت بود حامی مددکارت

از جمیع دوستانی که با عندلیب مکاتبه نموده
اند ممنونیم انشاء الله جواب بعضی از نامه های
باقي مانده را در شماره آینده بعرض یاران
خواهیم رساند.

با تقدیم تحیات بهائی
عندلیب



۴ - جناب حشمت الله عزیزی مقاله‌ای فرستاده
اند بعنوان اینکه "می پرسند چرا انکار نکردند"
و بعد به تفصیل شرحی در باره اعتقادات اهل
بها در مورد اتحاد و یگانگی و محبت و عدم
کتمان عقیده بیان داشته اند از لطف ایشان
ممنونیم.

۵ - جناب عبدالله حقانی در نامه نوشته اند
برای بار دوم از زحمت کشان آن مجله شیرین
و مفید تقاضا دارد... چنانچه صلاح دانسته
شرح حال زندگانی جناب اشراق خاوری که حاوی
زحمات و نوشتجات و کتب منتشره آن وجود
نازنین که روحًا در بین ما هستند درج
فرمایند". دوست عزیز شرح حال ایشان در
مسابح هدایت و آهنگ بدیع و شعرای قرن اول بهائی
منتشر شده معذلك اگر تحقیق جدیدی از
زندگانی آن دانشمند عالیقدر بهائی یا عکس
عندلیب برسد مطمئناً انتشار خواهد یافت.
امیدواریم یکی از منسوبان و یا یکی از تلامذه
ایشان باین مهم اقدام نمایند.

ع - اسامی دوستانی که ذیلاً نوشته میشوند از
دوستداران باوفای عندلیبند که هریک قطعه
شعری سروده و فرستاده اند ضمن ابراز امتنان
از آن یاران عزیز ذیلاً یک و یا دو بیت از
شعار ولصله آنان درج میگردد و چون صفحات
عندلیب محدود و درج تمام اشعار آن نفوس
محترمه غیر ممکن است لذا خاضعانه از آنان
پوزش میطلبیم .

الف - جناب عنایت تجلی
مزده ای یاران که یوم عشق و ایمان آمده
یوم شادی و نشاط جمع یاران آمده
آمده در سال نو دوباره رضوان پدید
باغ شده پر زگل بنفسشه هرجا دمید
ب - جناب دکتر اقتدار الدین مصطفی نژاد
دیگر از نام و نشان بیزارم و بی نام میخواهم
بمیرم



‘ANDALÍB

